

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

## سبک زندگی قرآنی با محوریت عفاف، حیا و غیرت

### مقدمه

در زیارت عاشورا از خداوند درخواست می‌کنیم: خدایا سبک زندگی ما را، سبک زندگی محمد و آل محمد قرار بده! «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

یعنی هم اعتقادات و نوع نگاه ما به هستی و خالق هستی همانند نگرش امامان معصوم علیهم‌السلام باشد و هم خلق و خوی ما، خلق و خوی محمدی گردد و هم کردار و رفتار و نحوه زندگی و معاشرت ما همانند آنان بشود. بی‌شک یکی از صفات برجسته اخلاقی و رفتاری اهل البیت علیهم‌السلام صفت عفت و پاکدامنی است به طوری که این صفت از جهاتی با صفات حیا و غیرت، قرین و هم‌مرز بوده و در تقویت یکدیگر مؤثر هستند.

و البته آنچه را که اهل البیت علیهم‌السلام دارند، از قرآن کریم اخذ نموده‌اند و بنابراین سبک زندگی اهل البیت علیهم‌السلام همان سبک زندگی قرآنی است که در این نوشتار سعی شده با محوریت عفاف و حیا و غیرت مورد بررسی قرار گیرد و بی‌تردید بر اساس حدیث ثقلین، تمسک به قرآن و عترت، سعادت در دنیا و آخرت را در پی خواهد آورد.<sup>۱</sup>

### کلیات

در بخش کلیات اغلب به نکات اساسی و زیربنایی پرداخته می‌شود، نکاتی که گاه به‌عنوان مبنا به کمک مخاطب می‌آید و او را در حل شبهات و پاسخ به پرسش‌ها و ارائه راه حل و اتخاذ تصمیمات جدی یاری می‌رساند. اینک در این بخش، شش موضوع اساسی مورد بررسی قرار گرفته که ابتدا فهرست و سپس توضیح مختصر آنها تقدیم می‌شود:

۱. توضیح و تبیین کلید واژه‌ها
۲. آسیب شناسی اصطلاح «عفاف و حجاب»
۳. عفاف‌ورزی مردان، راهکاری برای عفیف‌گشتن زنان
۴. ماهیت غریزه جنسی به لحاظ تحریک و عدم تحریک
۵. توهم عادی‌سازی روابط میان زنان و مردان
۶. فلسفه وجودی غریزه جنسی؛ و اینکه غریزه جنسی، فرصت است یا تهدید؟!

### ۱. توضیح و تحلیل کلید واژه‌ها

پیش از پرداختن به مباحث، لازم است معنا و مفهوم واژه‌های اصلی و کلیدی دانسته شود و ذهن مخاطبین گرامی با آن انس یابد. و آن واژه‌ها عبارتند از: عفاف، حیا، غیرت، تقوا.

۱. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنَّ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضُ» (وسائل‌الشيعة، ج ۲۷، ص ۳۴) همانا من در میان شما دو چیز گرانبها به‌جای می‌گذارم: کتاب خدا(قرآن) و عترتم، اهل بیتم؛ مادام که به آن دو متمسک شوید و چنگ زبید هرگز گمراه نمی‌شوید. به‌راستی آن دو، هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌گردند تا اینکه (روز قیامت) در حوض(کوثر) بر من وارد شوند.

## عفاف

عفاف یعنی خویشنداری، خودکنترلی و بازداشتن نفس از آنچه حلال و شایسته نیست.<sup>۱</sup> البته عفاف دارای مفهوم عام و خاص است؛ مفهوم عام آن، پرهیز از هرگونه تمایلات نامشروع غرایز است و مفهوم خاص آن، بازداشتن نفس از تمایلات نامشروع غریزه جنسی می‌باشد که به خویشنداری می‌انجامد و آدمی را به سوی ازدواج رهنمون می‌کند.<sup>۲</sup>

ناگفته نماند قرآن کریم در دو جا از واژه عفت در مورد نیازهای اقتصادی و معیشتی استفاده کرده،<sup>۳</sup> و در دو جا هم به عفت‌طلبی در امور جنسی سفارش نموده است: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا»؛ «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ»<sup>۴</sup> که معادل مناسب آن در زبان فارسی همان عفت‌پیشگی و عفاف‌گرایی است.

قرآن کریم برای رساندن مفهوم عفاف در امور جنسی، از واژه‌های حِفْظ، حِصْن، حَصْر، عصمت، طیب، زکی، امین، طهارت و صبر نیز استفاده کرده است.<sup>۵</sup>

## یک پرسش و پاسخ

### آیا عفاف امری است صرفاً باطنی و درونی؟

برخی معتقدند عفاف، صفتی است صرفاً درونی و اگر کسی این صفت را در باطن و درون داشته باشد به‌واقع عقیف است و ارتباطی با ظاهر و رفتارهای بیرونی ندارد.<sup>۶</sup> و حال اینکه این سخن، کامل نمی‌باشد چرا که عفاف در آموزه‌های دینی افزون بر ویژگی باطنی و درونی، شامل رفتارهای ظاهری و بیرونی هم می‌شود. به‌عنوان مثال، قرآن کریم به زنان سالخورده رخصت داده

۱. واژه عفاف از کلمه «أَلِيفَةٌ» در لغت عرب گرفته شده است و به معنای «أَلِيفَةٌ عَمَّا لَا يَجِلُّ وَ يَجْمَلُ» می‌باشد. یعنی پرهیز و خودداری از آنچه حلال و شایسته نیست. (لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۲، ابن منظور). كَفَّ النَّفْسُ: خویشنداری، خودکنترلی و بازداشتن نفس. (فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۵۹۱، آذرتاش آذر توش). کنترل: نظارت عقل شخص بر احساسات و اعمال وی. (فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۰۸۵).

۲. در روایتی از رسول گرامی اسلام نقل شده که به یکی از اصحاب فرمودند: «تَزَوَّجْ، تَسْتَعِفَّ مَعَ عَقِيكَ» ازدواج کن، و با عفتی که داری، عفت فزون‌تری را به‌دست آور. آری این نشان می‌دهد ازدواج و ارضای مشروع غریزه جنسی در عفاف‌افزایی انسان موثر است و به‌عنوان یکی از یاری‌کننده‌های آدمی در عرصه عفاف‌گرایی قابل طرح می‌باشد زیرا هنگامی که انسان از طریق مشروع و حلال، تأمین و ارضا شود تا حدودی از انحراف و لغزش ایمن می‌ماند.

۳. خداوند با ستایش از افراد فقیری که از روی عفت و خویشنداری، فقر و نداری خود را ابراز نمی‌کنند می‌فرماید: «يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ»<sup>۷</sup> هر کس آنها را نشانسد گمان می‌برد که آنان افراد بی‌نیاز و ثروتمند هستند و حال آنکه چنین نیست بلکه آنان افراد خویشتن‌دار و عقیفی‌اند که از دیگران درخواست کمک مالی نمی‌کنند. و در باره سرپرستان یتیمان می‌فرماید: هر یک از سرپرستان یتیمان که دارای ثروت و مکنت هستند استعفاف و خویشنداری ورزند و به عنوان حق الزحمه سرپرستی یتیم، چیزی برای خود برندارند. «وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ»<sup>۸</sup> نساء نور، (۲۴)، آیات ۳۳ و ۶۰.

۴. «وَالَّذِينَ هُمْ يُغْرَوْنَهُمْ حَافِظُونَ»<sup>۹</sup> مؤمنون «وَمَرْيَمُ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا»<sup>۱۰</sup> تحریم «أَنَّ اللَّهَ يَشْرِيكَ بِبَيْحِي مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ»<sup>۱۱</sup> اعراف «وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ»<sup>۱۲</sup> یوسف «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا...»<sup>۱۳</sup> نور «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضٌ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ إِزْكَى لَهُمْ»<sup>۱۴</sup> ۳۰ نور «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ»<sup>۱۵</sup> ۵۳ احزاب (مراد پاک‌ی قلوب از تحریکات و وسوسه‌های جنسی است). «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرَْتَ الْقَوَى الْأَمِينُ»<sup>۱۶</sup> ۲۶ قصص / «وَأَنْ تُصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ»<sup>۱۷</sup> ۲۵ نساء این [جواز ازدواج با کنیز] برای کسی از شماست که از مشقت [غریزه جنسی و دچار شدن به زنا] بترسد، و شکیبایی و خویشنداری برای شما بهتر است؛

۵. حسن مصطفوی مؤلف کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» در ذیل واژه عَفَت می‌نویسد: «این ماده در اصل، به معنای حفظ نفس از تمایلات و شهوات نفسانی است، همان‌گونه که تقوا به معنی حفظ نفس از انجام گناهان می‌باشد، بنابراین عفت یک صفت درونی است، در حالی که تقوا ناظر به اعمال خارجی است.»

۶. راغب اصفهانی نیز در مفردات گفته: عفت، حالتی در نفس است که انسان را از غلبه شهوت باز می‌دارد و عقیف به کسی گفته می‌شود که دارای این وصف و حالت باشد. «الْعِفَّةُ حُصُولُ حَالَةٍ لِلنَّفْسِ تَمْتَنِعُ بِهَا عَنْ غَلَبَةِ الشَّهْوَةِ».

ولی به نظر ما برای یافتن یک معنا، علاوه بر جستجو در کتب لغت و استناد به چند روایت، باید به همه موارد کاربرد آن در لسان آیات و روایات نیز مراجعه کرد و با مراجعه به موارد کاربرد به‌نظر می‌رسد معنایی که لسان العرب ارائه کرده جامع‌تر باشد. وی می‌نویسد: عفت عبارت است از خودداری از آنچه حلال و پسندیده نیست. «أَلِيفَةٌ عَمَّا لَا يَجِلُّ وَ يَجْمَلُ». و این هم شامل حالت درونی و هم رفتارهای بیرونی می‌شود.

که موی سر خود را از نامحرمان نپوشانند ولی بلافاصله سفارش می‌کند که اگر عفت در پوشش را رعایت کنند و موهایشان را بیوشانند، برایشان بهتر است.<sup>۱</sup>

﴿وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ﴾<sup>۲</sup>

و این نمونه‌ای است از مصادیق عفت در ظاهر.

همچنین در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

مَنْ عَفَّتْ أَطْرَافَهُ حَسَنَتْ أَوْصَافُهُ.<sup>۳</sup>

کسی که عفت دیدگانش را رعایت کند اوصاف و اخلاقش نیکو شود.

و شکی نیست که رعایت عفت چشم، به فرو گرفتن یا برگرداندن آن از تحریک کننده‌هاست و این امری است ظاهری و بیرونی. بنابراین اگر کسی ادعا کند که قلبش پاک و عفیف است ولی در نگاه به نامحرمان و تحریک کننده‌ها، دیدگانش را فرو نگیرد این فرد از دیدگاه آموزه‌های دینی، عفت دیدگانش را پاس نداشته است.

در کلامی از امیرمؤمنان علیه السلام به دو ساحت بیرونی و درونی عفاف اشاره شده است:

عَلَيْكُمْ بِالزُّومِ الْعِقَّةِ وَالْأَمَانَةِ فَإِنَّهُمَا أَشْرَفُ مَا أَسْرَرْتُمْ وَأَحْسَنُ مَا أَعْلَنْتُمْ وَأَفْضَلُ مَا ادَّخَرْتُمْ.<sup>۴</sup>

بر شما باد به عفاف‌پیشگی و امانت‌داری، چه این دو، شریف‌ترین صفتی است که در نهان دارید و نیکوترین رفتاری است که آشکار می‌کنید و برترین فضیلتی است که ذخیره می‌سازید.

مفروض کلام امیرمؤمنان علیه السلام این است که عفاف، هم بخش پوشیده و درونی دارد و هم ساحت آشکار و پیدا؛ و بر هر دو

کاربست، عفاف درست و روا است.

## حیا

یکی از واژه‌های هم‌ردیف با عفت، واژه حیا است که به معنای شرم و آزر می‌باشد. در برخی منابع، اجتناب نفس از اموری که هراس، ملامت و مجازات را به دنبال دارد، حیا نامیده‌اند.<sup>۵</sup>

«ابن ابی الحدید» در تعریف حیا، از برخی حکما چنین نقل کرده:

حیا، عبارت است از گرفتگی نفس از زشتی‌ها، و این از خصایص انسان است ... و در بچه‌ها اولین چیزی که

از قوه فهم آنان آشکار می‌شود حیاست و خدا آن را در انسان قرار داده تا کناره‌گیری کند از زشتی‌هایی که

نفس، انسان را به سوی آن می‌کشاند، و مانند حیوان نشود، و حیا مرگب از ترس و عفت است...<sup>۶</sup>

در ادبیات مذهبی، واژه عفت و حیا، اغلب در کنار هم به کار می‌روند و گاه در ترک یک کار نادرست، مترادف با هم آورده

می‌شوند. البته حیا در جایی تحقق پیدا می‌کند که حضور ناظری محترم درک و احساس شود<sup>۷</sup> و آدمی به خاطر این درک

۱ - وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ «۶۰» و زنان سالخورده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گاهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر نامحرمان خودآرایی نکنند؛ و اگر عفت در پوشش را رعایت کنند (و خود را بیوشانند) برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست.

۲ - نور (۲۴) آیه ۶۰

۳ - غرر الحکم : ۹۰۵۰

۴ - در و غرر آمدی، ج ۴، ص ۲۵۶، ح ۵۴۱۳.

۵ - فرهنگ معارف و معاریف (ج ۴ ص ۶۹۲) به نقل از «اقترب الموارد» در تعریف حیا گفته است: حیا، یعنی شرم، آزر، حشمت، گرفتگی نفس از چیزی و ترک آن به خاطر ترس از سرزنش.

۶ - شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۴۵.

۷ - ناظر محترم مصادیق گوناگون دارد: ۱- خدا ۲- فرشتگان ۳- انبیاء و اوصیا و ائمه اطهار و اولیاء الاهی و شهدا ۴- انسان‌های دیگر ۵- خود انسان ۶- و حتی گاهی حضور برخی از حیوانات،

حضور، از ارتکاب گناه بازایستد. ولی عفاف‌ورزی، بدون حضور ناظر محترم نیز قابل تحقق است. مثلاً کسی به خاطر فواید فراوان عفاف‌گرایی و یا به جهت زیان‌های فراوان بی‌عفتی، به عفاف‌ورزی روی می‌آورد بدون اینکه حضور ناظر، و شرم از دیگران سبب عفاف‌ورزی وی شده باشد.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر اگرچه در روایات فرموده‌اند: عفت و پاکدامنی به اندازه شرم و حیا است. «عَلِي قَدَرِ الْحَيَاءِ تَكُونُ الْعِفَّةُ»<sup>۲</sup> و عقیف‌ترین شما، باحیاء‌ترین شماست. «أَعَفَّكُمْ أَحْيَاكُمْ»<sup>۳</sup> ولی تا آدم باحیاء نسبت به حوزه‌های مختلف عفاف علم و آگاهی نداشته باشد از برخی رفتارها و اعمال منافی عفت پرهیز نمی‌کند. مثلاً سخن گفتن غیرضروری با نامحرمان، یا استعمال عطر بانوان در حضور نامحرمان، و یا دست دادن به نامحرمان، و یا نمایان بودن موی سر و یا روی پای بانوان در حضور نامحرمان، از دیدگاه آموزه‌های دینی نوعی بی‌عفتی به‌شمار می‌آید ولی از آنجا که برخی به علت ناآگاهی، موارد اینچنینی را بی‌عفتی نمی‌دانند لذا از انجام آن نیز حیا نمی‌کنند! پس با این توضیح لازم است انسان‌های باحیاء، از گستره وسیع مباحث عفاف‌گرایی آگاه شوند تا از روی شرم و حیا، از رفتارهای منافی با عفت بپرهیزند.

البته از برخی روایات نیز می‌توان این مهم را برداشت کرد. به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: اگر زن عفاف بورزد پنج بخش از حیاء برایش باقی می‌ماند. و اگر بی‌عفتی به خرج دهد همه این پنج بخش حیاء را از دست می‌دهد.

الْحَيَاءُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تَسَعَةٌ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ فَإِذَا حُفِصَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ مِنْ حَيَائِهَا وَإِذَا تَزَوَّجَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ فَإِذَا افْتَرَعَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَإِذَا وَلَدَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَبَقِيَ لَهَا خُمْسَةٌ أَجْزَاءً فَإِذَا فَجَرَتْ ذَهَبَ حَيَاؤَهَا كُلَّهُ وَإِنْ عَفَّتْ بَقِيَ لَهَا خُمْسَةٌ أَجْزَاءً.<sup>۴</sup>

شرم دارای ده بخش است نه سهم آن در زنان، و یکی در مردهاست، پس هرگاه زن خون بیند (حائض شود) یک جزء از شرمش برود، و چون به همسری مردی در آید بخشی دیگر از حیاء او برود و چون بکارتش برداشته شد جزئی دیگر از او برود، و چون دارای فرزند شود و بزاید جزئی دیگر، تا اینکه پنج قسمت برای او باقی ماند، پس هرگاه بی‌عفتی و دریدگی نماید همه حیاء از او برود، و اگر عفت ورزد آن پنج قسمت برای وی باقی ماند.

از این روایت می‌توان استفاده کرد که عفاف‌ورزی در حفظ حیاء تأثیر دارد و به عکس بی‌عفتی در بی‌شرمی و از دست دادن حیاء مؤثر است. پس همانگونه که حیاء یکی از یاری‌کننده‌ها در عرصه عفاف‌گرایی است، عفاف‌گرایی نیز یکی از یاری‌کننده‌ها در عرصه حیاء‌ورزی می‌باشد و از این‌رو مکمل یکدیگر بوده و در هم‌افزایی و تقویت هم مؤثرند و اساساً بسیاری از صفات اخلاقی این چنین هستند؛ یعنی اسباب تقویت یکدیگر را فراهم می‌آورند.

امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی حیاء را یار و یاور عفاف معرفی نموده، می‌فرماید:

الْحَيَاءُ قَرِينُ الْعَفَافِ.<sup>۵</sup>

حیاء، یار و یاور و همدم عفاف است.

در نزد برخی از افراد حیاء را برمی‌انگیزد و مانع از انجام کار زشت می‌شود.

<sup>۱</sup> - اینکه در برخی از روایات آمده: «سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ» به نظر می‌رسد از باب اغلیت باشد یعنی غالباً اینگونه است که عفاف‌ورزی افراد به‌خاطر حیا و شرم از دیگران می‌باشد. و از سوی دیگر اثبات شی نفی ماعدا نمی‌کند. بدین معنا که در برخی موارد ممکن است افراد به خاطر ارزش ذاتی عفاف و یا به خاطر فواید فراوان عفاف، به عفاف‌ورزی روی آورند، نه به خاطر شرم از دیگران.

<sup>۲</sup> - غرر و درر آمدی، ج ۶۱۸۱ عیون الحکم والمواعظ، ص ۳۲۷.

<sup>۳</sup> - غرر و درر آمدی، ج ۲۸۳۷.

<sup>۴</sup> - من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸.

<sup>۵</sup> - غرر و درر آمدی، ج ۵۴۳۳.

شایان ذکر است که فصل مقوم و وجه تمایز حیات، عنصر «حضور و نظارت یک ناظر محترم»<sup>۱</sup> است و هرچه درک حضور ناظران بیشتر احساس شود به همان اندازه، احتمال ارتکاب گناه کاهش پیدا می‌کند. و ناظران محترم عبارتند از:

۱. مردم

۲. خود انسان

۳. اولیاء الهی

۴. فرشتگان

۵. خداوند

شاید بتوان گفت ملموس‌ترین نظارت، نظارت انسان‌هاست. چراکه بیشترین درصد اوقات زندگی فرد، با هم‌نوعان او می‌گذرد. تقریباً همیشه کسانی هستند که حضور داشته باشند و اگر کاری از انسان سر بزند، شاهد آن باشند؛ دوست، هم‌شاگردی، همسر، همسفر، همشهری، همکار و ...

اگر نقشه‌ای از زندگی هر انسانی رسم شود، می‌توان پراکندگی حضور دیگران را در جنبه‌های مختلف زندگی وی مشخص ساخت. البته در نقشه هر نفر، قطعاً نقاطی وجود خواهند داشت که هیچ حضوری از مردم در آن جا دیده نمی‌شود. این نقاط را می‌توان نقاط کور نظارت انسانی نامید.

نکته مهم، این که وقتی صحبت از حضور و نظارت انسانی می‌شود، مراد، حضور و نظارت بازدارنده و تأثیرگذار است. هر حضور و نظارتی محرک حیا نمی‌شود. ممکن است در حضور کسی، فرد یا افرادی وجود داشته باشند؛ ولی هیچ شرمی را برنیانگیزد. گروهی که اهل کار خلاف‌اند، بدون شک، در مکانی دور از چشم دیگران به خلاف می‌پردازند؛ اما آنها خود، گروهی را تشکیل می‌دهند که اعضای آن از یکدیگر شرم نمی‌کنند و یا کسی که به شهر دیگری مسافرت می‌کند، ممکن است کارهایی را انجام دهد که در شهر خود، انجام نمی‌داده است. در این جا هر چند انسان‌ها حضور دارند، اما حضور و نظارت آنان، تأثیر بازدارنده و تنظیم‌کننده رفتار ندارد، هر چند بی‌تأثیر هم نیست.

بنابراین، مراد از حضور و نظارت، حضور فیزیکی نیست. انسان‌ها همه در یک سطح نیستند. حضور برخی افراد، هیچ تأثیری ندارد و حضور برخی، بی‌تأثیر نیست و حضور بعضی، کاملاً مؤثر است. گروه اول، کسانی‌اند که خود، اهل خلاف هستند. کسی که اهل خلاف باشد و به این کار، شناخته شده باشد، وجودش و حضورش هیچ شرمی را برای خلافکاران برنمی‌انگیزد.

<sup>۱</sup> مسئله مهم برای برانگیختگی حیا، گذشته از لزوم «وجود ناظر» و گذشته از لزوم «درک نظارت»، نکته سومی که لازم است، محترم بودن ناظر است. اگر ناظری وجود داشته باشد، ولی دارای ارزش و احترامی نزد فرد نباشد، حتی اگر علم به حضور وی داشته باشد، از او حیا نمی‌کند؛ چون تکریم و احترام او را لازم نمی‌داند و بی‌حرمتی نسبت به او را روا می‌دارد. حرمت داشتن ناظر، لازمه حیای از اوست و هر چه درجه حرمت و احترام ناظر بالاتر برود، میزان حیای از وی نیز بیشتر می‌شود و از این‌رو، مقدار حیایی که شخص از یک فرد غریبه دارد، با حیایی که از پدر و مادر و برادر و رفیق دارد، متفاوت است.

از آن جا که حرمت فرد ناظر نیز از عوامل اساسی در حیای از ناظر است، در مواردی که پیشوایان دینی صحبت از نظارت فرشتگان کرده‌اند و قصدشان بر این بوده که حیای مردم را نسبت به آنان برانگیزانند، از آنان به «فرشتگان کرام (ارجمند)» تعبیر کرده‌اند و از مردم خواسته‌اند تا آنان را «تکریم» کنند (یعنی ارج نهند و بزرگ شمارند). مسلم است کسی که کریم دانسته نشود، شایسته تکریم نیز دانسته نمی‌شود و قطعاً از او شرم نیز نخواهد شد.

همچنین از امام علی علیه السلام نقل شده که هرکس از خودش حیا نکند، برای خود ارزش قائل نیست. این نشان می‌دهد که انسان از کسی حیا می‌کند که برای او ارزش و احترام قائل باشد و اگر از او شرم نکرد، معلوم می‌شود که ارزشی برای وی قائل نبوده و بی‌حرمتی نسبت به وی را جایز شمرده است. به همین جهت، در پاره‌ای از روایات آمده که هر کس بداند خداوند او را می‌بیند و با این حال، در محضر او معصیت کند، در حقیقت، خداوند را خوارترین ناظرها دانسته است. در این دسته از روایات، اولاً مسئله «درک نظارت» خدا آمده است و ثانیاً تصریح شده که ننگه‌داشتن حیا در برابر خداوند، نشانه بی‌ارزش دانستن خداوند است.

همین که حاضران، مرام واحدی داشته باشند، شرم از میان می‌رود.

به بیان دیگر، وحدت مرام و عقیده، سبب می‌شود که حضور و نظارت اعضای گروه، بازدارنده و شرم‌انگیز نباشد. اعضای یک باند خلافکار، به راحتی در حضور یکدیگر به خلاف مورد قبول گروه می‌پردازند و هیچ شرمی از یکدیگر ندارند. البته این، اختصاص به گروه‌های ضد اخلاقی ندارد. گروه‌های ارزشی نیز تابع همین قاعده‌اند. مثلاً یک فرد مذهبی در میان هم‌مسلمان خود، به راحتی اعمال مذهبی را انجام می‌دهد؛ ولی همین شخص، ممکن است در یک جمع غیر مذهبی از به‌جا آوردن اعمال مذهبی خود، خجالت بکشد. اکنون بحث در این نیست که این کار، درست است یا نادرست؛ بلکه بحث بر سر این نکته است که هر حضور فیزیکی‌ای نمی‌تواند تأثیرگذار و شرم برانگیز باشد.

برای اعضای یک گروه اجتماعی، چشم‌های درون‌گروهی، مانع و شرم برانگیز نیستند؛ اما چشم‌های خارج گروه، می‌توانند چنین تأثیری داشته باشند. از این‌جا می‌توان فهمید که یک نظارت، وقتی شرم برانگیز است که فعل مورد نظر، از دید ناظر هم نابه‌هنجار باشد. اگر کاری از دید ناظر، دارای نابه‌هنجاری نباشد، نظارت وی محرک حیا نخواهد بود. به هر حال، یکی از لایه‌های نظارت، نظارت مردم است.<sup>۱</sup>

### قرآن کریم و حیای در پوشش

یکی از خصلت‌های ارزشی که ریشه در فطرت آدمی دارد، مسئله حیا است. خداوند اصل این صفت را در درون همه انسان‌ها نهاده است؛ اما هر کس در طول حیاتش بر اساس تربیتی که می‌شود، یا این خصلت خدادادی و فطری خویش را تقویت می‌کند و یا با ارتکاب گناهان آن را کمرنگ می‌کند تا جایی که دیگر اثری از حیا در وجود چنین انسانی باقی نمی‌ماند. اولیای خدا و در رأس آنها معصومین علیهم‌السلام این خصلت حیاتی را در اوج خود دارند. به عنوان نمونه صفت حیا در وجود حضرت آدم و حضرت حوا علیهم‌السلام موج می‌زد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ. <sup>۲</sup> (۲۲)

و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [= عورتشان] بر آنها آشکار شد؛ و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارش آنها را ندا داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!»

### غیرت

غیرت در لغت به معنای غیر زدایی و طرد غیر و بیگانه است؛ غیرت یعنی انسان نسبت به محترمان و حریم‌ها و چیزهایی

۱. دیده شده که بعضی از افراد باحیا، حتی از برخی حیوانات هم حیا می‌کنند و از انجام برخی کارها در برابر آنها شرم کرده و خودداری می‌ورزند. نگارنده این سطور خود شاهد عدم دستشویی صحرائی یک کودک پاک طینت پنج ساله در برابر حضور یک گوساله بود، تا اینکه با اصرار فراوان کودک، همراهان او، به ناچار این کودک را به محلی دیگر و به‌دور از دید همگان انتقال دادند. و البته دیده شده که برخی از حیوانات، از بدن برهنه انسان تحریک می‌شوند و برایش رسوایی به‌وجود می‌آورند! (کلیپ این مورد موجود است) بنابراین لازم است از حیوانات نیز شرم کرد و برخی کارهای قبیح و از جمله از برهنه شدن در برابر آنان حذر نمود!

۲. اعراف (۷) آیه ۲۲.

که مورد علاقه‌اش هست حساس باشد؛ نسبت به ناموسش بی تفاوت نباشد و اگر غیر خواست به حریم او تعرض کند، احساس مسئولیت کند و واکنش نشان بدهد. این واژه هم‌مرز با عفت بوده و در اصطلاح خاص، به معنای واکنش نشان دادن در برابر بی‌عفتی‌ها می‌باشد؛ بدین صورت که انسان غیور، نه بی‌عفتی دیگران را برمی‌تابد و نه خود آلوده به بی‌عفتی می‌شود. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

وَ عَفْتُهُ عَلَيَّ قَدْرٍ غَيْرَتِهِ<sup>۱</sup>.

عفت و پاکدامنی هر شخصی به اندازه غیرت اوست.

و در بیان دیگر فرمودند:

مَا زَنَى غَيُورٌ قَطُّ<sup>۲</sup>.

انسان غیور هرگز مرتکب زنا نمی‌شود.

با این توضیح ممکن است کسی این‌گونه برداشت کند که پس باید تنها روی غیرت‌ورزی افراد کار شود تا عفاف‌گرایی تحقق یابد.

در پاسخ می‌گوییم: تا هنگامی که انسان غیور، با گستره وسیع حوزه‌های عفاف و مباحث عفاف‌گرایی آشنا نشود نسبت به برخی رفتارها و اعمال منافی با عفت، غیرت نمی‌ورزد و واکنش نشان نمی‌دهد. مثلاً سخن گفتن غیرضروری با نامحرم؛ یا استعمال عطر -توسط زن- در برابر نامحرم؛ یا دست دادن به نامحرم؛ یا بدحجابی و بیرون بودن موی سر زن و نیز نمایان بودن روی پای زن در برابر نامحرم؛ و یا خانه‌های مدل غربی و به‌صورت آپن، از دیدگاه آموزه‌های دینی نوعی بی‌عفتی به‌شمار می‌آیند ولی از آنجا که برخی به‌دلیل ناآگاهی، موارد اینچنینی را بی‌عفتی نمی‌دانند لذا در برابر آن غیرت نمی‌ورزند و واکنش نشان نمی‌دهند. بنابراین لازم است انسان‌های غیور با مصادیق و حوزه‌های عفاف آگاه و بدان ملتزم شوند تا بتوانند از روی غیرت، در برابر اعمال و رفتارهای منافی با عفت، واکنش نشان دهند.

ناگفته نماند غیرت‌ورزی یکی از یاری‌کننده‌های آدمی در عرصه عفاف‌گرایی است به‌طوری که در آموزه‌های دینی این صفت آدمی را تحریک نموده‌اند تا به خویش‌تنداری و عدم تعرض به حریم عفاف دیگران وادارند. چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند به موسی (ع) وحی فرمود: زنا نکنید که زنانان زنا می‌دهند و هر که به همسر مردی مسلمان، خیانت کند به همسرش خیانت کنند؛ به هر دست بدهی از همان دست پس می‌گیری.

«أَوْحِيَ اللَّهُ إِلَيَّ مُوسَى... لَا تَزْنُوا فَتَزْنِي نِسَاؤُكُمْ وَمَنْ وَطِئَ فُرْشَ إِمْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ وَطِئَ فِرَاشُهَا؛ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ»<sup>۳</sup>.

و نیز فرمود:

در برخورد با زنان مردم عفت بورزید تا دیگران نسبت به زنان شما خویش‌تندار و عقیف باشند.

«عَفُّوا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفُّوا عَنِ نِسَائِكُمْ»<sup>۴</sup>.

حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید:

أَمَا يَخْشَى الَّذِينَ يَنْظُرُونَ فِي أَدْبَارِ النِّسَاءِ أَنْ يَتَّبَلُّوا بِذَلِكَ مِنْ نِسَائِهِمْ<sup>۵</sup>.

۱ - میزان الحکمه، ح ۱۵۶۷۴.

۲ - همان، ح ۱۵۶۷۵.

۳ - میزان الحکمه، ح ۷۶۷۳.

۴ - همان، ح ۷۶۷۴.

۵ - کافی، ج ۵، ص ۵۵۳، ح ۲.

آیا کسانی که به پشت زنان نگاه می‌کنند [و چشمان خویش را در پی زنان مردم می‌اندازند] نمی‌ترسند که زانشان نیز به مانند چنین رفتاری گرفتار شوند؟! هر که باشد هوسش در پی ناموس کسان پی ناموس وی افتد هوس بلهوسان آری اگر کسی حریم دیگران را پاس ندارد، حریم او نیز رعایت نخواهد شد!

ناگفته نماند که صفت مقابل غیرت، دیانت است. دیوث، مردی را گویند که زنش زنا می‌دهد و او از آن اطلاع دارد. امام باقر علیه السلام فرمود:

خداوند نماز سه نفر را نمی‌پذیرد: یکی از آنها مرد بی‌غیرتی است که با زنش زنا می‌شود.

« تَلَاثَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ صَلَاةً، مِنْهُمْ الدِّيُوثُ الَّذِي يُفَجِّرُ بِامْرَأَتِهِ »<sup>۱</sup>.

البته برخی از مردانی هم که ناموس خود را به بدحجابی وا می‌دارند - و هم آنانی که در برابر بدحجابی زنان و دختران و خواهران خود غیرت نمی‌ورزند و بدان خوشنود هستند - رگه‌هایی از دیانت را در درون روح و روان خود دارا می‌باشند. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

هر مردی که زنش، خود را بیاراید و با آن حال از خانه‌اش بیرون آید، آن مرد دیوث می‌باشد و اگر کسی چنین مردی را دیوث بنامد، گناهی نکرده است. و نیز زنی که خود را زینت و خوشبو نماید و از خانه‌اش خارج شود و شوهرش به این کار راضی باشد، برای هر قدمی که این زن برمی‌دارد، برای شوهرش خانه‌ای در جهنم بنا می‌شود.

« أَيْمَانُ رَجُلٍ تَتَزَيَّنُ امْرَأَتُهُ وَ تَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهِيَ دِيُوثٌ وَ لَا يَأْتِيَنَّ مِنْ يُسَمِّيهِ دِيُوثًا وَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مُتَعَطِّرَةً وَ الرَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ يُبْنِي لِرَوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٌ فِي النَّارِ »<sup>۲</sup>.

ناگفته نماند مردان با غیرت، اغلب زنان با حجاب دارند. و مردان بی‌غیرت، اغلب زنان بدحجاب و بی‌عفت! وجود نیرو و احساس پاک و اندیشمندانه غیرت‌ورزی در مردان، از موهبت‌های گرانسنگ الهی است که در صورت کاربرد درست و حساب شده، می‌تواند مانع از رواج هرزگی و فساد در فرد و جامعه شود.

بنابراین یکی از بهترین و ارزشمندترین صفات انسانی غیرت است. صفتی که وجود مقدس خداوند متصف به آن است. چنانکه امام صادق (ع) فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ<sup>۳</sup>

خداوند متعال غیور است و هر غیرتمندی را دوست دارد.

آری وجود مقدس خداوند متعال هم ناموس دارد. چیزهای محبوب و مورد علاقه خداوند متعال ناموس الهی هستند که از آنها دفاع می‌کند. آنها محترمت الهی هستند، از جمله دین خدا، احکام الهی، قرآن، اولیا و انبیای الهی، حقوق مؤمنین و... همه اینها محترمت الهی هستند که پروردگار عالم از آنها دفاع می‌کند. از این نظر اولین غیور در عالم خود خداوند متعال است و این صفت را در هر کسی و لو مشرک و غیرمسلمان دوست دارد. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که دستور اعدام تعدادی از مشرکین که با مسلمانان جنگیده و مستحق اعدام بودند، صادر شد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند یکی از آنها را نکشید. او را جدا

۱- محاسن، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹.

۳- فروع کافی، جلد ۵، ص ۵۲۶، باب الغیره، ح ۳.



و بقیه را اعدام کردند. او خدمت پیغمبر ﷺ رسید و پرسید: «چرا مرا نکشتید؟» پیغمبر ﷺ فرمودند: «لان جبرئیل از طرف خداوند متعال نازل شد و فرمود در تو پنج صفت هست که خداوند آنها را دوست دارد: اول صداقت، دوم شجاعت، سوم سخاوت، چهارم اخلاق خوشی که با خانواده و اطرافیانت داری و پنجم «الْغَيْرَةَ الشَّدِيدَةَ عَلَى حَرَمِكَ»، نسبت به حرمت غیرت داری. خداوند این پنج صفت تو را دوست دارد. نه اینکه شرک تو را دوست داشته باشد که ندارد، ولی این صفات هر جا که باشند ارزشمندند.» طرف که خودش را می‌شناخت، گفت: «عجب خدا و عجب پیامبری که این گونه از اوصافم خبر می‌دهد» و همان جا خدمت پیامبر اکرم ﷺ مسلمان شد و سپس در یکی از غزوات به شهادت رسید.

### عذاب الهی برای عابدی که غیرت دینی نداشته است

خداوند آدم بی‌غیرت را و لو عابد باشد مبعوض می‌دارد و بدش می‌آید. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که قومی مشمول عذاب بود و دو ملک برای عذاب آن قوم فرستاده شدند. اینها وقتی نازل شدند، دیدند در آن قوم، مرد زاهد و عابدی است که دارد تضرع و مناجات می‌کند. از خداوند متعال پرسیدند: «آیا این هم جزو کسانی است که باید عذاب شود؟» پروردگار عالم فرمود: کار خودتان را بکنید. «إِنَّ هَذَا لَمْ يَتَمَعَّرْ وَجْهَهُ قَطُّ غَضَبًا لِي»<sup>۱</sup> این آدمی است که به خاطر من اخم نکرده، هیچ جا خشم نداشته و به خاطر من هیچ جا غضب نکرده است. این را هم عذابش کنید چون غیرت دینی نداشته است.

### برخورد غیرتمندانه قرآن کریم با اراذل و اوباش

در صدر اسلام که زنان به مسجد می‌رفتند و در نماز جماعت شرکت می‌کردند از آنجا که گاهی اوقات از سوی اراذل و اوباش مورد مزاحمت و اهانت قرار می‌گرفتند آیه ۶۰ سوره احزاب نازل گشت و آنها را تهدید کرد که اگر به کارهای زشت و ننگین خود ادامه دهند فرمان یورش و حمله عمومی بر علیه آنها صادر خواهد شد و با یک اقدام مردمی و بسیجی، همگی از شهر ریشه‌کن و پاکسازی خواهند گشت.

﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدُوا وَقَتِلُوا قَتِيلًا؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾

اگر منافقان و بیماردلان [مزاحمان نوامیس مردم و منحرفان جنسی و فواحش] و دروغ‌پردازان و شایعات‌پراکنان در مدینه [و به‌ویژه سلبریتی‌های دروغ‌پرداز و شایعه‌پراکن] دست از کار خود بر ندارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم [تو و امت اسلام را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم]، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند! آنها ملعون و محروم از رحمت بوده [و از هر نوع خدمات اجتماعی و حقوق شهروندی باید محروم گردند]، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید! این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ‌گونه تغییر نخواهی یافت!<sup>۳</sup>

۱. امالی طوسی، ص ۶۷۰.

۲. احزاب (۳۳) آیه ۶۰ «لَنُغْرِبَنَّكَ» از «اغراء» به معنای چسباندن و کنایه از تسلط همه جانبه است. این آیه را اگر در ادامه آیه قبل ببینیم، مراد آن است که منافقان و بیماردلان مدینه مزاحم زنان مؤمن بودند که خداوند در آیه قبل به زنان دستور پوشش کامل داد و در این آیه به این بیماردلان هشدار می‌دهد که اگر دست از مزاحمت‌ها و کارهای زشت خود برندارند، قلع و قمع خواهند گشت. (برگرفته از تفسیر نور، حجت الاسلام محسن قرائتی).

۳. برای توضیح بیشتر، رک: تفسیر راهنما، ج ۱۴، ص ۵۵۹-۵۶۵. و تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۶ و ۴۳۱. و مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۵۰۶.

ناگفته نماند که به منظور ترویج فرهنگ عفاف در جمهوری اسلامی ایران، براساس مصوبات ۴۲۷ و ۸۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۳۵۱ وظیفه برای ۳۲ دستگاه و نهاد حاکمیتی مقرر شده که بی‌شک مطالبه‌گری از مسئولین و دست‌اندرکاران این دستگاه‌ها، در راستای غیرت دینی قابل ارزیابی خواهد بود.

## تقوا

تقوا اسم مصدر از ریشه «وقی» در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق العاده است.<sup>۱</sup> و در اصطلاح به معنای پیروی از فرامین الهی می‌باشد که شامل انجام همه واجبات و مستحبات، و ترک همه محرمات و مکروهات می‌شود و از این جهت گستره بسیار وسیع دارد و تمام آداب و احکام مربوط به عفاف را نیز در برمی‌گیرد و از همین رو در نزد مسلمانان گاهی واژه تقوا و پاکدامنی مرادف با هم آورده می‌شوند. و همچنین تقوا و صبر، تقوا و حیا، و ... چرا که تقوا اگر بخواهد عملیاتی شود و به کار آید، باید تحت یکی از عناوین زیر مجموعه خود، تجسم پیدا کند. به عنوان مثال، تقوا اگر به معنای تحمل سختی‌ها باشد در قالب صبر تجلی می‌کند. و اگر به خاطر شرم از حضور ناظری محترم، کاری ترک و یا انجام شود در قالب حیا تحقق می‌یابد. و هرگاه بخواهد از شهوات نامشروع پرهیز شود در قالب عفاف محقق می‌گردد.<sup>۲</sup>

## ۲. آسیب شناسی اصطلاح «عفاف و حجاب»

تلقی بعضی افراد و برخی فعالان فرهنگی و مسئولین مملکتی از اصطلاح رایج «عفاف و حجاب» اغلب معطوف به مباحث مربوط به «پوشش بانوان» است و حتی برخی از کتاب‌هایی که تحت عنوان «عفاف و حجاب» نگاشته شده تنها به حجاب و پوشش بانوان پرداخته‌اند<sup>۳</sup> و با این تلقی و نگرش انتظار دارند انحرافات اخلاقی موجود در جامعه نیز رخت بر بندد! و هرگز چنین نخواهد شد! چرا که این تلقی و نگرش کامل نمی‌باشد؛ زیرا گستره عفاف بسیار وسیع بوده و علاوه بر عفت در پوشش و حجاب اسلامی، شامل عفت در حوزه‌های بینایی، گویایی، شنوایی، چشایی، بویایی، بساواایی؛ و رعایت عفت در خلوت و اختلاط و معماری و رفتار و افکار و عشق و دوستی (و ارتباط قلبی و عاطفی) نیز می‌شود و همه مردان را هم در برمی‌گیرد و تا زمانی که به همه این مباحث پرداخته نشود و برای آن‌ها برنامه‌ریزی راهبردی صورت نپذیرد انحرافات اخلاقی نیز هرگز برچیده نخواهد گشت.

به‌عنوان مثال ممکن است کسی حجاب اسلامی را رعایت کند ولی از طرق دیگر دچار انحراف شود؛ مثلاً از طریق عدم رعایت عفت بینایی، یا گویایی، یا شنوایی، یا خلوت، یا اختلاط، یا رفتار، یا افکار! چنان‌که هم‌اکنون این معضل در بین برخی از حجاب‌داران مشاهده می‌شود و یکی از ایرادهای جدی بدحجاب‌ها، به طرفداران حجاب، ذکر نمونه‌هایی از رفتارهای غیرعفیفانه این دسته از حجاب‌داران است.

بنابراین لازم است به همه حوزه‌های عفاف پرداخته شود و بدین‌وسیله از انحرافات اخلاقی پیشگیری گردد؛ چرا که هدف

<sup>۱</sup> - لسان العرب ج ۱۵، ص ۴۰۲. المصباح، ص ۶۶۹، واژه وقی.

<sup>۲</sup> - برگرفته از پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۳۴، با دخل و تصرف و تلخیص.

<sup>۳</sup> - لازم به یادآوری است که برخی از مؤلفان بزرگوار چون دیده‌اند پرداختن به بحث حجاب به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و خروجی قابل ملاحظه ندارد به تکلف یا از روی مسامحه در تعبیر، مفهوم لغوی حجاب را (که به معنای منع کردن است) توسعه داده و قائل به حجاب در حوزه نگاه و رفتار و گفتار شده‌اند(همانند: «منشور عفاف» دکتر احمد بهشتی، ص ۱۷. و «پژوهش‌های قرآنی» دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۵۱، ص ۱۷ و...) و حال آنکه در آموزه‌های دینی به این موضوعات در قالب مباحث عفاف‌گرایی به‌طور گسترده پرداخته شده و بنابراین نیازی به چنین مسامحه و تکلف و توسعه‌ای نمی‌باشد.

از طرح مباحث عفاف در آموزه‌های دینی، مدیریت و کنترل غریزه جنسی و رهایی از انحرافات اخلاقی می‌باشد و نه تنها مجردها، بلکه متأهل‌ها و چگونگی روابط میان همسران را هم شامل می‌شود و در همین راستا وظایفی نیز برای تربیت جنسی صحیح فرزندان و عفاف‌گرایی آنان بر عهده والدین مقرر گشته است که از لحظه انعقاد نطفه آغاز می‌شود و تا دوران‌های بارداری، تولد، کودکی، نوجوانی، بلوغ، جوانی و فراهم ساختن مقدمات ازدواج فرزندان ادامه می‌یابد.

با این توضیح نتیجه می‌گیریم که تلقی نادرست از اصطلاح «عفاف و حجاب» یکی از آسیب‌های جدی است که اکثر مردم و مسئولین و حتی دست‌اندرکاران فرهنگی را از اتخاذ راهکارهای درستِ پیشگیری و درمان انحرافات اخلاقی باز می‌دارد که لازم است این تلقی دگرگون و اصلاح شود.

### ۳. عفاف‌ورزی مردان، راهکاری برای عقیف گشتن زنان

شکی نیست که عفاف و پاکدامنی برای زنان بسیار با اهمیت و حیاتی بوده و در دعا نیز آمده: «خدایا به زنان توفیق رعایت حیا و عفت را تفضل فرما».<sup>۱</sup> لیکن همواره این پرسش مطرح است که راهکارهای عقیف گشتن زنان کدامند؟ بی‌گمان راهکارهای گوناگون برای عقیف گشتن زنان می‌توان ارائه کرد همانند آموزش مستقیم و ... که هر یک جایگاه خاص خودش را دارد و لازم و بایسته است لیکن در این میان، برخی از روایات اسلامی، عفاف‌ورزی مردان را، راهکاری برای عقیف گشتن زنان دانسته‌اند. به‌عنوان نمونه، خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

یا مُوسَى عِفَّ يَعْفَ أَهْلُكَ.<sup>۲</sup>

ای موسی عفاف بورز، خانواده‌ات نیز عفاف می‌ورزد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در روایتی می‌فرماید:

تَزَوَّجُوا إِلَى آلِ فُلَانٍ فَإِنَّهُمْ عَفَّوْا فَعَفَّتْ نِسَاؤُهُمْ.<sup>۳</sup>

با فلان خاندان ازدواج کنید زیرا مردان آن خاندان عفاف ورزیده‌اند در نتیجه زنانشان عقیف گشته‌اند.

امام صادق علیه السلام نیز در خطاب به مردان می‌فرماید:

عَفَّوْا تَعَفَّ نِسَاؤُكُمْ.<sup>۴</sup>

شما مردان عفاف بورزید، زنان‌تان عقیف می‌شوند.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است ابتدا مردان قوم لوط به همجنس‌بازی روی آوردند و سپس زنان به تبع مردان

به این عمل زشت پرداختند!<sup>۵</sup>

و این‌همه نشان از نقش عفاف‌گرایی مردان در افزایش عفاف‌ورزی زنان و سالم‌سازی خانواده و جامعه دارد. بنابراین

شایسته است برای نهادینه کردن فرهنگ عفاف در میان مردان، بیشتر سرمایه‌گذاری شود تا شاهد افزایش روزافزون عقیف گشتن زنان گردیم.

۱ - مفتاح الجنان، دعای امام زمان علیه‌السلام. «و تَفَضَّلْ ... عَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ».

۲ - وسایل، ج ۲۰، ص ۳۵۵، ج ۱.

۳ - همان، ص ۳۵۷، ج ۷.

۴ - همان، ص ۳۵۷، ج ۹.

۵ - میزان الحکمة، ج ۸۵۲۴ «أَوَّلُ مَنْ عَمِلَ هَذَا الْعَمَلَ قَوْمٌ لُوطٍ فَاسْتَعْنَى الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ بَقِيَ النِّسَاءُ بغيرِ رِجَالٍ فَفَعَلْنَ كَمَا فَعَلَ رِجَالُهُنَّ».

با این توضیح روشن شد که عفاف اختصاص به بانوان ندارد بلکه حتی بخشی از بار مسئولیت عقیف‌گشتن زنان بر دوش مردان نهاده شده و مردان برای عقیف‌گشتن خانواده خود هم که شده، موظف به رعایت آداب و دستورات عفاف و پاکدامنی هستند.

#### ۴. ماهیت غریزه جنسی به لحاظ تحریک و عدم تحریک

برخی از روانشناسان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که محرک‌هایی که سبب تحریک غریزه جنسی می‌شوند سه دسته‌اند:

۱- هورمون‌های جنسی؛

۲- گیرنده‌های حسی (بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی)؛

۳- محرک‌های محیطی و تخیلات.<sup>۱</sup>

البته در گذشته تا مدتها تصور می‌شد که هورمون‌های جنسی، تنها عامل محرک غریزه جنسی هستند، لیکن در تحقیقات بعدی، مشخص شد که این هورمون‌ها با اینکه در تحریک غریزه جنسی تأثیر دارند لیکن تنها محرک قطعی به‌شمار نمی‌آیند. محققان با برداشتن گوناد (بیضه و تخمدان) حیوانات و در نتیجه قطع ترشح هورمون‌ها، مشاهده کردند که رفتار جنسی آنان همچنان ادامه دارد.<sup>۲</sup>

با این توضیح، و با مدد از آموزه‌های دینی و یافته‌های تجربی، می‌توان نتیجه گرفت که غریزه جنسی، سائق و کششی است که (اگر مانعی خاص وجود نداشته باشد) از طریق دیدن، گفتن، شنیدن<sup>۳</sup>، بوییدن، پُرخوری و مصرف خوراکی‌های پرانرژی، و تماس بدنی تحریک می‌شود و لباس‌های خاص (از نظر رنگ، مدل، جنس، آرم، تصویر) و قرار گرفتن در خلوت و اختلاط و مجاورت،<sup>۴</sup> و برخی از انواع حرکات و سکناات و نوع راه رفتن نیز در تحریک او دخیل است و خیال‌ها و فکرها و دوستی‌های خاص نیز آن را برمی‌انگیزد و چنان‌چه همه این ورودی‌ها و عوامل تحریک، کنترل و مهار شوند تحریک نمی‌گردد.

هم اکنون برخی از دانشمندان نیز به‌وسیله آزمایشاتی ثابت کرده‌اند که امواج نامرئی الکتریکی مثبت از مردان و الکتریسیته منفی از زنان ساطع می‌شود و بر اساس آن یکدیگر را جذب می‌کنند. این مسئله در میان حیوانات هم وجود دارد. الکتریسیته و جاذبه مثبت که در مرد و جنس نر به‌طور کلی موجود می‌باشد، جنس مقابلش را که دارای الکتریسیته منفی است به‌طرف خود می‌کشاند و آنرا به‌سوی خود جذب می‌کند و این نیرو چیزی است که هیچ عاملی نمی‌تواند از آن جلوگیری نماید زیرا این یکی از بزرگترین نوامیس طبیعی به‌شمار می‌رود و یگانه وسیله برای دوام و بقای نسل می‌باشد. اما باید به این موضوع توجه داشت که الکتریسیته و قوه مغناطیسی یا جاذبه در شرایط خاص بوجود می‌آید.<sup>۵</sup> و این شرایط خاص همان دیدن، گفتن،

۱- روانشناسی عمومی دانشسرا، سال دوم ص ۹۵، «علی‌اصغر احمدی» ۱۳۶۹. (برخی از محرک‌های محیطی عبارتند از: خلوت با نامحرم، و معاشرت و اختلاط با نامحرمان).

۲- همان، ص ۹۶.

۳- شنیدن صدای نامحرم، کلمات یا جملات تحریک آمیز، موسیقی و آوازه‌خوانی، و حتی شنیدن اوصاف و ویژگی‌های فردی خاص هم در برانگیختن غریزه جنسی اثر دارد.

۴- مثل مجاورت قهری که به‌طور معمول در محیط‌های شغلی و تحصیلی و اجتماعی میان نامحرمان به‌وقوع می‌پیوندد و گاه سبب تحریک یکی از آن‌دو نفر و یا هر دو نفر می‌شود. مانند: مجاورت با منشی، همکار، همسایه، همکلاس، ارباب و رجوع، و گاهی مجاورت استاد و شاگرد، مشاور و مراجع، پزشک و بیمار، راننده و مسافر، فروشنده و مشتری، کارگر و صاحبکار، مصاحبه کننده و مصاحبه شونده، کارگردان و بازیگر، بازپرس و متهم، قاضی و شاک، و ...

۵- برگرفته از «حریم ریحانه» ص ۱۲۰، کانون تحقیقات کاربردی خیبر، ۱۳۸۶.

شنیدن، بوییدن، تماس بدنی، و قرار گرفتن در خلوت و اختلاط و مجاورت با جنس مخالف می‌باشد و چنانچه این شرایط خاص، کنترل و مهار شوند تحریک نمی‌گردد.<sup>۱</sup>

افزون بر این، وراثت، مسائل ژنتیکی و ویژگی‌های والدین و آباء و اجداد و کیفیت انعقاد نطفه از جهات مختلف، نیز در میزان تحریک غریزه جنسی تأثیرگذار است؛ و طبیعت‌های چهارگانه (از دیدگاه طب سنتی: دموی، صفراوی، بلغمی و سودایی) هم در کیفیت و کمیت تحریک پذیرگی غریزه تأثیر دارند. شرایط جغرافیایی (مثل مناطق گرمسیر و سردسیر) و محیط اجتماعی، فقر، ثروت، مقام و موقعیت، نوع شغل، شهرت، رفاه، فراق بال و آسایش، زشتی یا زیبایی چهره و اندام نیز در چگونگی تحریک آن بی‌تأثیر نیست.<sup>۲</sup> و همچنین تغذیه حلال و حرام، هر یک تأثیر خاص خودش را می‌گذارد.<sup>۳</sup> و دوست و مربی و رسانه‌ها و به‌ویژه اینترنت و فضای مجازی و پیام‌رسان‌های خارجی و بیگانه هم بسیار مؤثر می‌باشند.

## ۵. توهم عادی‌سازی روابط میان زنان و مردان

برخی به علت عدم آگاهی درست از ماهیت غریزه جنسی و قدرتمندی آن، معتقدند اگر روابط زنان و مردان عادی و طبیعی شود این همه تجاوز و گرفتاری برای فرد و اجتماع پدید نمی‌آید. بنابراین بهترین راه تعامل با این غریزه، آزاد گذاردن روابط میان زنان و مردان است!

در پاسخ می‌گوییم کسانی که چنین باوری دارند، یا خیلی ایده‌آل فکر می‌کنند، و یا در پی قصد و غرض دیگری هستند! چرا که آمار تجاوزات جنسی در کشورهای غربی - که مهد آزادی روابط میان زنان و مردان است - بیش از کشورهای اسلامی می‌باشد. به عنوان نمونه به چند تحقیق، آمار و گزارش اشاره می‌گردد:

الف) بررسی‌ها و تحقیقات نشان می‌دهد که در آمریکا از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ که سال‌های «آزادی جنسی» اعلام شد آمار تجاوزات ۴۰۰ درصد افزایش داشته است.<sup>۴</sup>

«ودینتا کارتر» مدیر اجرایی مؤسسه «بریلینگ فری» می‌گوید: روسپی‌گری در واقع تداوم نظام برده‌داری است... وی در ادامه تحقیقات خود با ردّ این نظریه که قانونی ساختن روسپی‌گری می‌تواند از حجم تجاوزات جنسی بکاهد، به آمار ارایه شده در «نوادا» توسل می‌جوید که میزان تجاوزات به عنف را در این منطقه چهار برابر دیگر نقاط آمریکا که در آن مناطق روسپی‌گری عملی غیرقانونی شناخته می‌شود، می‌داند.<sup>۵</sup>

۱ - اگر کسی اشکال کند به اینکه جاذبه‌های جنسی میان دو هم‌جنس چگونه ایجاد می‌شود؟! در پاسخ می‌گوییم: هر یک از جنس مذکر و مؤنث ویژگی‌هایی از جنس مخالف خود را نیز دارد و همین عامل این کشش‌هاست. ناگفته نماند که دارا بودن همین ویژگی‌های جنس مخالف، امکان تغییر جنسیت را برای برخی از افراد فراهم آورده است.

۲ - زیبایی‌هایی که نمودهای جنسیتی داشته باشد نیز بر غریزه تأثیر دارد به عنوان مثال در قیامت شخصی را که مرتکب زنا شده بود مورد بازخواست می‌دهند. می‌گوید: خدایا تو مرا زیبا آفریدی و همین سبب انحراف من شد! در پاسخ به او، برای اتمام حجت، حضرت یوسف را می‌آورند و می‌گویند تو زیباتری یا یوسف؟! و نیز برای زن زیبایی زناکار حضرت مریم را! و این همه نشان از تأثیر زیبایی بر غریزه و نشان از کنترل پذیری این غریزه است. برای توضیح بیشتر ر.ک: گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۳۹، «ارتباط جمال با غریزه جنسی».

۳ - براساس آموزه‌های دینی، تغذیه حلال در انجام اعمال نیک و از جمله در عفاف‌ورزی آدمی مؤثر است. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «کلوا طيبا و عملوا صالحا» و به‌عکس تغذیه حرام باعث دوری ایمان شده و در نتیجه ارتکاب انحرافات جنسی آسان‌تر خواهد شد. چنان که رسول گرامی اسلام فرمود: «یا علی خمسة تمیت القلب کثرة الاکل و کثرة النوم و کثرة الکلام و کثرة الضحک و کثرة هم القلب و اکل الحرام یطرد الايمان». پنج چیز است که قلب را می‌میراند، زیاد خوردن، و زیاد خوابیدن، و زیاد حرف زدن و زیاد خندیدن و زیاد هم و غم در دل داشتن. و اما حرام‌خواری، ایمان را از انسان دور می‌کند. و به‌طور طبیعی هنگامی که ایمان از انسان دور شود ارتکاب گناه و از جمله انحرافات جنسی آسان‌تر می‌شود.

۴ - ماهنامه سیاحت غرب، ش ۷، ص ۴۷.

۵ - همان، ش ۶ (آذر ۸۲) ص ۴۱.

ب) معلم ۵۰ ساله آمریکایی به جرم داشتن روابط غیراخلاقی با دانش‌آموزانش دستگیر شد. به گزارش پلیس نیوجرسی، «توماس ویر» ۵۰ ساله به جرم داشتن رفتارهای غیراخلاقی و گذاشتن قرار ملاقات با شاگردانش در پارکینگ رستورانی دستگیر و مشخص شد طعمه‌های خود را در آنجا به دام می‌اندازد.<sup>۱</sup>

پ) حدود ۳۰ درصد از زنانی که در ارتش آمریکا خدمت می‌کنند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. بیش از دو سوم نظامیان زن آمریکایی نیز اظهار داشته‌اند که در ارتش مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند. «سندرا پاک» عضو پروژه حقوق زنان در این رابطه می‌گوید: تجاوز و بدرفتاری جنسی در ارتش فوق‌العاده زیاد است و گزینه‌های اندکی برای نظامیان زن وجود دارد. آنها تنها می‌توانند به مقامات مافوق شکایت کنند. هیچ انگیزه‌ای هم برای آنکه فرماندهان به شکایات مطروحه به‌طور جدی رسیدگی نمایند، وجود ندارد.<sup>۲</sup> تجاوز جنسی به زنان در ارتش آمریکا شایع است و سالانه هزاران مورد تجاوز جنسی در نیروهای نظامی این کشور ثبت می‌شود.<sup>۳</sup> آمارهای رسمی پنتاگون نشان می‌دهد که تنها در سال ۲۰۱۳، ۵۰۶۱ مورد گزارش تجاوز یا سوءاستفاده جنسی در ارتش، به وزارت دفاع اعلام شده است.<sup>۴</sup>

ت) مرکز «مقابله با بحران تجاوز سانتا باربارا» در گزارش خود می‌نویسد: در هر دقیقه ۱/۳ زن آمریکایی مورد تجاوز واقع می‌شود. تمام این تجاوزات، تجاوز به عنف است و با این حساب در هر ساعت ۷۸ زن، در هر روز ۱۸۷۱ زن، و در هر سال ۶۳۸ هزار زن مورد تجاوز قرار می‌گیرند! و در ۸۰ درصد از موارد، تجاوز توسط شخصی آشنا، و در ۶۰ درصد موارد در منزل خود او، دوست، آشنا، فامیل یا همسایه صورت می‌پذیرد!<sup>۵</sup> و این چیزی نیست جز توهم عادی‌سازی روابط میان زنان و مردان. چراکه اگر قرار بود با آزادگذاری و برداشتن قید و بندها و محدودیت‌ها، روابط زن و مرد طبیعی و عادی می‌شد بایستی این مسئله در غرب اتفاق می‌افتاد و حال اینکه افزایش تجاوزات در غرب نشان می‌دهد نتیجه، عکس آن چیزی است که انتظار می‌رفت!

ث) نتایج یک تحقیق در دانشگاه «والنسیا» نشان می‌دهد که ملاقات با یک زن زیبا باعث افزایش هورمون استرس موسوم به «کورتیزول» در بدن انسان می‌شود. این هورمون تحت تأثیر استرس‌های فیزیکی و روانی در بدن انسان تولید می‌شود که می‌تواند در نهایت منجر به بیماری‌های قلبی شود.

برای بررسی این موضوع، محققان از ۸۴ دانش‌آموز مذکر خواستند که هر کدام در یک اتاق نشسته و مشغول حل یک پازل شوند. در این اتاق، دو غریبه که یک مرد و یک زن هم بودند نشسته بودند. دانشمندان متوجه شدند زمانی که فرد غریبه مؤنث اتاق را ترک می‌کند و دو مرد در کنار یکدیگر باقی می‌مانند میزان هورمون استرس آن‌ها تغییری نمی‌کند، اما زمانی که فرد مذکر اتاق را ترک می‌کند، میزان هورمون استرس در شخص افزایش پیدا می‌کند ... [ترشح] این هورمون به‌طور مداوم در بدن انسان می‌تواند منجر به بروز بیماری‌های پزشکی مانند: بیماری‌های قلبی، دیابت و فشار خون بالا شود.<sup>۶</sup>

نتیجه این که روابط زنان و مردان هرگز عادی نخواهد شد و کسانی که در غرب، این تز و نظریه را دادند با تحمل تجربیات بسیار تلخ، به نادرستی آن پی برده‌اند و هم‌اکنون به مباحثی همچون پرورش هوش هیجانی، تقویت عزت نفس، خویشتنداری

۱ - روزنامه وطن امروز، شماره ۱۰۹۱، ۱۳۹۱/۱۲/۲۲.

۲ - مشرق نیوز، ۱۳۹۱/۶/۷.

۳ - رجانیوز، کد خبر: ۱۳۰۴۰۴. فیلم این گزارش در سایت [rasadtv.ir](http://rasadtv.ir) موجود است.

۴ - رجانیوز، کد خبر: ۲۰۶۲۴۳.

۵ - مشرق نیوز، ۱۳۹۱/۶/۷. فیلم این گزارش در سایت [rasadtv.ir](http://rasadtv.ir) موجود است.

۶ - به نقل از سایت <http://dorr.parsiblog.com> و <http://salammat.blogfa.com> / اردیبهشت ۸۹.

## ۶. فلسفه وجودی غریزه جنسی؛ و اینکه غریزه جنسی، فرصت است یا تهدید؟!

خدای مهربان که انسان را آفریده، بر اساس حکمت، غرایزی گوناگون همانند: گرسنگی، تشنگی، خواب و استراحت، ثروت‌اندوزی، مقام‌خواهی و جاه‌طلبی و از جمله غریزه جنسی را در وجود انسان نهاده است و بی‌شک وجود این غرایز برای حیات آدمی بسیار ضروری است و افزون بر این مایه ابتلا و آزمایش نیز می‌باشد و به همین جهت برای کنترل و ارضای مشروع هر یک از این غرایز دستورات و قوانینی نازل فرموده که پیروی از آنها، سعادت دنیا و آخرت آدمی را تأمین می‌کند و عدم پیروی از دستورات دینی به گرفتاری در دنیا و آخرت می‌انجامد.

به تعبیر دیگر هر یک از غرایز به‌مانند سرمایه‌ای است عظیم، که خدای مهربان همراه با دفترچه راهنما در اختیار انسان قرار داده تا آدمی با اراده و اختیار خویش، چگونگی زندگی دنیا و آخرتش را رقم بزند.

ناگفته نماند که نیرومندی و دامنه تحریک‌پذیری غریزه جنسی نسبت به سایر غرایز بسیار گسترده‌تر است. چرا که این غریزه از سوی محرک‌های جنسی گوناگون که از طریق حواس پنجگانه - بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی (خورد و خوراک) و بساواپی - دریافت می‌شود تحریک می‌گردد و علاوه بر آن، نوع پوشش، خلوت، اختلاط و چگونگی رفتار، گفتار، افکار و تمایلات قلبی نیز در تحریک آن مؤثر است و در اغلب مکان‌ها و رسانه‌ها نیز این محرک‌ها یافت می‌شود و در همه مقاطع عمر هم این تحریک‌ها به‌گونه‌ای خاص وجود دارد. چنان‌که در آموزه‌های دینی آمده است که اگر کودک در خلوت خاص والدین حضور داشته باشد و آنان را ببیند و صدایشان را بشنود، در بزرگسالی به اعمال نامشروع جنسی روی می‌آورد.

و البته فراتر از این هم توصیه شده، و آن اینکه برخی از زمان‌ها و مکان‌ها و حالات خاص زن و شوهر به هنگام انعقاد نطفه نیز می‌تواند در انحراف اخلاقی فرزند تأثیرگذار باشد.<sup>۱</sup>

پس از این جهات می‌توان گفت وجود این غریزه در نهاد انسان، یک تهدید است و عدم مدیریت آن برای فرد و جامعه یک بحران! ولی در عین حال از جانب دین مبین اسلام برای مدیریت این غریزه قوانین و دستورات فراوان صادر شده که عمل براساس آنها آدمی را رشد می‌دهد و به قرب حضرت‌الاه می‌رساند که بی‌شک از این جهت می‌توان گفت غریزه جنسی یک «فرصت طلایی» است که نباید از آن غفلت کرد چرا که هم کنترل بجای آن، فواید فراوان دنیوی و اخروی دارد و هم ارضای به‌موقع و مشروع آن.

اما در رابطه با کنترل این غریزه، در آموزه‌های دینی به عفت‌طلبی در امور جنسی بسیار سفارش و تأکید شده و دستورات فراوان در رعایت عفت بینایی، گویایی، شنوایی، بویایی، چشایی (خورد و خوراک)، بساواپی (لامسه) و رعایت عفت در پوشش، خلوت، اختلاط، رفتار، گفتار، افکار و عشق و دوستی و ارتباط بیان شده است که در صورت رعایت آنها، قرب الهی و تکامل روحی و معنوی و سعادت و نیکبختی محقق می‌شود. به‌عنوان نمونه، رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَنْظُرُ امْرَأَةً أَوْ رَمَقَةً ثُمَّ يَعْصُ بَصَرَهُ إِلَّا أَحَدَّثَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ عِبَادَةً يَجِدُ حَلَاوَتَهَا فِي قَلْبِهِ.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> .ر.ک: بخش پنجم: «وظایف والدین در تربیت جنسی صحیح فرزندان».

<sup>۲</sup> - میزان الحکمه، ح ۲۰۲۸۲.

هیچ مرد مسلمانی نیست که نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را پایین اندازد مگر اینکه خدای تعالی به او توفیق عبادتی دهد که شیرینی آن را در دل خویش بیابد.

بنابراین هرچه در جامعه‌ای زمینه بی‌عفتی فراهم‌تر باشد به‌همان اندازه عفاف‌ورزی بیشتر اهمیت می‌یابد. افزون بر این از عفاف‌ورزی و کنترل‌گریزه جنسی در آموزه‌های دینی به‌خودی‌خود به‌عنوان «عبادت» یاد شده است که از این طریق، آدمی به هدف خلقت که عبودیت و بندگی پروردگار است سریع‌تر نائل می‌شود. چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ.<sup>۱</sup>

برترین عبادت، عفاف و پاکدامنی است.

پس غریزه جنسی با دامنه تحریک‌پذیری گسترده‌اش و با مقاصد سیاسی و اقتصادی سیاستمداران و سرمایه‌دارانی که در پی دامن زدن به آن وجود دارد بالفعل یک تهدید بزرگ است که می‌تواند به یک بحران بزرگ نیز بیانجامد! لیکن از سوی دیگر اگر برای کنترل آن براساس آموزه‌های دینی و عقلی، همگان بسیج گردند و با طرح و برنامه، دست به اقدام زنند، این تهدید می‌تواند به بهترین فرصت تبدیل شود و فرد و جامعه را به رشد و تعالی در دنیا و آخرت برساند. چنان‌که قرآن کریم در این‌باره، مریم علیها السلام را به عنوان الگو معرفی کرده، می‌فرماید:

﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا...﴾

مریم - دختر عمران - که دامن عفت خویش را [از هرگونه آلودگی] به‌شدت حفظ کرد، در نتیجه ما از روح خود در او دمیدیم.

از این آیه ۱۲ سوره تحریم، که حضرت مریم علیها السلام را به‌عنوان الگوی همه مؤمنان معرفی کرده و فرموده: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ... وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا...﴾ یک ملاک و قانون فراگیر می‌توان برداشت کرد و آن اینکه: «هر کس، گوهر عفاف و پاکدامنی خود را پاس بدارد و دامن عفت خویش را از هرگونه آلودگی حفظ کند مورد عنایت و توجه ویژه خدای مهربان قرار می‌گیرد و در دنیا و آخرت خوشبخت می‌گردد».

البته ممکن است کیفیت و چگونگی عنایات و توجهات الهی نسبت به هر فردی به‌گونه‌ای خاص باشد. بدین‌صورت که هر کسی که در میدان مبارزه با نفس پیروز شود و خود را از آلودگی جنسی، پاک نگه دارد و قهرمان این عرصه گردد از سوی خدای مهربان، مدال و جایزه‌ای ویژه و مخصوص به‌خود دریافت می‌دارد. همانند ابن سیرین، سید محمد باقر میرداماد، شهید برنسی، شهید امین ۱۷ ساله، که داستان‌های عفاف‌ورزی آنان در کتاب درسنامه عفاف آمده است.

آری از رهگذر عفاف‌ورزی و کنترل‌گریزه جنسی بسیاری از استعدادهای علمی، اخلاقی، معرفتی، هنری، مدیریتی، و... به رشد و شکوفایی می‌رسد که می‌توان از آن تعبیر به تصعید و والایش این‌گونه نمود<sup>۲</sup> و از فواید فراوان آن بهره برد.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

<sup>۱</sup> - میزان الحکمه، ح ۱۳۱۱۶.

<sup>۲</sup> - تحریم (۶۶) آیه ۱۲.

<sup>۳</sup> - ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ... وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا...﴾ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، ... و همچنین به مریم دختر عمران که دامن خود را پاک نگه داشت، در نتیجه از روح خود در او دمیدیم و ...

<sup>۴</sup> - تصعید و والایش در این‌جا، معنایی فراتر از تصعید در روانشناسی غربی است که به مناسبت توضیح آن خواهد آمد.



مَنْ أَحَبَّ نَيْلَ الدَّرَجَاتِ الْعُلْيَا فَلْيَغْلِبِ الْهَوَىٰ ١.

هر که دوست دارد به درجات عالی برسد بایستی بر هوی و هوس خویش غالب شود.  
نیز فرموده است:

الرُّشْدُ فِي خِلَافِ الشَّهْوَةِ ٢.

رشد و تکامل، در مخالفت با شهوت است.  
و در بیان دیگر فرموده:

اسْتَرَشِدِ الْعَقْلَ وَ خَالَفِ الْهَوَىٰ، تَنْجَحَ ٣.

از عقل راهنمایی بخواه و با هوس مخالفت فرما تا کامیاب و پیروز گردی.  
و نیز فرموده:

طَهِّرُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ دَنَسِ الشَّهَوَاتِ تُدْرِكُوا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ٤.

جان‌های خود را از آلودگی شهوت‌ها پاک کنید تا به درجات عالی نائل شوید.

و اما در رابطه با ارضای به‌موقع و مشروع این غریزه که تنها از طریق ازدواج ممکن و میسر می‌باشد رسول خدا ﷺ فرموده است:

مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِجِ ٥.

هیچ بنایی در اسلام برپا نشده که نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج باشد.  
امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

رَكَعَتَانِ يَصَلِّيهِمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيهِمَا أَعْرَبٌ ٦.

دو رکعت نماز کسی که ازدواج کرده، برتر است از هفتاد رکعت نماز انسان بی‌همسر.  
در روایات آمده است هر یک از اصحاب رسول خدا ﷺ که ازدواج می‌کرد حضرت در باره او می‌فرمود: دینش کامل شد.

لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِ الرَّسُولِ ﷺ يَتَزَوَّجُ إِلَّا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ كَمُلَ دِينُهُ ٧.

آری یکی از فایده‌های ازدواج همان دوستی و مهربانی میان زن و شوهر است که هر اندازه این محبت و دوستی بیشتر شود ایمان انسان نیز کامل‌تر می‌شود. چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الْعَبْدُ كُلَّمَا أَزْدَادَ لِلنِّسَاءِ حُبًّا أَزْدَادَ فِي الْإِيمَانِ فَضْلًا ٨.

هر اندازه محبت مرد به همسرش افزایش یابد به همان اندازه ایمانش برتر می‌شود.  
از سوی دیگر همین محبت و دوستی سبب می‌شود تا زن و شوهر نسبت به یکدیگر نیکی کنند و نیازهای همدیگر را

١- میزان الحکمه، ج ٢١٤٨٦.

٢- همان، ج ٢١٤٦٣. حضرت در حدیثی مشابه می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُعْطِ نَفْسَهُ شَهْوَتَهَا أَصَابَ رُشْدَهُ». هر کس به شهوتی که نفس از او می‌خواهد تن ندهد، به‌رشد و کمال می‌رسد. (وسائل، ج ١٥، ص ٢٥٠)

٣- همان، ج ٢١٤٤٠.

٤- همان، ج ٢١٥١٨.

٥- وسائل الشیعه، ج ١٤، ص ٣، ج ٤، ابواب مقدمات نکاح، ب ١.

٦- همان، ص ٦٦ ب ٢، ج ١.

٧- مکارم الاخلاق، ص ٩٩، عن امیرالمؤمنین علیه السلام.

٨- وسائل الشیعه، ج ١٤، ص ١١، ب ٣، ج ١٠.

برآوردند و بدین طریق از پاداش‌های فراوان معنوی بهره‌مند گردیدند. چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هیچ زنی نیست که شربتی از آب (یک لیوان آب) به همسرش بنوشاند إلا اینکه بهتر است برای او از عبادت یک‌سال که روزهایش روزه‌دار باشد و شبهایش شب‌زنده‌داری کند؛ و هر بار که آبی به همسرش بنوشاند خداوند برایش در بهشت شهری بنا می‌کند و هفتاد گنااهش را می‌آمرزد.<sup>۱</sup>  
و همچنین هر گاه که مردی به همسرش آب بنوشاند؛<sup>۲</sup> یا لقمه‌ای در دهانش گذارد اجرا و پاداش دریافت می‌دارد.<sup>۳</sup>  
رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید:

هر زنی که در خانه همسرش به منظور سر و سامان دادن امور زندگی، چیزی را بردارد و در جایی دیگر بگذارد خداوند به دیده رحمت به او بنگرد و هر که را که خداوند به دیده رحمت به او بنگرد، عذابش نمی‌کند.<sup>۴</sup>

از سوی دیگر، از مرد هم به خاطر توجه‌اش به زن و فرزندانش تجلیل شده است تا جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ.<sup>۵</sup>

بهترین شما کسی است که برای زن و فرزندانش بهتر باشد.

زن نیز با خوب شوهرداری خود<sup>۶</sup>، و با تحمل برخی از کج‌خلقی‌های شوهرش، مدال پرافتخار مجاهدت در راه خدا را دریافت می‌کند. چنان‌که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَحْمَلُ مِنْ زَوْجِهَا كَلِمَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ كَلِمَةٍ مَا كَتَبَ مِنَ الْأَجْرِ لِلصَّائِمِ وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.<sup>۷</sup>

هیچ زنی نیست که بدگفتاری‌های شوهرش را تحمل کند مگر آنکه خداوند برای هر کلمه، پاداش روزه‌دار و مجاهد در راه خدای عزوجل را بنویسد.

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

جِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرِهِ.<sup>۸</sup>

جهاد زن، این است که در برابر برخی از اذیت‌ها و غیرت‌ورزی‌های بیجای شوهرش بردباری ورزد.

در بعضی از روایات آمده که زن به‌خاطر تحمل اذیت‌ها و آزارهای شوهرش پاداشی همانند پاداش حضرت آسیه دریافت می‌دارد<sup>۹</sup> و شوهر نیز به‌خاطر تحمل اذیت‌ها و آزارهای همسرش پاداشی همانند پاداش حضرت ایوب علیه السلام دریافت می‌کند.<sup>۱۰</sup>  
جالب است بدانیم که در دین مقدس اسلام حتی برای همبستری نیز ثواب و پاداش معنوی در نظر گرفته شده است.

۱- همان، ص ۱۲۳. «مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا ...».

۲- میزان الحکمه، ج ۷۸۸۰، عن الرسول الله صلی الله علیه و آله: «إِذَا سَقَى الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ أُجْرًا».

۳- همان، ج ۷۸۸۵. «إِنَّ الرَّجُلَ لَيُؤَجَّرُ فِي رَفْعِ اللَّقْمَةِ إِلَى فِي امْرَأَتِهِ».

۴- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۵۱، ج ۶۷، ح ۱. «أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا ...».

۵- میزان الحکمه، ج ۷۸۸۲.

۶- رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در پاسخ به زنی که پرسید: «چرا تمام ثواب‌ها و ارزشهای عالی مثل جهاد در راه خدا به مردان اختصاص دارد و زنان از آنها بهره‌ای ندارند؟!» فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حَسْنُ التَّبَعْلِ». جهاد زن، خوب شوهرداری است.

۷- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۵.

۸- مکارم الاخلاق، ص ۲۱۵.

۹- میزان الحکمه، ج ۸۰۹۰، رسول خدا صلی الله علیه و آله: «هر زنی که در برابر بداخلاقی شوهرش شکیبایی ورزد، خداوند همانند [ثواب] آسیه دختر مزاحم [همسر فرعون] به او عطا کند».

۱۰- همان، ج ۸۰۸۹، رسول خدا صلی الله علیه و آله: «هر مردی که به‌خاطر خدا و به امید پاداش او، در برابر بداخلاقی همسرش صبر کند، خدای متعال برای هر روز و شب که شکیبایی می‌ورزد همان ثوابی را به او دهد که به ایوب علیه السلام در قبال بلایی که دید عطا کرد و گناه زن نیز در هر روز و شب به اندازه ریگ‌های ریگستان باشد».

چنان که رسول خدا ﷺ در حدیثی به ابوذر غفاری می‌فرماید:

إِنَّتِ أَهْلَكَ تُوجِرُ<sup>۱</sup>

با همسرت آمیزش کن تا پاداش بری!

و آنگاه که چنین شخصی، غسل جنابت کند خداوند در نزد فرشتگان به آن فرد مباحات می‌کند.<sup>۲</sup> و با غسل کردن گناهانش می‌ریزد (آمرزیده می‌شود).<sup>۳</sup>

و نیز هرگاه زن آبستن شود به‌مانند روزه‌دار شب زنده‌داری است که با جان و مال خود در راه خدا جهاد می‌کند و هنگامی که وضع حمل کند اجر و پاداش آن به اندازه‌ای زیاد است که کسی عظمت آن را درک نمی‌کند. و وقتی به فرزندش شیر بدهد برای هر بار مکیدن، معادل ثواب آزاد نمودن یک برده از فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام پاداش دریافت می‌دارد و وقتی از شیر دادن فارغ گردد فرشته‌ای کریم نزد او می‌آید و به او می‌گوید: «گناهانت بخشیده شد اکنون اعمال خود را شروع کن».<sup>۴</sup>

و آنگاه که مرد، ساعتی نزد زن و فرزندان بنشیند، در نزد خدا، محبوب‌تر است از اعتکاف در مسجد النبی (ص).<sup>۵</sup> و با بوسیدن فرزند، خداوند برایش حسنه‌ای ثبت می‌نماید.<sup>۶</sup> و با گذاشتن اسم با مسمی بر روی فرزندان؛<sup>۷</sup> و با آموزش‌های دینی؛<sup>۸</sup> و تربیت صحیح آنان؛ و تحمل رنج و غم و غصه برای این منظور، و تأمین نیازمندی‌های مادی زن و فرزندان از طریق کسب حلال و مشروع،<sup>۹</sup> هر کدام پاداش‌های بیکران دارد که در واقع سبب تکامل روحی و معنوی انسان می‌شود. به‌ویژه که اگر فرزندان، شخصیت‌های علمی و معنوی برجسته و تأثیرگذاری همانند امام خمینی (ره) گردند.

بنابراین پایه و اساس زندگی بشر، و حقوق متقابل زن و شوهر، و پدر و مادر و فرزندان و در پی آن، حقوق جوامع بزرگتر، و رشد شخصیت‌های علمی و معنوی برجسته و تأثیرگذار، همگی از ازدواج نشأت می‌گیرد و ازدواج هم در صورتی ممکن و میسر است که غریزه جنسی در انسان وجود داشته باشد.

ناگفته نماند غریزه جنسی در حیوانات و گیاهان هم وجود دارد و سبب تولید مثل و تکثیرشان می‌شود لیکن فرقی که در این جهت میان انسان و گیاه و حیوان وجود دارد این است که اراده و اختیار حیوان و گیاه در ارضای غریزه جنسی دخالت ندارد و به همین جهت ثواب و عقاب و تکامل هم برای آنها در نظر گرفته نشده است. در حالی که کنترل و مدیریت غرایز در انسان، به عهده خود انسان و در تحت اراده و اختیار انسان می‌باشد و با همین اراده و اختیار است که می‌تواند بر اساس قوانین دینی و عقلی، راه درست را بپیماید و به نهایت کمال و سعادت و خوشبختی برسد و حتی از فرشتگان نیز برتر شود. و یا به‌عکس، برخلاف قوانین دینی و عقلی عمل کند و راه خطا و گمراهی را بپیماید و در شقاوت و بدبختی از هر حیوانی فرومایه‌تر

۱- فروع کافی، ج ۵، ص ۴۹۴، ح ۳. لازم به‌ذکر است که افراط در آمیزش زبان آور است. چنانکه در برخی دیگر از روایات به این واقعیت اشاره شده است.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۸۸، ب ۳۷، ح ۱۲.

۳- فروع کافی، ج ۵، ب ۱۳۹، ح ۴.

فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ إِذَا أَقْبَلَ أَكْتَفَنَهُ مَلَكًا وَ كَانَ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا هُوَ جَامِعٌ تَحَاتُّ عَنْهُ الذُّنُوبُ كَمَا يَتَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ فَإِذَا هُوَ اغْتَسَلَ أَنْسَلَخَ مِنَ الذُّنُوبِ. (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۰۹)

۴- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۵۱، ب ۶۷، ح ۱.

۵- میزان الحکمه، ج ۷۸۸۴. عن الرسول الله (ص): «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ إِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا».

۶- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۵، ب ۸۹، ح ۲.

۷- همان، ب ۲۲، ح ۲ و ب ۲۴، ح ۴ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ب ۲۶، ح ۱.

۸- همان، ب ۸۳ و ۸۴ و ۸۶.

۹- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ابواب نفقات، ب ۳، ح ۱.

پس غریزه جنسی در واقع به مانند یک وسیله و ابزار است که در اختیار انسان گذاشته شده، و این انسان است که با اراده و اختیار خود می تواند با پرداختن به انحراف جنسی، این غریزه را در جهت منفی به کار گیرد و فروتر از چارپایان گردد و یا با کنترل آن و ازدواج مشروع، از این غریزه در جهت مثبت بهره برد و برتر از فرشتگان شود.<sup>۱</sup>

نکته آخر و از همه مهمتر اینکه اگر ما آموزه های دینی ای که در ارتباط با مدیریت غریزه جنسی بیان شده است را به خوبی فرا بگیریم و به آنها عمل کنیم و در تبلیغ و ترویج و گسترش آن بکوشیم شکی نیست که به زودی همه انسان های سرگشته در سراسر عالم متوجه دین کامل اسلام خواهند شد و به آموزه های دینی روی خواهند آورد و بدین ترتیب نقشه های شوم دشمنان انسانیت که با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده به انحرافات اخلاقی دامن می زنند خنثی خواهد شد.

آری اگر ما هوشیار و زمان شناس باشیم می توانیم تهدید بزرگ تحقق «انقلاب جنسی»<sup>۲</sup> در جوامع بشری را، تبدیل به فرصت استثنایی تحقق «انقلاب عفاف گرایی» کنیم، چرا که آموزه های دینی در ارتباط با مدیریت غریزه جنسی به اندازه ای غنی و پرمحتوا و گسترده است که همه دانشمندان را به تعظیم در برابر این آموزه ها و می دارد و همه انسان ها را از آب حیات حقیقت بهره مند می کند. *إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ*

۱. امیرمؤمنان علیه السلام در حدیثی می فرماید: همانا خدای عزوجل، فرشتگان را با عقل آمیخته است بدون شهوت، و چارپایان را با شهوت آمیخته است بدون عقل، و آدمیزاد را با هر دو (عقل و شهوت) سرشته است، پس هر که عقلش بر شهوتش بیروز شود بهتر از فرشتگان است و هر که شهوتش بر عقلش چیره گردد بدتر از چارپایان است. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بَلَا شَهْوَةَ وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةَ بَلَا عَقْلٍ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ». علل الشرایع، باب ۶

۲. اصطلاح «انقلاب جنسی»، ساخته روانکاوای به نام «ویلهم رایش» اتریشی (۱۹۵۷-۱۸۹۷ م.) است. وی در سال ۱۹۳۶ م. کتابی با عنوان «سکسوالیته در نبرد فرهنگی» نوشت و پس از مهاجرت به «آمریکا»، آن را به زبان انگلیسی و با عنوان «انقلاب جنسی» منتشر ساخت. پژوهشگران غربی، آلفرد چارلز کینزی (۱۹۵۶-۱۸۹۴ م.)، را بنیان گذار رشته مطالعات جنسی و پدر انقلاب جنسی (سکسولوژی مدرن) معرفی می کنند. از هربرت مارکوزه (۱۹۷۹-۱۸۹۷ م.) و پاول کودمن یهودی، نیز به عنوان پرچم داران انقلاب جنسی دهه ۶۰ م. غرب یاد می کنند. (منبع: [teribon.ir](http://teribon.ir) مقاله «لکه سیاه ناهنجاری یا؛ انقلاب جنسی» اسماعیل شفیعی سروستانی). لازم به یادآوری است که ترویج آموزه های دینی در حوزه های عفاف، حجاب، حیا، غیرت، ازدواج، همسررداری و تربیت فرزند، همراه با نگاه مجرمانه به انحرافات اخلاقی و برخورد قضایی و انتظامی با مظاهر ابتذال، عواملی هستند که مانع از تحقق انقلاب جنسی می شوند و دشمن را در این عرصه ناکام می گذارند.

تاگفته نماند کتاب «قیام پرشور انقلاب جنسی در ایران» در سال ۱۳۸۸ توسط «پردیس مهدوی» تألیف و توسط انتشارات دانشگاه استنفورد آمریکا چاپ گردید. در این کتاب صحبت از قیام خودخوانده شده است. یعنی قیام های بدون رهبر، قیام های شبکه ای. در این قیام از بدن ها به عنوان ابزاری برای بیان سیاسی و اجتماعی استفاده می شود. در این نگاه سکس تبدیل شده به ریشه آزادی و اقدامی انقلابی سیاسی. پردیس مهدوی از این پدیده به عنوان «انقلاب جنسی» یاد می کند! یعنی سیاست های جنسی و فرهنگ جوانان می تواند پایه های رژیم را متزلزل کند! آری دشمن درصدد است از طریق تحقق انقلاب جنسی در ایران، نظام اسلامی را براندازد! حال سؤال اینست که آیا مسئولین امنیتی و کمیسیون فرهنگی مجلس و مسئولین ۳۲ دستگاه مصرح در مصوبه ۴۲۷ و ۸۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، این واقعیت را درک کرده اند یا درک نکرده اند؟! اگر درک نکرده اند که هزاران افسوس! و جا دارد از خود بپرسند که آیا شایستگی این مسئولیت را دارند یا ندارند؟! و اگر درک کرده اند، برای مقابله با این بحران و خطر بزرگ، با چند تا کارشناس فن در این موضوع نشست داشته اند و چه طرحها و برنامه هایی را تاکنون اجرا نموده اند؟

## درآمدی بر عفاف‌گرایی

برای ایجاد و تثبیت رفتارهای عفیفانه، لازم است متربی به اهمیت و فایده‌های عفاف‌گرایی و پاکدامنی واقف گردد؛ و نیز زیان‌های بی‌عفتی و انحرافات اخلاقی را بداند تا تمایل به عفاف و پاکدامنی در وجودش شکل بگیرد؛ چرا که برای تحقق هر رفتاری، لازم است سه امر پیش از آن به‌وقوع بپیوندد:

۱. علم و آگاهی به سود و زیان آن رفتار؛
۲. تمایل و اشتیاق به انجام آن رفتار؛
۳. عزم و اراده انجام آن رفتار که در نهایت (و در مرحله چهارم)، به تحقق آن رفتار می‌انجامد.<sup>۱</sup>

در این جزوه چون هدف اصلی ایجاد رفتارهای عفیفانه در افراد است ابتدا به اهمیت و فایده‌های عفاف و پاکدامنی اشاره شده تا میل به عفیف‌گشتن در وجود متربی شکل بگیرد و سپس نیز به زیان‌های بی‌عفتی و انحرافات اخلاقی اشاره گشته، تا میل به پرهیز از رفتارهای غیر عفیفانه در وجود متربی مستحکم گردد و با انگیزه بیشتر به عفاف و پاکدامنی روی آورد.

### اهمیت و فایده‌های عفاف‌گرایی و پاکدامنی

خدای دانا و حکیم و مهربان - به‌عنوان خالق و آفریننده انسان و جهان - آنچه را که برای آدمیان نیک دانسته است بی‌شک حکمت‌ها و فایده‌های فراوان دارد که برای آگاهی از آنها لازم است از جهات گوناگون مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. بی‌گمان یکی از صفاتی که خدای متعال برای افراد بشر نیکو دانسته و آن را برایش بسیار پسندیده، صفت عفت و پاکدامنی است که در قرآن کریم تحت عنوان «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» از آن یاد شده است. چه اینکه به‌فرموده امام باقر علیه السلام مراد از «لباس التَّقْوَىٰ» در این آیه شریفه، عفاف و پاکدامنی است که مایه خیر و نیکی می‌باشد.<sup>۲</sup>

اینک برای آنکه اندکی از خیر و نیک بودن این صفتِ والا آشکار گردد، اهمیت و فایده‌های عفاف‌گرایی از ۶ دیدگاه، به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- از دیدگاه فطرت انسانی

- از دیدگاه قرآن کریم

- از دیدگاه روایات اسلامی

۱ - برای توضیح بیشتر، ر.ک: اشارات ابن سینا، نمط سوم، فصل ۲۵. و اصول فقه (از جمله کفایه الاصول آخوند خراسانی) مبحث اوامر، بحث طلب و اراده.

۱ - اعراف (۷)، آیه ۲۶.

۲ - میزان الحکمه، ح ۲۲۳۵۰. الامام الباقر علیه السلام - فی تفسیر الایة - : ... وَ أَمَّا لِبَاسُ التَّقْوَىٰ فَالْعَفَافُ؛ لِأَنَّ الْعَفِيفَ لَا تَبْدُو لَهُ عَوْرَةٌ وَ إِنْ كَانَ عَارِبًا مِنَ الثِّيَابِ، وَ الْفَاجِزُ بَادِي الْعَوْرَةِ وَ إِنْ كَانَ كَاسِيًا مِنَ الثِّيَابِ، يَقُولُ: «وَ لِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» يَقُولُ: الْعَفَافُ خَيْرٌ.

– از دیدگاه جامعه‌شناسی

– از دیدگاه روان‌شناسی

– از دیدگاه علوم پزشکی

### ارزش عفاف و پاکدامنی در فطرت انسانی

انسان یگانه موجودی است که شایستگی کمال بی‌نهایت و قرب الاهی بی‌انتهای را دارد و به همین منظور ظرفیت پذیرش و رشد و پرورش صفات و اسماء الاهی در فطرت او نهاده شده تا همانند آینه‌ای پاک، تجلیگاه صفات ربوبی شود و مسیر پر فراز و نشیب کمال را به خوبی بپیماید. اینک از جمله آن صفات، طهارت و عفاف و پاکدامنی می‌باشد که مایهٔ تقرب آدمی به درگاه حضرت الیه است.

گذشته از این، عفاف و پاکدامنی لازمهٔ حیات انسانی بوده و به همین جهت همه ما انسان‌ها، با اندکی درنگ و اندیشه، در می‌یابیم که روح و سرشتمان، عفاف و پاکدامنی را دوست دارد و از بی‌عفتی و آلودگی بیزار است.

بزرگداشت عفاف و پاکدامنی گستره جهانی دارد و در همه فرهنگ‌ها مورد احترام است؛ در هیچ فرهنگی نمی‌بینیم که، بی‌بند و باری و فرا رفتن از مرزهای عفاف و پاکدامنی را درست بدانند؛ بی‌عفتی در همه جا یک رفتار بیمارگونه شمرده می‌شود؛ حتی در برخی کشورها که به گستردگی کشور ما، پای‌بند به دستورهای دین نیستند باز هم در برابر بی‌عفتی‌ها واکنش نشان می‌دهند؛ چنان‌که در امریکا، به رئیس‌جمهور اسبق‌شان - کلینتون - به خاطر رابطه نامشروع با منشی‌اش، به شدت اعتراض کردند، و در ژاپن به خاطر تجاوز سرباز امریکایی به یک دختر ژاپنی، صدها هزار نفر غیرتمندانه بپا خاستند و خواستار خروج نظامیان امریکا از کشورشان شدند؛ و مردم ایتالیا به روابط نامشروع نخست وزیر کشورشان (برلوسکونی) اعتراض شدید نمودند. پس معلوم می‌شود جامعه جهانی نسبت به بی‌عفتی حساسیت دارد و از این حساسیت جهانی، می‌توان نتیجه گرفت که عفاف و پاکدامنی در فطرت پاک همه انسان‌ها مورد احترام و بزرگداشت است. زیرا به فرمودهٔ قرآن کریم: خداوند قدرت تشخیص «فجور و تقوی» را در فطرت پاک همهٔ انسان‌ها قرار داده است:

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا؛ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾

سوگند به نفس آدمی و آن‌که او را نیکو بیافرید، سپس فجور و تقوا (شر و خیرش را) به او الهام کرده است.

بنابراین هر انسانی به‌طور فطری فرق میان «عفت و پاکدامنی» و «بی‌عفتی و انحراف اخلاقی» را به‌خوبی می‌فهمد و نیز می‌داند که برای پیمودن مسیر کمال چاره‌ای از حفظ عفاف نمی‌باشد.

خانم وندی شلیت<sup>۲</sup> - متولد ۱۹۷۵ در ایالت ویسکانسین امریکا و فارغ التحصیل رشته فلسفه از دانشکده ویلیامز -

پاکدامنی را امری فطری می‌داند و معتقد است زنان در حال پی بردن به اهمیت این خواسته درونی هستند.

۱ - الشمس (۹۱) آیه ۷ و ۸. لازم به یادآوریست این‌که خداوند فجور و تقوا (شر و خیر را) به انسان الهام کرده، به اندازه‌ای حائز اهمیت بوده که بعد از ۱۱ قسم آمده است. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَالشَّمْسُ وَضَحَّاهَا «۱» به خورشید و گسترش نور آن سوگند، وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا «۲» و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید، وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا «۳» و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد، وَاللَّیْلِ إِذَا یَغْشَاهَا «۴» و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند، وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا «۵» و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده، وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّاهَا «۶» و به زمین و کسی که آن را گسترانیده، وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا «۷» و قسم به جان آدمی و آن‌کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا «۸» سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است.

خانم شلیت در مقدمه کتاب خود به نام «بازگشت به عفاف» A RETURN TO MODESTY به گرایش در حال فزونی نسبت به پاکدامنی در میان زنان جوان جامعه امروز امریکا اشاره می‌کند و می‌گوید بیشتر این افراد بانشاط، سرزنده و فعال هستند. برخی از آنان یهودی، برخی غیریهودی و از خانواده‌های کاملاً سکولار، گروهی از آنها دختران طلاق و گروهی دختران خانواده‌های صمیمی و پایدار، بعضی لیبرال و بعضی محافظه‌کار می‌باشند.<sup>۱</sup>

شلیت بر این باور است که پاکدامنی امری طبیعی است و این مسئله را در جوامعی که پای‌بند عفاف نیستند نیز می‌توان به خوبی اثبات کرد.<sup>۲</sup> وی عقیده دارد که عفاف مسئله‌ای جهانی، فرا فرهنگی و بسیار با سابقه است.<sup>۳</sup>

آری خداشناسی و صفات پسندیده اخلاقی و از جمله عفاف و پاکدامنی، در فطرتِ الهی انسان ریشه دارد، ولی بقاء، پرورش و تثبیت آنها تا حدّ زیادی به خود فرد وابسته است. به دلیل:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾

هر که نفس خود را پاک و تزکیه کرد، رستگار شد؛ و آن که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخت، نومید و محروم گشت!

خانم شلیت می‌گوید:

گرچه پاکدامنی امری فطری است، اما انسان در مورد چگونگی پرورش دادن این غریزه، خود باید تصمیم بگیرد.<sup>۴</sup> بنابراین اگر کسی را می‌بینیم که کارهایی بر خلاف فطرت انجام می‌دهد و از آن لذت می‌برد و به آن افتخار می‌ورزد، در اثر تکرار و تمرین و زیر پا گذاشتن فطرت به این مرحله رسیده است نه اینکه آن کار مثبت (همانند عفاف‌ورزی) فطری نباشد. البته در فرونشاندن و کم‌رنگ کردن صفات فطری عوامل گوناگون دیگر نیز دخیل هستند<sup>۵</sup> همانند: کیفیت تعلیم و تربیت پدر و مادر،<sup>۶</sup> آداب و رسوم و فرهنگ‌های متأثر از نفسانیت، و نیز تبلیغات گسترده و جهت‌دار، با انگیزه‌های شهوانی و سیاسی و اقتصادی شهوترانان و سیاستمداران و سرمایه‌داران! چنان‌که خانم وندی شلیت می‌گوید:

بسیاری از کسانی که با گرایش به عفاف مخالفت می‌کنند و سعی دارند با برچسب‌های مختلف آن را نوعی انحراف جلوه دهند، افرادی هستند که خود مدافع روابط جنسی بی‌قید و بند می‌باشند.<sup>۸</sup>

### اهمیت عفاف‌گرایی و پاکدامنی از دیدگاه قرآن کریم

در اهمیت عفاف‌گرایی و پاکدامنی همین بس که یوسف علیه السلام را واداشت تا از محیط پُرناز و نعمت کاخ، چشم‌پوشد و رنج‌ها و سختی‌ها و بی‌گاری‌ها و عدم بهداشت محیط زندان را به جان و دل بخرد ولی هرگز آلوده به بی‌عفتی نشود.

۱ - فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۱۶ و ۱۷، ترجمه سمانه مدنی. در کتاب «عفاف‌گرایی در غرب» نیز گزارش‌هایی در باره جنبش خویش‌داری در غرب بیان شده است.

۲ - همان، ص ۴۶.

۳ - همان، ص ۴۷.

۴ - الشمس (۹۱) آیه ۱۰ و ۹.

۵ - فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۷. ناگفته نماند عوامل مؤثر در شکوفایی فطرت فراوان هستند. برای آشنایی بیشتر، ر.ک: فطرت صورت قدسی و حقیقت عرشی آدمی، ص ۱۱۳-۱۵۹، زهره نادری نژاد، چاپ اول ۱۳۹۰، نشر بین الملل.

۶ - برای آشنایی با عوامل انحراف از فطرت، ر.ک: «فطرت صورت قدسی و حقیقت عرشی آدمی» ص ۸۰-۱۱۱.

۷ - پیامبر گرامی اسلام در باره نقش پدر و مادر در انحراف از فطرت می‌فرماید: همه کودکان، بر پایه فطرت به دنیا می‌آیند اما والدین‌شان آنان را یهودی، مسیحی یا مجوسی می‌کنند. «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودًا أَوْ نَصْرَانًا أَوْ يَمَجْسَانًا». (عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۳۵، فصل چهارم، ص ۱۸۸).

۸ - فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۱۷، ترجمه سمانه مدنی.

توضیح مطلب اینکه زلیخا و زنان اشراف تصمیم گرفته بودند گوهر عفاف و پاکدامنی یوسف علیه السلام را بر بایند و او را از قرب الهی و سعادت دنیوی و آخروی محروم گردانند؛ لیکن یوسف علیه السلام که قدر گوهر عفاف خویش را می دانست و از ناخشنودی خدای مهربان بیم داشت، به درگاه پروردگار پناه برد و در این میدان مبارزه با نفس، از او یاری طلبید و با سوز و گداز گفت:

﴿رَبِّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾<sup>۱</sup>

پروردگارا زندان، برایم محبوبتر است از آنچه زنان مرا بدان فرا می خوانند؛ و اگر کید و مکرشان را از من بازگردانی، شیفته آنان می شوم و از جاهلان می گردم!

پروردگار مهربان و اجابت کننده دعاکنندگان و دوستدار پاکدامنان نیز به فریاد یوسف علیه السلام رسید و کید و مکر آلودگان را

از او بازگردانید:

﴿فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾<sup>۲</sup>

پس پروردگارش درخواست او را بر آورد و [با رفتنش به زندان] نیرنگ آنان را از او بازگرداند؛ زیرا اوست که شنوا و داناست؛ (یعنی نیایش بندگان را می شنود و هم از اسرار درون آنها آگاه است، و هم راه حل مشکل آنها را می داند).

بدین ترتیب یوسف علیه السلام برای حفظ عفت و پاکدامنی خویش به زندان افتاد و سالها در محیط سخت زندان تاب آورد و سرانجام به یاری خداوند از زندان آزاد گشت و سپس عزیز و پادشاه مصر گردید و ثمره عفاف گرای و پاکدامنی خویش را چشید.

### فایده های عفاف گرای و پاکدامنی از دیدگاه قرآن کریم

خداوند مهربان و دوستدار پاکدامنان، در قرآن کریم، عفاف گرای و پاکدامنی حضرت مریم علیها السلام را می ستاید و او را به خاطر

همین روحیه خویشتنداری، مورد توجه ویژه قرار می دهد و به گونه ای معجزه آسا، عیسی مسیح از او متولد می شود:<sup>۳</sup>

﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا...﴾

مریم - دختر عمران - که دامن عفت خویش را [از هرگونه آلودگی] به شدت حفظ کرد، در نتیجه ما از روح خود در او دمیدیم.

از این آیه شریفه که در سوره تحریم آمده و حضرت مریم علیها السلام را به عنوان الگوی همه مؤمنان معرفی نموده است،<sup>۴</sup> یک ملاک و قانون فراگیر می توان برداشت کرد و آن این که: «هر کس، دامن عفت خویش را از هرگونه آلودگی و ناپاکی حفظ کند، مورد عنایت و توجه ویژه خدای مهربان قرار می گیرد و در دنیا و آخرت خوشبخت می گردد».

۱ - یوسف (۱۲) آیه ۳۳.

۲ - همان، آیه ۳۴.

۳ - مقام معظم رهبری در همین باره می فرماید: «خدای متعال بیهوده به مریم این قدر لطف نمی کند؛ این کلام قرآن است، او با همه وجود پاکدامنی خود را حفظ کرد، لذا شایسته این شد که مادر عیسی شود». ۱۳۸۴/۵/۵. ناگفته نماند که حضرت زهرا علیها السلام نیز از موفقیت در عرصه عفاف گرای بود که به فرزندانی پاک و معصوم از گناه مفتخر گردید. چه اینکه رسول گرامی اسلام فرمود: «إِنَّ فاطمةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ دُرَّتَيْهَا عَلَى النَّارِ». بحار الانوار ج ۴۳ صص ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۰.

۴ - تحریم (۶۶) آیه ۱۲. و در آیه ۹۱ انبیا نیز می فرماید: ﴿وَالتِّي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَتَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ و آن که دامن عفت خویش را - از هرگونه آلودگی - به شدت حفظ کرد، در نتیجه ما از روح خود در او دمیدیم و او، و پسرش را آیت و نشانه ای برای جهانیان قرار دادیم.

۵ - تحریم (۶۶) آیات ۱۱ و ۱۲ ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ... وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْقَائِمِينَ﴾ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!» و همچنین مریم دختر عمران که دامن عفتش را از هرگونه آلودگی پاک نگه داشت، در نتیجه ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!



البته ممکن است کیفیت و چگونگی عنایت‌ها و توجه‌های الهی نسبت به هر فردی به‌گونه‌ای خاص باشد. بدین‌صورت که هر کسی در میدان مبارزه با نفس پیروز شود و خود را از آلودگی‌های اخلاقی، دور سازد و قهرمان این عرصه گردد از سوی خدای مهربان، مدال و جایزه‌ای ویژه و مخصوص به‌خود دریافت می‌دارد. همانند: حضرت یوسف علیه السلام، ابن‌سیرین، سید محمدباقر میرداماد، شهید برنسی، شهید امین ۱۷ ساله، که داستان‌های عفاف‌ورزی آنان می‌توان در کتاب درسنامه عفاف مطالعه نمود. آری بسیاری از موهبت‌های علمی و اجتماعی را خداوند به‌خاطر پرهیز از گناه و مقاومت در برابر هوس‌های سرکش به بندگان پاکش عطا می‌کند، گویا این موهبت‌های علمی و اجتماعی مدال و جایزه‌ای است که خداوند در این دنیا به این اشخاص هدیه می‌دهد و در آن دنیا نیز آن‌ها را از نعمت‌های بیکران بهشتی بهره‌مند می‌نماید؛ همان‌گونه که یوسف علیه السلام در خطاب به برادرانش خاطر نشان کرد:

﴿إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

بی‌گمان هر که تقوا و صبر پیشه کند، به‌راستی خداوند پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌سازد. در قرآن کریم علاوه بر داستان عفاف‌گرایی یوسف علیه السلام و خویشتنداری مریم علیها السلام، قانون‌ها، دستورالعمل‌ها و سفارش‌های فراوان دیگری نیز وجود دارد که می‌توان از آنها، ارزش و اهمیت و فایده‌های عفاف و پاکدامنی را برداشت نمود.

### اهمیت و فایده‌های عفاف‌گرایی و پاکدامنی از دیدگاه روایات اسلامی

پیامبر گرامی اسلام و اهل‌بیت ایشان که عدل و همتای قرآند، همانند قرآن کریم در باره اهمیت و فایده‌های عفاف‌گرایی و پاکدامنی سخنانی ناب بیان نموده‌اند. از جمله اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ<sup>۲</sup>

همانا فاطمه دامن عفت خویش را به‌شدت حفظ کرد، در نتیجه خداوند فرزندان را بر آتش حرام نمود. آری اگر خداوند به مریم علیها السلام به‌خاطر عفاف‌گرایی و پاکدامنی، عیسی مسیح را عنایت فرمود، به حضرت زهرا علیها السلام نیز به‌خاطر عفاف‌گرایی، فرزندان معصوم از گناه عطا نمود که مقام برخی از آنان به‌مراتب از عیسی مسیح برتر است.<sup>۳</sup> پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ شَهِيدٌ وَ... وَرَجُلٌ عَفِيفٌ مُتَعَفِّفٌ ذُو عِبَادَةٍ<sup>۴</sup>

نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود شهید است و نیز شخص عفیفی که اهل عبادت است. در حدیثی دیگر فرمود:

۱ - یوسف (۱۲) آیه ۹۰.

۲ - بحار الانوار ج ۴۳ صص ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۰.

۳ - معانی الأخبار، جلد ۱، ص ۱۰۷: «جعلت فداك، ما معنى قول رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: "إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ" ؟ فقال: المعتقون من النار هم ولد بطنها: الحسن، والحسين، وزینب، و أم كلثوم».

توضیح مطلب اینکه نجات فرزندان بلاواسطه حضرت زهرا علیها السلام از آتش، ناشی از بصیرتی است که به پاداش پاکدامنی مادرشان به آنها عطا شده و به دنبال آن، این بزرگواران با اختیار خود به گرد گناه و معصیت نرفته‌اند.

۴ - بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳.

مَنْ قَدَرَ عَلَى امْرَأَةٍ أَوْ جَارِيَةٍ حَرَامًا فَتَرَكَهَا مَخَافَةَ اللَّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ وَ أَمَنَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَرْعِ الْاَكْبَرِ وَ أَدَخَلَهُ الْجَنَّةَ...<sup>۱</sup>

هر که بتواند با نامحرمی ارتباط نامشروع برقرار کند ولی به خاطر ترس از خدا [عفاف بورزد و] این کار را ترک کند، خداوند آتش را بر او حرام می کند و او را از وحشت بزرگ روز قیامت، ایمن می گرداند و داخل در بهشت می نماید.

در بیانی دیگر فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيِّیَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ.<sup>۲</sup>

به راستی خداوند، انسان با حیای بردبار پاکدامنی را که عفاف می ورزد، دوست دارد. امیرمؤمنان علیه السلام نیز در کلماتی کوتاه و گوهر بار در باره ارزش و اهمیت و فایده های عفاف ورزی فرموده اند:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ.<sup>۳</sup>

برترین عبادت، عفاف و پاکدامنی است.

الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَيُنْزَهُهَا عَنِ الدُّنْيَا.<sup>۴</sup>

عفاف و پاکدامنی، نفس را محافظت می کند و آن را از پستی ها، پاکیزه و منزّه می گرداند.

عَلَيْكَ بِالْعَفَافِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ شَيْمِ الْأَشْرَافِ.<sup>۵</sup>

بر تو باد به پاکدامنی، که آن برترین خوی شرافتمندان است.

أَهْلُ الْعَفَافِ أَشْرَفُ الْأَشْرَافِ.<sup>۶</sup>

انسان های عفیف، باشرافت ترین افراد هستند.

الْعِفَّةُ شَيْمَةُ الْاَكْيَاسِ.<sup>۷</sup>

عفاف و پاکدامنی خوی زیرکان و هوشمندان است. [داشتن روحیه عفت، جزئی از زندگی هوشمندان است].

تَمَرَةُ الْعِفَّةِ الصَّيَّانَةُ.<sup>۸</sup>

میوه و نتیجه عفاف گرایی، محفوظ ماندن و سلامتی است. [نتیجه عفت، زندگی سالم داشتن است].

بِالْعَفَافِ تَزَكُّو الْأَعْمَالُ.<sup>۹</sup>

به واسطه عفاف است که عمل ها پاکیزه می شوند و رشد می یابند.

مَنْ عَقَلَ عَفًّا<sup>۱۰</sup>

هر که خردمند باشد، عفاف می ورزد. [عفاف ورزی، نشانه خردمندیست].

الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ.<sup>۱۱</sup>

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۳۱، ح ۱۷. و در حدیثی مشابه آمده: روز قیامت هفت نفر در زیر سایه رحمت الاهی قرار می گیرند؛ یکی از آنها مردیست که زنی دارای مقام و جمال او را [به بی عفتی] دعوت کند، و او بگوید: من از خداوند رب العالمین می ترسم. «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ... وَ رَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ حَسَبٍ وَ جَمَالٍ فَقَالَ إِنَّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ...». خصال صدوق، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۷.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۱۲، ح ۸.

۳- میزان الحکمه، ح ۱۳۱۱۶.

۴- همان، ح ۱۳۱۲۳.

۵- همان، ح ۱۳۱۲۶.

۶- عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۲۵.

۷- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۷۵.

۸- غرر الحکم، ح ۴۵۹۳.

۹- میزان الحکمه، ح ۱۳۲۸۴.

۱۰- غرر الحکم، ح ۷۶۴۶.

۱۱- همان، ح ۱۱۶۸.

عفاف و پاکدامنی، سرآمد هر خیر و نیکی است.

تاجُ الرَّجُلِ عِفَافُهُ.<sup>۱</sup>

سروری انسان در گرو عفاف و پاکدامنی اوست.

مَنْ أَحْفَ الْعِفَّةَ وَالْقِنَاعَةَ حَالَفَهُ الْعِزُّ.<sup>۲</sup>

به هر که عفت و قناعت تحفه داده شود، عزت و سربلندی با او همراه گردد.

لَا تُكْمِلُ الْمَكَارِمَ إِلَّا بِالْعِفَافِ وَالْإِيثَارِ.<sup>۳</sup>

خصلت‌ها نیک کامل نمی‌گردد مگر به عفاف‌ورزی و ایثارگری.

حُلُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْعِفَافِ.<sup>۴</sup>

روح و روانتان را با عفاف‌ورزی بیارایید.

و از همه این بیان‌ها گرنامه‌ی‌تر این که فرموده: «اجر و پاداش شهید بیش از عقیف نمی‌باشد!».

مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ.<sup>۵</sup>

مجاهد شهید در راه خدا، پاداشش بیش از کسی نیست که قدرت بر گناه دارد لیکن عفاف می‌ورزد.

آری چه بسا پاداش عقیف بیش از شهید نیز باشد، چرا که جهاد اکبر، برتر از جهاد اصغر است.

با این توصیف، اگر جوانان عزیز سرزمین‌های اسلامی، مرزهای عفاف و پاکدامنی را پاس بدارند و در جهاد اکبر و مبارزه

با نفس و شیطان پیروز شوند، بی‌گمان از مجاهدان جهاد اصغر، و رزمندگان دفاع مقدس، برترند!

امیرمؤمنان علیه السلام در ادامه همین حدیث می‌فرماید:

لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ.<sup>۶</sup>

انسان عقیف [به اندازه‌ای روحش اوج می‌گیرد و متعالی می‌شود که] نزدیک است فرشته‌ای از فرشتگان گردد!

امام صادق علیه السلام نیز در نقش تربیتی بی‌بدیل مادران عقیف می‌فرماید:

طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً.<sup>۷</sup>

خوشا به حال کسی که مادرش عقیف است.

## اهمیت و فایده‌های عفاف‌گرایی از دیدگاه جامعه‌شناسی

فایده‌های عفاف‌گرایی در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی<sup>۸</sup> و از جمله در موضوعات مختلف جامعه‌شناسی نیز قابل

پیگیری و بررسی می‌باشد مثل موضوع زنان خیابانی، کودکان بی‌سرپرست، بزه‌کاری‌های اجتماعی، خانواده، طلاق و ... که به

جهت اختصار تنها به یکی از موضوعات که مسئله «علل و عوامل استحکام خانواده» است پرداخته می‌شود و آن اینکه بی‌شک

۱. همان، ح ۴۴۸۴.

۲. همان، ح ۹۱۸۵.

۳. همان، ح ۱۰۷۴۵.

۴. غررالحکم موضوعی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴.

۶. ما یک صورت مادی و زمینی داریم که همین صورت ظاهری ماست که در چگونگی آن چندان نقشی نداریم ولی یک صورت ملکوتی و روحانی داریم که با اعمالمان آن را می‌سازیم. مثلاً برخی با شهوت نامشروع، به صورت خوک، و یا با غضب نامشروع، به صورت گرگ در می‌آیند و بعضی هم با عفاف‌ورزی، فرشته‌گون می‌شوند.

۷. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۶۴.

۸. علوم اجتماعی به گروهی از رشته‌های دانشگاهی گفته می‌شود که به مطالعه جنبه‌های اجتماعی انسان می‌پردازند. علوم اجتماعی بخشی از علوم انسانی است که به بعد اجتماعی انسان می‌پردازد. برخی از علوم اجتماعی عبارتند از: جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم سیاسی، جغرافیای انسانی، مدیریت. (منبع: ویکی‌پدیا).

عفاف‌گرایی و پاکدامنی در تحکیم و استوار ماندن خانواده‌ها تأثیری ژرف دارد؛ هم در خانواده خود و هم در خانواده‌های دیگر:

**الف) نقش آن در تحکیم خانواده خویش به دو جهت است:**

یکی این‌که اطمینان و اعتماد همسر را، به پاکی خود جلب می‌کنیم و بی‌تردید چنین اعتماد و اطمینانی در تحکیم خانواده، نقش به‌سزایی دارد. چه بسا عدم این اطمینان، گاه منجر به تنش و سردی روابط زن و شوهر شود و سرانجام به نزاع و طلاق و جدایی بینجامد.

دیگر این‌که، اگر ما فردی عقیف باشیم و در خارج از محدوده زندگی زناشویی، از طریق نگاه و گفتگو و خلوت و اختلاط و ... به لذت‌ها و ریزه‌خواری‌های جنسی<sup>۱</sup> نپردازیم، به‌طور طبیعی به همسر خود بیشتر توجه می‌کنیم و در نتیجه روابط صمیمی‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌شود و بنیان خانواده، استوارتر می‌گردد.<sup>۲</sup>

جُورج کامینکس - جامعه‌شناس معروف - می‌گوید: «به عقیده من عامل اصلی اختلاف (زن و شوهر) این است که برای مردان، امکان نظراندازی (چشم‌چرانی) و روابط نامشروع با دیگران، فراهم‌تر از قبل شده است».<sup>۳</sup>

**ب) نقش آن در تحکیم خانواده‌های دیگر بدین‌سان است:**

اگر ما عقیف و پاکدامن باشیم، این سبب می‌شود تا دیگران به‌وسیله ما تحریک نشوند و در نتیجه خانواده‌های دیگر، استوارتر می‌مانند.

پس بیایید با عفاف‌گرایی و پاکدامنی، کانون خانواده خود و دیگران را استوار سازیم و از تزلزل، سردی و جدایی خانواده‌ها پیشگیری کنیم.

### اهمیت و جایگاه عفاف‌گرایی و کنترل غرایز در روان‌شناسی<sup>۴</sup>

تسلط بر خویشتن (خودکنترلی)، یکی از عالی‌ترین رهیافت‌های یک نظام تربیتی به‌شمار می‌رود. در قرن بیستم، برای چند دهه، ملاک سنجش در موفقیت‌ها، تست‌های مرسوم «بهره هوشی»<sup>۵</sup> IQ بود؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از کشورها بخشی از سؤالات کنکور نیز محسوب می‌شدند؛ اما با مرور زمان و پیشرفت روان‌شناسی، این دیدگاه مورد تشکیک واقع شد. بدین‌صورت که روان‌شناسان در مشاهدات عینی و مواجهه با سارقان و جنایتکاران و بزه‌کاران، متوجه شدند که برخی از آنان دارای بهره هوشی بالایی هستند ولی از زندگی سالم و موفق محرومند! و از سوی دیگر افرادی را شناسایی کردند که بهره هوشی متوسط داشتند ولی از زندگی سالم و موفق برخوردار بودند!<sup>۶</sup> و بدین ترتیب نتیجه گرفتند که صرفِ برخورداری از IQ و بهره هوشی بالا، موفقیت در زندگی را به ارمغان نمی‌آورد بلکه چیزی والاتر و پراجرتر از بهره هوشی وجود دارد و آن مدیریت و کنترل هیجان‌ها و از جمله کنترل هیجان‌های غریزه جنسی می‌باشد.

<sup>۱</sup> کسانی که در طول روز ریزه‌خواری در خوراکی دارند و مثلاً اینجا و آنجا اندکی نخود و کشمش و پسته و بادام و شیرینی می‌خورند وقتی به خانه می‌آیند و بر سر سفره می‌نشینند اشتها ندارند و یک وعده کامل غذا نمی‌خورند و به همین جهت دچار سوء هاضمه می‌شوند و معمولاً هم از نظر جسمی ضعیف هستند. اینک ریزه‌خوران جنسی نیز به‌مانند ریزه‌خوران در خوراک، علاقه و تمایل به همسرشان کاهش می‌یابد و همین سبب سردی روابط زناشویی می‌شود و در نتیجه بسیاری از چیزهای جزئی و بی‌اهمیت، بهانه نزاع و اختلاف می‌گردد.

<sup>۲</sup> امیرمومنان علیه السلام می‌فرماید: «تَمَرَةُ الْعَقَّةِ الْقَنَاعَةُ» ثمره و نتیجه عفاف‌ورزی، بسنده نمودن به همسر خویش است. (غرر الحکم، ح ۴۶۳۷) بی‌شک لذتی که عفاف‌گرایان از زندگی زناشویی خود می‌برند بسیار بیشتر از لذتی است که بی‌عفت‌ها از انحرافات اخلاقی نصیب‌شان می‌شود.

<sup>۳</sup> - جلوه‌نمایی زنان و نگاه مردان، ص ۱۲۹، یوسف غلامی، به نقل از مجله پجنت، ژوئن ۱۹۶۵، ش ۱۲، ص ۳۱.

<sup>۴</sup> - برگرفته از دو ماهنامه حدیث زندگی، ش ۶، ص ۶ و ۷. روان‌شناسی عمومی دانشسراهای تربیت معلم ۱۳۶۹.

توضیح مطلب اینکه مفهوم «بهره هوشی» که توسط «آلفرد بینه»<sup>۱</sup> و برخی دیگر از روان‌شناسان مطرح شده بود مورد انتقاد شدید بسیاری از محققان قرار گرفت؛ چرا که تأکید آن بر توانمندی ریاضیاتی، منطقی و حافظه بود، در حالی که بسیاری از توانمندی‌های دیگر نیز در انسان هست و در زندگی روزمره به کمک افراد بشر می‌آید و در بهتر زندگی کردن، به آنها کمک می‌کند و حال آنکه در تعریف سنتی و تست‌های مربوط به آن، مورد توجه قرار نگرفته بود.

لذا «گاردنر»<sup>۲</sup> با نظریه هوش چندگانه (۱- هوش منطقی - ریاضی<sup>۳</sup> ۲- هوش کلامی<sup>۴</sup> ۳- هوش موسیقایی<sup>۵</sup> ۴- هوش تجسمی - فضایی<sup>۶</sup> ۵- هوش بدنی - جنبشی<sup>۷</sup> ۶- هوشی بین فردی<sup>۸</sup> ۷- هوش درون فردی<sup>۹</sup>)<sup>۱۰</sup> دیدگاه سنتی هوش را به چالشی جدی فرا خواند.

«سالووی»<sup>۱۱</sup> و «مایر»<sup>۱۲</sup> با مددگیری از بخشی از تحقیقات «گاردنر» مفهوم «هوش هیجانی» را مطرح کردند. این مفهوم در یک کلام به معنای «شناخت، کنترل و مدیریت هیجان» است که از برخی جهات به مفهوم «تقوا» در فرهنگ اسلام نزدیک می‌باشد.

«هیجان» عبارت است از انگیزشی شدید، که موجب پیدایش واکنش‌های فیزیولوژیک آشکاری در ارگانیزم می‌شود. همانند هیجان گرسنگی، تشنگی، حسد، خشم، ترس و ... که هر یک از این‌ها، رفتارهای آدمی را در جهت خاصی تجهیز می‌کند و او را وادار به فرا رفتن از مرزهای مشروع و قانونی می‌نماید، لیکن انسان موفق و نرمال کسی است که هوش هیجانی خود را به کار اندازد و بحران‌ها را کنترل و مدیریت کند و سپس خواسته‌های خود را در چارچوب مشروع و قانونی برآورد.

اینک هیجان غریزه جنسی نیز در همین راستا قابل بررسی می‌باشد زیرا آن، انگیزشی شدید است که آدمی را وادار به انجام رفتارهای ویژه می‌کند، لیکن آن کسی که از «هوش هیجانی» بهره‌ای داشته باشد می‌تواند شهوتش را کنترل کند و هیجان غریزه جنسی را مهار نماید و بدین ترتیب از زیان‌های فراوان انحرافات اخلاقی در امان بماند.

در فرهنگ اسلام نیز، انسان عقیف، هیجان‌های جنسی خود را کنترل می‌کند و صبوری می‌ورزد و آن را در مسیر درست و مشروع به جریان می‌اندازد، لیکن او همه اینها را برای خشنودی خدای مهربان، و وارد شدن در بهشت رضوان، و دوری از آتش سوزان انجام می‌دهد. هرچند که از منافع دنیوی آن بهره می‌برد و از زیان‌های فراوان انحرافات اخلاقی نیز در امان می‌ماند. چنان که یوسف علیه السلام به برادرانش فرمود:

﴿إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾.

2. Alfred Binet
3. Howard Gardner

۳- هوش ریاضی - منطقی، یعنی توانایی انجام محاسبات و استدلال (مثل هوشی که ریاضی‌دانان و منطق‌پژوینان دارا می‌باشند)

۴- هوش کلامی و زبان‌شناختی، یعنی توانایی کلامی و آفرینش جملات (مثل آنچه سخنوران و نویسندگان دارند)

۵- هوش موسیقایی، یعنی توانایی درک یا آفریدن موسیقی (مثل آنچه نوازندگان دارا می‌باشند)

۶- هوش تجسمی - فضایی، یعنی توانایی فکر کردن با تصاویر و درک جزئیات دیداری (مثل آنچه در نقاش‌ها و معماران وجود دارد)

۷- هوش بدنی، یعنی توانایی انجام کارهای ظریف و هماهنگ بدن (مثلاً در ورزشکاران)

۸- هوش میان فردی، یعنی توانایی درک احساسات اطرافیان و رابطه با آنها (مثلاً در مددکاران اجتماعی)

۹- هوش درون فردی، یعنی توانایی درک حالات درونی (مثلاً در عرفا)

۱- برگرفته از روانشناسی تربیتی، ص ۵۴، دکتر پروین کدیور، انتشارات سمت، تهران ۱۳۹۰.

12. Peter Solovey
13. John Mayer

بی‌گمان هر که تقوا و صبر پیشه کند، به‌راستی خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد. پس طرح مباحثی همانند تقویت «خویشنداری و خودکنترلی» پرورش «هوش هیجانی»<sup>۱</sup> و افزایش «عزت نفس»<sup>۲</sup> در روان‌شناسی غرب، اگرچه به معنای «تقوا» و خودسازی در فرهنگ اسلامی نیست لیکن از برخی جهات به مفهوم «تقوا» نزدیک می‌باشد و می‌تواند گامی مثبت در این راستا به‌شمار آید و انسان غربی گریزپا را تا اندازه‌ای متمایل به شریعت کند و او را با راهکارهای منطقی دین، آشنا سازد و در کنترل و مدیریت هیجان‌ها، و از جمله در کنترل هیجان جنسی یاریش نماید. ناگفته نماند که هم‌اکنون در غرب پژوهش‌هایی صورت گرفته مبنی بر اینکه، کودکان و نوجوانانی که در کنترل غرایز (گرسنگی، تشنگی، خشم و...) سستی می‌ورزند در آینده افرادی شرور، بزه‌کار و جانی می‌شوند. و به‌عکس، نوجوانان صبور، خویشندار و برخوردار از هوش هیجانی و توانمند بر کنترل غرایز، در بزرگسالی افرادی دلسوز، خیر رسان و خدمتگزار به اجتماع می‌گردند.<sup>۳</sup>

برخی از پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که توانایی به تعویق انداختن رضامندی کوتاه‌مدت، عنصر مهمی در پیشرفت و موفقیت است. طی مطالعه‌ای معلوم شد کودکانی که در ۴ سالگی توانایی بیشتری در به تعویق انداختن رضامندی و خوشی کوتاه‌مدت داشته‌اند، در دوران نوجوانی از لحاظ تحصیلی شایستگی بیشتری، و در کنار آمدن با استرس، توانایی بیشتری از خود نشان دادند. (شودا، میشل و پیک، ۱۹۹۰).<sup>۴</sup>

خوشبختانه پژوهش‌هایی از این‌دست، سبب گشته تا نسل جدید غرب، رویکردی مثبت به کنترل غرایز داشته باشد. به‌عنوان نمونه خانم «وندی شلیت» گزارش می‌دهد که هم‌اکنون مؤسسه‌ای تحت عنوان آموزش خویشنداری جنسی به نام «آبستیننس کلیرینگ‌هوس» در شهر سوفالز امریکا در حال فعالیت است و بیش از ۳۵۰۰ عضو وابسته در سراسر دنیا دارد. افزون بر این در سال ۲۰۰۲ در امریکا بودجه اختصاص یافته به آموزش خویشنداری جنسی، ۱۱۹ میلیون دلار برای اقشار و سنین مختلف؛ و ۱۰۲ میلیون دلار برای نوجوانان بوده است و در سال مالی ۲۰۰۶ برای طرح‌های خویشنداری ۱۷۲ میلیون دلار صرف شد.<sup>۵</sup> که اگر هر دلار را معادل ۳۰۰۰ تومان ایران به حساب آوریم تنها در سال ۲۰۰۲ برای طرح‌های خویشنداری جنسی، ۶۶۳ میلیارد تومان هزینه شده است!

نمونه دیگر اینکه دولت امریکا طی پنج سال گذشته هزینه‌ای معادل یک میلیارد دلار صرف تشویق جوانان کرده تا به آنها بفهماند سالم‌ترین شکل روابط جنسی تنها از طریق ازدواج امکان پذیر است. آنها در یک پروژه ۴۵۰ میلیون دلاری - که

۱. رک: پرورش هوش هیجانی نوجوانان، نویسندگان: موریس جی. الیاس، استیون ای. تویاس و دکتر برایان. اس. فریدلندر، ترجمه فیروزه کاوسی، انتشارات رشد، تهران ۱۳۸۹.

۲. رک: رشد و افزایش عزت نفس، ماتیو مک کی / پاتریک فنینگ، برگردان مهرناز شهرآرای، نشر آسیم، تهران ۱۳۹۰.

لازم به یادآوریست که مفهوم عزت نفس در آموزه‌های دینی بسیار متفاوت از مفهوم عزت نفس در روانشناسی غرب است لیکن در برخی مصادیق و موضوعات مشترک می‌باشند و از این رو می‌توان گفت که در موارد اینچنینی به مفهوم تقوا نزدیک است.

۳ - این گزارش در یک نشست علمی - در رادیو معارف - اسفند ۸۴ توسط کارشناسان علوم تربیتی عنوان گردید. و نیز در کتاب «جوان، هیجان و خویشنداری» ص ۸۵ آمده است: «دانشمندان، یکی از عوامل موفقیت را برخوردار بودن از توان «انتظار کشیدن» دانسته‌اند و بر این باورند که بدون این عامل نمی‌توان یک زندگی کامیاب را رقم زد. ... این نظریه پردازان، با آزمایشی که انجام دادند، نشان دادند کسانی که در کودکی، توان انتظار کشیدن و به تأخیر انداختن خواسته را آموخته‌اند، در بزرگسالی، زندگی موفق‌تری داشته‌اند و برعکس، کسانی که فاقد چنین نیرویی بوده‌اند، در آینده، خلاقیت و بزه‌کار شده‌اند. نکته جالبی که در این آزمایش به دست آمد، وجود روش‌هایی بود که کودکان، برای به تأخیر انداختن خواسته‌های خود و بالا بردن توان انتظار کشیدن، به‌کار برده بودند همه آنها به نوعی (نقاشی کردن، بازی کردن، صحبت کردن با دوست خود و خوابیدن و ...) حواس خود را از موضوعی که باید نسبت به آن انتظار می‌کشیدند (مثل غذای خوش مزه، پس از یک گرسنگی طولانی) پرت می‌کردند. (کلیپ «آزمایش هوش هیجانی» که در مهد کودک یکی از کشورهای غربی تهیه شده نیز مؤید مطالب یاد شده می‌باشد).

۴. انگیزش و هیجان، ص ۲۶، رابرت فرانکن، تهران نشر نی ۱۳۸۹. مترجمان: حسن شمس اسفندآباد/غلامرضا محمودی/سوزان امامی پور.

۵ - دختران به عفاف روی می‌آورند، ص ۶۹-۷۰، نویسنده: وندی شلیت، ترجمه: سمانه مدنی.

در آن هفده آژانس مستقل شرکت کرده بودند - محققان تحت نظارت بیرمن (استاد دانشگاه کلمبیا) بیش از ۲۰۰ هزار دختر جوان را تحت آموزش برنامه «حفظ عفت» قرار دادند.<sup>۱</sup>

بنابراین غربی‌ها از این نظریه بی‌اساس فروید که خویشتنداری جنسی، سبب محرومیت و عقده‌مند شدن انسان می‌شود دست کشیدند و با آزمایش و خطاهای فراوان و صرف هزینه‌ها و سرمایه‌های فکری و مادی، به همان خویشتنداری جنسی و عفاف دینی نزدیک شده‌اند. لیکن مشکل بزرگی که غربی‌ها در پیش‌رو دارند عدم دسترسی به راه‌ها و روش‌های گوناگون کنترل غرایز و از جمله غریزه جنسی می‌باشد؛ زیرا از فرهنگ دین فاصله گرفته‌اند و بنابراین در این جهت آن‌گونه که باید، موفق نمی‌گردند مگر آنکه به شریعت روی آورند و با راه‌کارها و روش‌های کنترل غرایز در شریعت آشنا شوند.

ما با دلایل فراوان و قاطعیت تمام، معتقدیم اگر کسی اهل خویشتنداری و خودکنترلی باشد و در برابر حرام‌های الهی مقاومت ورزد و از گناهان و به‌ویژه گناهان جنسی بپرهیزد نه اینکه عقده‌مند نمی‌گردد بلکه بسیاری از نبوغ‌ها و استعدادها علمی، هنری، مدیریتی و معرفتی‌اش شکوفا می‌شود و در دنیا و آخرت سعادت‌مند می‌گردد.

دکتر «عطار» - پروفیسور طب درونی - می‌گوید:

این یک اصل انکار ناپذیر است که خویشتنداری فیزیکی، اساس و پایه دست‌یابی به قدرت است، زمانی که انسان بتواند میل فیزیکی و نفسانی خود را کنترل نماید، نوعی حس امنیت و اعتماد به نفس خارق‌العاده در وجودش شکل می‌گیرد، نگرش مثبتی که تمامی ابعاد زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

امید است دانشگاهیان عزیز در رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی بخشی از پژوهش‌های خود را به موضوع «اهمیت و فایده‌های عفاف‌گرایی، پاکدامنی و کنترل غریزه جنسی» اختصاص دهند و با زبان علم، جامعه انسانی را از دست‌آوردهای خود بهره‌مند نمایند. بی‌شک آیات و روایات فراوان در این موضوع، می‌تواند در بهینه شدن تحقیقات این عزیزان نقش به‌سزایی داشته باشد به‌علاوه که این حرکت علمی به‌یاری خدا می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق وحدت و همکاری حوزه و دانشگاه - و تعامل میان علم و دین - به‌شمار آید و بر پیوند هر چه بیشتر این دو قشر تأثیرگذار بیافزاید.

### اهمیت عفاف‌گرایی از دیدگاه علوم پزشکی

عفاف‌گرایی و پاکدامنی از دیدگاه علوم پزشکی نیز دارای اهمیت والا می‌باشد چرا که کنترل غریزه جنسی از بسیاری بیماری‌ها پیشگیری می‌کند. بیماری‌هایی همانند: سوزاک، سیفلیس، لنفداناماس مقاربتی، عفونت‌های کلامیدیایی، کاندیلوما آکومیناتوم، گرانولوم مغربی، ایدز و ... که توضیح آن کتاب درسنامه عفاف بیان شده است.

۱- زلال عفت، ص ۵۱.

۲- خراسان، ۸۳/۷/۲۵، ص ۹.

## زیان‌های بی‌عفتی و انحرافات اخلاقی

خدای دانا، حکیم و مهربان که انسان و جهان را آفریده است نیک می‌داند که چه چیزهایی به‌حال آدمی سودمند است و چه چیزهایی زیان دارد به همین جهت نسخه‌ی درست زندگی کردن را برای بشر پیچیده و در قالب بایدها و نبایدهای دینی و شرعی بیان نموده است تا آدمیان را به سعادت برساند. اینک یک‌دسته از آن نبایدها، انواع بی‌عفتی‌ها است که در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی به آن‌ها اشاره شده، و شکی نیست که فرا رفتن از مرزهای عفاف و پاکدامنی و کنترل نکردن غریزه جنسی، زیان‌های فراوان در پی دارد.

امیرمؤمنان علیه السلام در همین راستا می‌فرماید:

مَنْ تَسَرَّعَ إِلَى الشَّهَوَاتِ تَسَرَّعَ إِلَيْهِ الْآفَاتُ.<sup>۱</sup>

هر که در شهوات، تندروی کند، آفات و بلاها با سرعت به‌سوی او می‌شتابند.

و شکی نیست که از جمله شهوات نامشروع، انواع بی‌عفتی‌ها است که آسیب‌های گوناگون در پی می‌آورد و این آسیب‌ها به‌طور کلی شامل عقوبت‌های دنیوی و آخروی می‌شود.

عقوبت‌های آخروی که در جهان پسین، گریبان‌گیر انسان خواهد شد بسیار دردناک و فراوان است که در خلال مباحث به آن‌ها اشاره شده است.

و اما عقوبت‌های دنیوی، در ابعاد مختلف جسمی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و ملی، قابل تحقیق و بررسی است که به جهت گستره مباحث، از ذکر آن‌ها در این مختصر معذوریم و مخاطبین گرامی را به کتاب درسنامه عفاف ارجاع می‌دهیم.



# شیوه‌های مهارت‌ورزی

پس از فراهم شدن تمهیدات و مقدمات عفاف‌گرایی که در بخش اول بیان شد اگر مترقی و مخاطب، با شیوه‌های عفاف‌ورزی آشنا نگردد در عرصه مدیریت و کنترل غریزه جنسی موفقیتی به دست نخواهد آورد. و شیوه‌های عفاف‌ورزی عبارتند از: رعایت عفاف در حوزه‌های بینایی، گویایی، شنوایی، چشایی، بویایی، بساواایی و رعایت عفت در پوشش، خلوت، اختلاط، معماری، رفتار، افکار، و عشق و دوستی و ارتباط؛ که سیزده درس به ارائه این شیوه‌های اختصاص می‌یابد.

## درس یکم

### عفت بینایی<sup>۱</sup>

بخشی از محرک‌هایی که سبب تحریک غریزه جنسی می‌شوند گیرنده‌های حسی هستند<sup>۲</sup> که شامل گیرنده‌های حس بینایی، شنوایی، لامسه و بویایی می‌باشند، و در این میان حس بینایی در تحریک شهوت از ویژگی خاص برخوردار است. و بی‌شک کنترل آن در غیر از نگاه به همسر، واجب است رعایت شود. و مراد ما از عفت بینایی در این بحث عبارتند از:

۱- پرهیز از نگاه دقیق و غیرضروری به نامحرمان؛

۲- پرهیز از نگاه به هر چیز حرام<sup>۳</sup> و تحریک کننده<sup>۴</sup>.

قرآن کریم در یک دستورالعمل کلی به پیامبر گرامی اسلام ﷺ سفارش می‌کند که به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را [از نگاه به نامحرم و هرآنچه نگاه به آن حرام و تحریک کننده است] فروگیرند. ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...﴾.

۱ - از آنجا که عفاف به معنای «الْكَفُّ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ» می‌باشد مراد از عفت بینایی، یعنی: پرهیز از نگاه به نامحرمان؛ و پرهیز از نگاه به هر چه که حرام و تحریک کننده است.

۲- روان‌شناسی عمومی دانشسرا، ص ۹۵. شایان ذکر است که گیرنده‌های حسی به خودی خود محرک نیستند بلکه از باب اینکه وسیله انتقال تحریک کننده‌ها به مراکز عصبی، و سپس به نفس و روح آدمی هستند از روی مسامحه در تعبیر، به آنها محرک گفته می‌شود.

۳ - از جمله نگاه‌های حرام، نگاه به عورت دیگری است. رسول گرامی اسلام در این باره فرموده: کسی که نگاه عمدی به عورت برادر مسلمان خود بنماید، هفتاد هزار فرشته، او را لعن خواهند کرد. و از نگاه زن به عورت زن نیز نهی فرمود. «مَنْ تَأَمَّلَ عَوْرَةَ أُخِيهِ الْمُسْلِمِ لَعَنَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ نَهَى الْمَرْأَةَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ». من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۹۹. امام صادق علیه السلام نیز فرمود: هر که داخل حمام شود و چشم خود را از نگاه به عورت برادرش فرو گیرد خداوند او را از [نوشیدن] آب جوشان و سوزان روز قیامت ایمن گرداند. «مَنْ دَخَلَ الْحَمَّامَ فَغَضَّ طَرْفَهُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى عَوْرَةِ أُخِيهِ أَمَنَهُ اللَّهُ مِنَ الْحَمِيمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». وسائل، ج ۱، ص ۳۰۰.

۴ - مثل نگاه به عکس‌ها و فیلم‌های مبتذل و ...

۵ - نور (۲۴) آیه ۳۰.

مسئله نگاه از کلیدی‌ترین مسائل در تنظیم روابط پاک و سالم میان زنان و مردان است. قرآن کریم قبل از دستور به پوشش، ابتدا فرمان به کاستن و فرونهادن نگاه می‌دهد؛ چراکه قلب و درون انسان‌ها به شدت از دیدگان تأثیر می‌پذیرند. نگاه نقطه آغازین در کشش‌های جنسی است و کسانی که قادر باشند نگاه خویش را مهار کنند، دریچه قلب و درون خویش را تحت کنترل درآورده‌اند و از انواع پیامدهای انحرافی مصون خواهند ماند. در روایتی امام رضا علیه السلام می‌فرماید: نگاه به موه‌های زنان حرام شده برای آنکه سبب تحریک مردان می‌شود و این تحریک، به فساد و بی‌بند و باری

## سبب نزول آیه ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...﴾

در باره سبب نزول این آیه، چنین نقل شده است که جوانی از انصار، در مسیر راه خود، با زنی روبه‌رو شد و به او چشم دوخت. وقتی زن از او گذشت، آن جوان برگشت و از پشت سر به نگاه خود ادامه داد و در حالی که حواسش پرت بود وارد کوچه‌ای شد. ناگهان صورتش به دیوار خورد و شکاف برداشت! پس از اینکه زن از او دور شد، لحظه‌ای به خود آمد! دید خون به لباسش می‌ریزد! سخت ناراحت شد و با همین حال، نزد رسول خدا ﷺ رفت و ماجرا را بازگو کرد؛ در این هنگام بود که جبرئیل ﷺ این آیه را فرود آورد.<sup>۱</sup>

## قرآن و چشم‌چرانی زنان

مشهور آن است که بیماری چشم‌چرانی اختصاص به مردان دارد و از چشم‌چرانی زنان کمتر سخن به میان می‌آید و حال آن‌که از این جهت تفاوتی زیاد، میان مردان و زنان وجود ندارد و بی‌گمان این بیماری در بین زنان هم رواج دارد، البته در مرتبه‌ای پایین‌تر از مردان. چنان‌که قرآن کریم نخست به مردان فرمان می‌دهد که چشم‌های خود را فرو افکنند و سپس به زنان:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾

- ای پیامبر - به مردان با ایمان بگو: چشمان خود را [از نگاه به نامحرم و هر آنچه نظر افکندن به آن حرام است] فروگیرند... و به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را [از نگاه به نامحرم و هر آنچه نظر افکندن به آن حرام است] فرو نهند...

قرآن کریم در داستان یوسف ﷺ بیان می‌دارد که زلیخا، زنان اشراف مصر را به یک مجلس میهمانی دعوت کرد و بساط پرتجملی برای آنان آراست و آنها را به تناول میوه تعارف نمود؛ میهمانان در حال پوست کندن میوه با کارد بودند که زلیخا به یوسف ﷺ دستور داد که به آن مجلس گام نهد. زنان مصر وقتی یوسف ﷺ را دیدند چنان مجذوب او شدند و از خود غافل گشتند که به جای میوه دستهایشان را بردند!

﴿...فَلَمَّا رَأَيْتَهُ أُكْبِرَتْهُ وَقَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ...﴾

هنگامی که او را دیدند با عظمتش شمردند و دستهایشان را بردند. سپس مکارانه، باب مراوده و ارتباط با او را گشودند و چنان خطرساز شدند که یوسف ﷺ به درگاه پروردگار روی آورد و برای رهایی از شر آنان این‌گونه دعا کرد:

﴿رَبِّ... إِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ...﴾

پروردگارا... اگر کید و مکر آنان را از من بازگردانی، شیفته آنان می‌شوم و از جاهلان می‌گردم. بنابراین نتیجه می‌گیریم تحریک شدن از طریق نگاه اختصاص به مردان ندارد بلکه زنان نیز از طریق نگاه تحریک می‌شوند

و ارتکاب اعمال حرام و ناشایست می‌انجامد. همچنین است نگاه به چیزهایی که [به لحاظ تحریک‌کنندگی] مانند مو باشد. «حَزْمُ النَّظْرِ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُخْجَوَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ إِلَى غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَيْهِ مِنَ الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيهَا لَا يَجُلُّ وَ لَا يَجْمُلُّ وَ كَذَلِكَ مَا أَشْبَهَ الشُّعُورَ...». (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۷).

۱- برگرفته از تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۳۵.

۲- نور (۲۴). آیه ۳۰ و ۳۱

۳- یوسف (۱۲)، آیه ۳۱.

۴- یوسف (۱۲)، آیه ۳۳.

و همان زیان‌هایی که چشم‌چرانی برای مردان دارد برای زنان نیز دارد.

در حدیثی آمده، هنگامی که مرد کوری بر رسول خدا ﷺ وارد شد، آن حضرت به همسران خود (عایشه و حفصه) فرمود که برخیزید و به داخل اطاق روید. آنان با تعجب گفتند: وی کور است! حضرت فرمود: اگرچه او شما را نمی‌بیند شما که او را می‌بینید! «...إِنْ لَمْ يَرِكَمَا فَأَتِكَمَا تَرِيَانَهُ».

حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید:

إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ إِمْرَأَةً ذَاتِ بَعْلِ مَلَأَتْ عَيْنَيْهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا... ۲  
خشم خداوند عزوجل سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود را از غیرشوهر خود یا از کسی که محرم او نیست، پُرکند.

### موسی ﷺ و رعایت عفت بینایی

ماجرای عفاف‌ورزی حضرت موسی ﷺ در متون دینی این‌گونه نقل شده است:

هنگامی که حضرت موسی ﷺ از چنگ فرعونیان فرار کرد و به سرزمین «مَدْيَن» رسید کنار چاه آب مدین دو دخترِ چوپان با حُجَب و حیایی را دید که برای آب دادن گوسفندان در انتظار بودند! از آنجا که سایر چوپان‌ها نوبت آن دختران را رعایت نمی‌کردند، موسی ﷺ ناراحت گشت و به نزد آنها رفت و از شأن و جایگاه و علت کناره‌گیری‌شان پرس‌وجو کرد. آنها در پاسخ عرضه داشتند پدر ما پیر و زمین‌گیر شده و ما از روی ناچاری چارپایان را به چَرا می‌آوریم و برای پرهیز از اختلاط با مردان، منتظر می‌مانیم تا همه چوپان‌ها بروند سپس ما گوسفندانمان را آب می‌دهیم.

موسی ﷺ از باب یاری مظلوم، به پیش رفت و با سطل، از چاه، آب کشید و گوسفندان آنها را سیراب کرد و آنها زودتر از همیشه به خانه برگشتند.

پدر آنان که حضرت شعیب ﷺ بود علت زود آمدنشان را جویا شد که آنها ماجرا را باز گفتند.

او به یکی از دخترانش گفت که به آن مکان بازگردد و آن جوان فداکار را به خانه دعوت کند تا مزد او را بپردازد.

دختر شعیب (ع) در نهایت حُجَب و حیا نزد آن جوان رفت و گفت: پدرم تو را فرا خوانده است تا دستمزدت را بپردازد.

موسی ﷺ گرچه برای خشنودی خدا به آنها یاری رسانده بود و قصد مزد گرفتن نداشت لیکن از آنجا که در آن سرزمین، غریب و تنها و آواره بود و از مشاهده رفتارهای عفیفاً آنها دریافته بود که بایستی دارای دین و آیین الهی باشند، این دعوت را به فال نیک گرفت و با دختر شعیب (ع) همراه شد ولی برای آنکه چشمش به او نیفتد، گفت: شما از پشت سر من بیا و با علامت و اشاره راه خانه را به من بنما!

پس از این ماجرا بود که دختر شعیب ﷺ به پدرش پیشنهاد داد که ای پدر! او را اجیر کن و به کارش بگیری، زیرا بهترین کسی که اجیرش می‌کنی و به کارش می‌گماری، فردی است که قوی و امین باشد.

﴿يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾

شعیب به دخترش فرمود: نیرومند بودن او را از آنجا دانستی که به تنهایی سطل آب را از چاه کشید، امین

۱ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۲، ح ۱.

۲ - همان، ح ۲.

بودن او را از کجا فهمیدی؟! دخترش گفت: او به من گفت: دنبال من بیا و راه را نشانم نما؛ زیرا ما از قومی هستیم که به پشت زنان نگاه نمی‌کنند. از این‌جا دانستم که او از آن جماعتی نیست که به پشت زنان چشم می‌دوزند و این نشانهٔ امانت اوست.<sup>۱</sup>

ناگفته نماند که از همین فرمایش دختر شعیب(ع) می‌توان استفاده کرد که اگر کسی علاوه بر رعایت عفت بینایی، اهل رعایت عفاف در حوزه‌های گویایی، شنوایی، چشایی، بویایی، بساوایی، و عفت در پوشش و خلوت و اختلاط و ... هم باشد شایسته است صفتِ نیکویِ «امین» در بارهٔ وی نیز به‌کار رود.

---

<sup>۱</sup> - میزان الحکمه، ح ۲۰۲۷۲ و ۲۰۲۷۳. مجمع‌البیان، ذیل آیات ۲۱-۲۶ قصص. و بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۶، ح ۱۰. و نیز تفسیر راهنما ج ۱۳، ص ۴۷۸ از امام رضا(ع) روایت کرده است که فرمود: «أنگاه که دختر شعیب به پدرش گفت: ﴿يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ موسی را اجیر کن؛ چون بهترین اجیر کسی است که نیرومند و امین باشد؛ پدر گفت: چگونه به این حقیقت (امین بودن موسی) پی برده‌ای؟ گفت: آنگاه که پیام تو را بردم، با من همراه شد و گفت: تو پشت سر من باش و راه را به من نشان ده...».

## عفت گویایی

زبان مهمترین ابزار آدمی در زندگی است که اندیشه‌ها، احساسات و خواسته‌هایش را در قالب الفاظ و کلمات به دیگران منتقل می‌کند و از اندیشه‌ها، احساسات و خواسته‌های دیگران نیز بوسیله همین قالب‌ها آگاه می‌شود. افزون بر این، شیوه بیان، و آهنگ و لحن کلام نیز در شنونده تأثیری شگرف دارد و به‌ویژه آن‌گاه که پای شهوت به‌میان آید غریزه جنسی را برمی‌انگیزد و لغزشگاهی خطرناک برای انسان می‌شود. چنان‌که قرآن کریم به این واقعیت اشاره کرده و سفارش نموده به هنگام صحبت کردن با نامحرم، هم باید درون‌مایه و محتوای کلام، سخنان شایسته و معروف باشد و هم شیوه بیان و آهنگ کلام تحریک‌کننده نباشد:

﴿...فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾<sup>۱</sup>

پس [به‌هنگام صحبت کردن با نامحرم] رام و دلربا، و با ناز و عشوه سخن مگویید تا آن کسی که بیمار دل است [تحریک شود و] طمع بورزد؛ و سخن معروف و شایسته بگویید.

بنابراین بحث در عفت گویایی بر دو محور است:

۱- عفت در آهنگ و لحن کلام (به‌معنای پرهیز از سخن گفتن با ناز و عشوه و رام و دلربا)

۲- عفت در درون‌مایه و محتوای کلام (به‌معنای پرهیز از بیان هر چیز منافی با عفت)

محور دوم بحث - عفت در درون‌مایه و محتوای کلام - مصادیق گوناگون دارد که ابتدا فهرست آن بیان می‌شود و سپس توضیح مختصر فقط یکی از مصادیق تقدیم مخاطبان ارجمند می‌گردد:

الف) پرهیز از چینش نادرست کلمات و جملات

ب) پرهیز از وصف زیبایی نامحرمان

پ) پرهیز از واژه‌های منافی عفت

ت) پرهیز از شکستن حریم‌ها در صدا زدن

ث) پرهیز از شوخی‌های کلامی

ج) پرهیز از سلام دادن به جوان نامحرم

## الف) پرهیز از چینش نادرست کلمات و جملات

چینش کلمات باید به‌گونه‌ای باشد که نامحرم را به خیالات واهی نکشاند و به وسوسه نیاندازد که نمونه بارزش، کیفیت سخن گفتن دختر شعیب (ع) با موسی عليه السلام است. پس از آن که موسی (ع) به دختران شعیب (ع) کمک نمود و گوسفندان آنان را

۱- احزاب (۳۳) آیه ۳۲.

خضوع در کلام به‌معنای این است که در برابر مردان، آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه، و خیالهای شیطانی نموده، شهوتش را برانگیزانند، و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد، و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد. (المیزان، جلد ۱۶، ذیل آیه ۳۲ احزاب)

سیراب کرد، دختر فرزانهٔ شعیب، به دستور پدرش، با حُجَب و حیای فراوان، نزد موسی علیه السلام آمد<sup>۱</sup> و گفت:

﴿قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا﴾<sup>۲</sup>.

پدرم شما را فرا می‌خواند تا برای آب دادن به گوسفندانِ ما، پاداشت دهد.

در این‌جا نحوهٔ سخن گفتن و چینش واژه‌ها بسیار حائز اهمیت و قابل توجه است؛ او نمی‌گوید: به خانهٔ ما بیا! چرا که ممکن است در ذهن جوان نامحرم، افکارِ نارواِ خطور کند و گمان برَد این دعوت از سوی دختر بوده است! و بدین ترتیب وسوسه شود. بلکه می‌گوید: پدرم تو را دعوت کرده، تا خاطر جوان از هر جهت جمع باشد!

و نیز توضیح می‌دهد که این دعوت فقط برای آن است که مزد آب دادن تو را بپردازد نه چیز دیگر! تا این جوان را خیالات بر ندارد و پندار نابجا نبرد و فضای ذهن و فکرش آلوده نگردد!

۱ - ﴿فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾ یکی از آن دو (دختر) در حالی که با شرم و حیا راه می‌رفت نزد موسی علیه السلام آمد.

در تفسیر «کشف‌الاسرار میبیدی» ج ۷، ص ۲۹۵ خاطر نشان شده که دختر شعیب ع در حالی که چهرهٔ خود را پوشانده بود نزد موسی (ع) آمد. به عبارت دیگر، حیاورزی او سبب شده بود که حجاب کاملی داشته باشد. از همین رو معمولاً واژگان حجب و حیا با هم و به صورت مترادف به کار برده می‌شوند.

۲ - قصص (۲۸) آیه ۲۵.

## عفت شنوایی

پیش از این اشاره شد که بر اساس یافته‌های روان‌شناسی بخشی از محرک‌هایی که سبب تحریک غریزه جنسی می‌شوند گیرنده‌های حسی هستند. اینک یکی دیگر از آن گیرنده‌ها که نقشی به‌سزا در تحریک غریزه دارد، حس شنوایی است که معنا و مفهوم، و ویژگی کلام و صدا و آوای محرک را به مراکز عصبی منتقل می‌کند و میل و شهوت را برمی‌انگیزد. قرآن کریم به این واقعیت اشاره کرده و بر تحریک‌پذیری جنسی انسان، از طریق حس شنوایی، مهر تأیید زده و فرموده نباید رام و دلربا، و با ناز و عشوه سخن بگویید که این در بیماردلان اثر منفی می‌گذارد و شهوتشان را برمی‌انگیزد.

﴿...فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ...﴾<sup>۱</sup>

پس [به‌هنگام صحبت کردن با نامحرم] رام و دلربا، و با ناز و عشوه سخن مگویید تا آن کسی که بیماردل است [تحریک شود و] طمع بورزد.

## گزارشی از ماجرای جوانی ۱۷ ساله که به صدای دلنشین زنی ۳۲ ساله دل باخت و ...

چندی پیش در یکی از خبرها خواندیم: جوانی ۱۷ ساله، به صدای دلنشین و وسوسه‌انگیز زنی ۳۲ ساله دل باخت و پس از دیدارهای پی‌درپی سرانجام با او ازدواج کرد و با بدبختی‌های فراوان روبه‌رو گشت. وی در دادگاه گفت:

چهار سال پیش که ۱۷ ساله بودم یک زن مرتب به خانه ما زنگ می‌زد و به من اظهار علاقه می‌کرد، او خودش را پری معرفی کرد و صدای دلنشینی داشت. یک روز قرار گذاشتیم تا او را ببینم. پری که ۱۵ سال از من بزرگتر بود به من گفت از شوهرش طلاق گرفته است و یک پسر نوجوان دارد. دیدارهای ما ادامه پیدا کرد و من که به این زن علاقه‌مند شده بودم تصمیم گرفتم با او ازدواج کند اما نمی‌خواستم در این باره چیزی به خانواده‌ام بگویم... به‌طور پنهانی بین من و پری صیغه عقد جاری شد و به این ترتیب زن و شوهر شدیم.

همسرم پسری داشت که فقط دو سال از من کوچکتر بود. این پسر از من که جای پدرش را گرفته بودم، نفرت داشت و در تمام مدتی که در منزل بودم، به خانه یکی از اقوامش می‌رفت تا مرا در کنار مادرش نبیند. یک روز که از سر کار برگشتم، پری گفت: پسرش «اشکان» تصادف کرده و احتیاج به چهار میلیون پول دارد تا پول جراحی او را بپردازد. من هم پیش پدرم رفتم و به بهانه اینکه کاری دارم اتومبیلش را بردم و ۴/۵ میلیون تومان فروختم، همه پول‌ها را به پری دادم اما پس از مدتی فهمیدم پسرش تصادف نکرده و به من دروغ گفته است!

پیش از آن هم رابطه ما سرد شده بود و به هر بهانه‌ای با هم مشاجره داشتیم وقتی که اختلافمان بالا گرفت پری مهریه‌اش را که ۴۰۰ سکه طلاست به اجرا گذاشت. حالا قصد دارد حکم جلب مرا بگیرد. من هم آمده‌ام علیه او که فریبکارانه مرا به دام کشیده است شکایت کنم.<sup>۱</sup>

آری تحریک‌پذیری جنسی انسان از طریق حس شنوایی به‌اندازه‌ای زیاد است که حتی صدای خلخال پای زنان نیز ممکن

۱. احزاب (۳۳) آیه ۳۲.

پس [به‌هنگام صحبت کردن با نامحرم] نرم و نازک و رام و دلربا، و با ناز و عشوه سخن مگویید تا آن کسی که بیماردل است تحریک شود و طمع بورزد؛ و سخن معروف و شایسته بگویید.

۱- قدس، ش ۴۶۶۳ (۸۲/۱۲/۲۳) ص ۱۳.

است او را تحریک کند و آنان را به حریم عفاف هم بکشاند! از همین رو قرآن کریم در سفارش به بانوان می‌فرماید:

﴿...لَا يَضْرِبَنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ...﴾<sup>۱</sup>

(ای پیامبر به زنان با ایمان بگو) پاهای خود را [به‌گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینت [باطنی]شان [که در پس پرده چادر و حجاب] نهفته است معلوم گردد.

توضیح مطلب اینکه در گذشته برخی از زنان، خلخال (که نوعی پابند زینتی است) به پا می‌کردند و با کوبیدن پا بر زمین، صدای آن را به گوش دیگران می‌رساندند و همین، سبب توجه و تحریک برخی از نامحرمان می‌شد، بنابراین آیه قرآن نازل گشت و آنان را از این کار نهی کرد؛ و شکی نیست که آیه اختصاص به خلخال تنها ندارد و هر کاری را که مشابه آن باشد نیز شامل می‌شود مثل به‌گوش رساندن صدای پاشنه کفش، و همانند آن.

امام رضا علیه السلام فرموده است:

فَفَرِّضْ عَلَى السَّمْعِ أَنْ لَا تُصْغِيَ بِهِ إِلَى الْمَعَاصِي ...<sup>۲</sup>

بر حس شنوایی واجب شده که با آن به گناهان گوش فرا ندهی.

البته گناهان مربوط به حس شنوایی گونه‌های مختلف دارد که برخی از آنها سبب برانگیختن شهوت می‌شود. همانند گوش دادن به سخن، لهجه و صدای تحریک‌آمیز نامحرم. و نیز گوش دادن به داستان‌ها و ماجراهای محرک شهوت.<sup>۳</sup> و به‌ویژه گوش فرا دادن به موسیقی‌ها و آوازهای تحریک‌کننده. چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده:

الْغِنَاءُ رُقِيَّةُ الزُّنَى.<sup>۴</sup>

آوازه‌خوانی مقدمه زناکاری است.

پس با این توضیح مراد از عفت شنوایی عبارتند از:

۱- پرهیز از گوش فرا دادن به سخن، لهجه و صدای تحریک‌آمیز نامحرم؛

۲- پرهیز از گوش فرا دادن به داستان‌ها، رمان‌ها و ماجراهای محرک عشق و شهوت؛

۳- پرهیز از گوش فرا دادن به موسیقی‌ها و آوازهای تحریک‌کننده.

۱- نور (۲۴) آیه ۳۱.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ۸۹.

۳- تحریک پذیری جنسی انسان از طریق حس شنوایی به اندازه‌ای عمیق و موثر است که حتی برای کودکان نیز اثر منفی دارد. به همین جهت در آموزه‌های دینی به پدر و مادر سفارش شده که از آمیزش در حضور کودکی که صداهای آنها را می‌شنود خودداری ورزند چرا که در غیر این صورت چنین کودکی در بزرگسالی به زناکاری کشیده خواهد شد. «و الذي نفسي بيده لو أن رجلاً غشي امرأته و في البيت صبي مستيقظ يراهما و يسمع كلامهما و نفسهما ما أفلح أبداً إن كان غلاماً كان زانياً أو جاريةً كانت زانية...». وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۳۳، ب ۶۷ ح ۲.

افزون بر این هم‌اکنون ثابت شده است که نوزادان هنگام خواب نیز می‌توانند حرف‌های ما را بشنوند پژوهش‌گران «کینگز کالج» لندن با استفاده از دستگاه MRT، واکنش‌های مغزی ۲۱ نوزاد ۳ تا ۷ ماهه را هنگام خواب زیر نظر گرفتند تا دریابند مغز نوزادان را به صداهای غیرزبانی مانند سرفه و عطسه و دیگر صداهایی که کودک با آنها آشنایی دارد (همانند صدای اسباب‌بازی‌های موزیکال) مقایسه کردند. این بررسی نشان داد در هریک از این موارد، بخش‌هایی از مغز کودک همانند مغز یک انسان بالغ و بیدار پاسخ قوی‌تری به محرک می‌دهد. ... دلیل این فرایند همچنان به صورت یک معما باقی می‌ماند. با این وجود دانشمندان چنین فرض می‌کنند که مغز نوزادان به گونه‌ای شکل گرفته و درهم تنیده شده که همواره هشیار باشد. بخش‌هایی از مغز که در فرایند بقا و زنده‌ماندن نقش دارند زودتر کامل شده‌اند و کمتر به تجربه‌های محیطی پس از تولد وابستگی دارند. حتی ممکن است نوزادان «استراق سمع» را از دوره جنینی و زندگی در رحم مادر یاد گرفته باشند. (قدس، ۹۰/۴/۱۲، ص ۱۲).

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۴ ح ۱۴ و بحار انوار ج ۷۹ ص ۲۴۷، ح ۲۶



### عفت چشایی

#### «عفت در خورد و خوراک»<sup>۱</sup>

چشایی، یکی از حواس پنجگانه آدمی است که طعم و مزه را درک می‌کند و در برابر آن واکنش نشان می‌دهد و نیز یکی از ابزارهای دخیل در پاسخ به غریزه گرسنگی می‌باشد و از جهت چگونگی پاسخ به غریزه گرسنگی، می‌تواند در تحریک یا عدم تحریک غریزه جنسی نقش بیافریند و از این‌رو لازم است این حس کنترل و مدیریت شود. و کنترل آن به پرهیز از موارد ذیل است:

الف) پرهیز از حرام‌خواری؛

ب) پرهیز از خوراکی‌های تحریک‌زا؛

پ) پرهیز از پرخوری.

#### الف) پرهیز از حرام‌خواری

پیش از این در بخش کلیات بیان شد که یکی از عوامل نه‌گانه کنترل غرایز و از جمله کنترل غریزه جنسی، ایمان است؛ هرچه ایمان افزایش یابد و پایدارتر شود آدمی نیز در مهار غرایز سرکش، توانمندتر است. لیکن باید بدانیم که ایمان خود نیز همواره تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار دارد؛ یعنی برخی از کارها سبب افزایش ایمان می‌شود و برخی دیگر سبب کاهش. به‌عنوان نمونه یکی از کارهایی که سبب کاهش ایمان می‌شود حرام‌خواری است. چنان‌که رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

أَكَلُ الْحَرَامِ يَطْرُدُ الْإِيمَانَ.<sup>۲</sup>

حرام‌خواری، ایمان را از انسان دور می‌کند.

بی‌شک وقتی ایمان از قلب انسان دور شود امکان انجام هر گناه و انحراف، و از جمله بی‌عفتی فراهم‌تر می‌شود.

افزون بر این حرام‌خوری سبب می‌شود تا عبادت‌هایی همانند نماز (که بازدارنده از فحشا و منکر و بی‌عفتی است) خاصیت

و کارکرد خودش را از دست بدهد! چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً.<sup>۳</sup>

کسی که یک لقمه حرام بخورد، تا چهل شب، نمازی برایش قبول نمی‌شود. او در نتیجه خاصیتی ندارد.

۱- در روایات اسلامی از عفت چشایی و عفت در خورد و خوراک با عنوان عفت بطن (شکم) یاد شده است. چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خداوند به چیزی برتر از عفت شکم و عفت دامن پرستش نشده است. «مَا عَيْدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عَفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ». (میزان الحکمه، ج ۱۳۱۴)

البته عفت بطن مصادیق فراوان دارد و شامل پرهیز از هر نوع خوراکی حرام می‌شود و بی‌شک از مصادیق آن، پرهیز از پرخوری و خوراکی‌های محرک شهوت و نیز پرهیز از خوردنی‌های حرام می‌باشد.

۲. مواظب العددية، ص ۳۸۷، آیت الله مشکینی.

۳. بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۱۴.

تأثیر مال حرام در زایل کردن ایمان و ارتکاب بزرگترین گناهان، به اندازه‌ای زیاد است که گاهی باور آن دشوار می‌آید. به‌عنوان نمونه یکی از علل مهمی که سبب شد مردان کوفه در روز عاشورا، برای کشتن امام حسین علیه السلام در کربلا گردهم آیند و آن فاجعه عظیم تاریخ را رقم بزنند، حرام‌خواری آنان بود!

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا خطاب به سپاه کوفه و نکوهش از این‌که آنان به سخن حق حضرت گوش نمی‌دهند و دعوتش را نمی‌پذیرند رمز این حالت را همین گرایش به دنیای حرام می‌داند و می‌فرماید:

همه شما فرمان مرا سرپیچی می‌کنید، به سختم گوش فرا نمی‌دهید [حق دارید] چرا که شکم‌هایتان از حرام پر شده است پس بر دل‌های شما مهر خورده [و ایمان رخت بر بسته]؛ وای بر شما چرا ساکت نمی‌شوید و چرا گوش نمی‌دهید و نمی‌شنوید؟!<sup>۱</sup>

پس این اشکال که چطور می‌شود لشکریان یزید نماز می‌خواندند و در عین حال، فرزند پاک پیامبرشان را کشتند پاسخش در همین روی آوردن به دنیای حرام است که خاصیت و کارکرد عبادت را از بین می‌برد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید:

الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ ...<sup>۲</sup>

عبادت همراه با حرام‌خواری، به‌مانند ساختن بنا، روی شن روان است. [که به‌زودی فرو می‌ریزد و کارکردی ندارد].

## حرام‌خواری یعنی چه؟

حرام‌خواری دو مصداق کلی دارد:

(۱) مالی که از طریق کسب‌های حرام، فراهم آمده باشد. مانند:

ربا،<sup>۳</sup> رشوه، سرقت، اختلاس، غضب، کلاه‌برداری، غش، قمار، و ...

و نیز اموالی که خمس یا زکات آن به نائب امام زمان (عج) و مرجع تقلید پرداخت نشده باشد.<sup>۴</sup>

و یا مالیات دولت اسلامی که با حیل و فریبکاری پرداخت نگردد.

و نیز کم‌کاری و از زیرکار شانه خالی کردن در ادارات، مؤسسات، کارخانجات و ... ، به‌طوری که مغایر با قوانین و قرارداد باشد.

(۲) خوراکی‌ها و نوشیدنی‌هایی که فی‌نفسه و خودبه‌خود، خوردن آنها حرام می‌باشد. مانند:

<sup>۱</sup> بحار، ج ۴۵، ص ۸. «وَيَلَكُمْ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تُنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلِي وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الْإِشَادَةِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْتَدِينَ وَمَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَكُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مَلِئَتْ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيَلَكُمْ أَلَّا تُنْصِتُونَ أَلَّا تَسْمَعُونَ».

<sup>۲</sup> بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸.

<sup>۳</sup> دکتر «ایرج توتونچیان» مؤلف کتاب سال اقتصاد در مورخه ۹۳/۸/۳ اعلام کرد: «بانک‌های ما یک‌هزارم درصد هم اسلامی عمل نمی‌کنند؛ سود علی الحساب بانک‌ها همان «ربا»ست!!» (رجانیوز، کد خبر: 208593) به‌راستی اگر بخواهیم درآمد حرام و شبهه‌ناک از جامعه اسلامی رخت برینند بایستی قوانین بانکداری اسلام بر بانک‌ها حاکم شود و از این مهمتر اینکه نظام اقتصادی غرب واژگون گشته و نظام اقتصادی اسلام حاکم گردد. آری تا زمانی که نگاه سیستمی و شبکه‌ای به معضلات نداشته باشیم و مسائل اصلی و فرعی را از هم جدا نکنیم هرگز در رفع مشکلات موفق نخواهیم شد. اینکه می‌بینیم بسیاری از مردم اهل عبادت هستند و در مناسبت‌های مذهبی، حماسه می‌آفرینند ولی در عین حال، عده‌ای قابل توجه، گرفتار انواع انحرافات اخلاقی‌اند ممکن است یکی از علل اصلی آن، همان رواج حرام‌خواری و به‌ویژه رباخواری از طریق برخی بانک‌ها باشد که اثر عبادت‌ها را خنثی می‌کند و آنها را از فحشا و منکر باز نمی‌دارد.

<sup>۴</sup> امام صادق علیه السلام در پاسخ به این پرسش که سبب زناکاری مردم چیست؟ فرمود: به جهت خمس ندادنشان و خوردن حق ما اهل بیت. «أ تدری من آیین دَخَلَ عَلَى النَّاسِ الزُّنَا؟ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام مِنْ قِبَلِ خُمْسِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ». (مقدمه شیخ مفید، ص ۲۸۰. الوسائل باب ۴ من أبواب الانفال، حدیث ۳).

گوشت مردار، گوشت ذبح نشده، گوشت خوک و سایر حیوانات حرام گوشت، شراب<sup>۱</sup>، آبجو، خاک و گل، دنبلان (تخمدان گوسفند و تخمدان سایر حیوانات حلال گوشت) و به طور کلی یازده چیز از بدن حیوانات حلال گوشت که عبارتند از: خون، منی، فضل، غدد، مغز حرام، پی که در دو طرف تیره پشت است، نرینه، فرج، بچه‌دان، نخود مغز، سپرز (طحال)، دنبلان (بیضه‌ها)، مثانه (بول‌دان)، زهره‌دان، مردمک چشم و بنابر نظر برخی، ذات‌الاشجاع که در میان سُم است.<sup>۲</sup>

## حلال خواری و نقش آن در عفاف‌گرایی

همان‌گونه که حرام خواری در زایل شدن ایمان و ارتکاب گناهان تأثیر دارد از سوی دیگر تغذیه حلال و پاکیزه یکی از عوامل رشد ایمان است و سرمنشاء عمل صالح و از جمله عفاف و پاکدامنی می‌باشد. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا...﴾<sup>۳</sup>

ای پیامبران از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید.

زیرا تغذیه سالم و حلال، زمینه گرایش انسان به عمل صالح است.<sup>۴</sup> و با توجه به این‌که نوع تغذیه بی‌شک در روحیات انسان مؤثر بوده و غذاهای مختلف، آثار اخلاقی متفاوتی دارد، ارتباط این دو جمله روشن می‌شود که می‌فرماید: «از غذاهای حلال و پاکیزه بخورید» و «عمل صالح انجام دهید».<sup>۵</sup>

البته عمل صالح مصادیق فراوان دارد که یکی از مصادیق آن، رعایت احکام و آداب عفاف و پاکدامنی است که به فرموده امیرمؤمنان علیه السلام برترین عبادت می‌باشد. «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ».

ناگفته نماند در برخی از روایات «عفت دامن» پس از «عفت شکم» بیان شده، که شاید می‌خواهد ترتب<sup>۶</sup> عفت دامن بر عفت شکم را به گونه‌ای خاطر نشان سازد. چنان‌که امام باقر علیه السلام فرموده:

مَا عُيِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِقَّةِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ.<sup>۷</sup>

خداوند به چیزی برتر از عفت شکم و عفت دامن پرستش نشده است.

## ب) پرهیز از خوراکی‌های تحریک‌زا

برخی از محرک‌هایی که سبب تحریک غریزه جنسی می‌شوند «هورمون‌های جنسی» هستند که از گوناگونا (بیضه مرد و

۱ - حرمت شراب در پنج آیه قرآن کریم بیان شده است: ۶۷ نحل، ۲۱۹ بقره، ۴۳ نساء، ۹۰ و ۹۱ مائده. امام صادق علیه‌السلام در باره علت حرمت شراب فرمودند: [شراب] روشنی و بینش را از او [شرابخوار] می‌گیرد، شرف و غیرت و جوانمردی‌اش را زایل می‌کند و او را به گناهکاری و به کشتن بی‌گناهان و ارتکاب زنا، دلیر می‌سازد ... بر میگسار، جز پلیدی، چیزی افزوده نمی‌شود... (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۴۴).

۲. توضیح المسائل مراجع (سیزده مرجع)، ج ۲، ص ۵۹۶. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳. مومنون (۲۳)، آیه ۵۱.

تفسیر نمونه می‌گوید: قرآن به پیامبران دستور می‌دهد تنها از غذاهای طیب تغذیه کنند. نه تنها به پیامبران، به همه مومنان خطاب می‌کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» ۱۷۲ بقره. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۵۶).

۴. رک: تفسیر راهنما، ج ۱۲، ص ۸۵، برداشت ۱۲.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

۶. ترتب، در لغت به معنای توقف وجود چیزی بر دیگری است.

۷ - میزان الحکمه، ح ۱۳۱۴۱.

در برخی از روایات نیز «آلودگی دامن» پس از «حرام خواری» بیان شده، که شاید می‌خواهد ترتب آلودگی دامن بر آلودگی شکم را به گونه‌ای خاطر نشان سازد. چنان‌که پیامبر گرامی اسلام در پاسخ به این سؤال که بیشترین چیزی که سبب ورود به آتش می‌شود چیست؟ فرمود: دو چیز میان‌تهی که عبارتند از: شکم و دامن. «الْأَجْوَفَانِ الْبَطْنُ وَالْفَرْجُ». (بحار الأنوار، ج ۳، ص ۳۱۴).

تخمدان زن) ترشح می‌گردند. بی‌گمان نوع و کیفیت برخی از خوراکی‌ها و نیز پُرخوری، در افزایش این ترشحات مؤثر است و در نتیجه شهوت جنسی را تحریک می‌کند و از این جهت برای جوان‌ها و به‌ویژه مجردها آسیب‌زا می‌باشد.

لازم به یادآوری است که انواع خوراکی‌ها و تنقلاتی که سبب افزایش هورمون‌های جنسی می‌شود بسیار است به‌گونه‌ای که هر فردی با اندکی تحقیق و بررسی می‌تواند آنها را شناسایی کند؛ لیکن باید توجه داشت که از دیدگاه طب سنتی، مزاج‌ها و طبیعت‌های افراد به‌طور کلی چهار گونه است: ۱- گرم و تر (دموی)؛ ۲- گرم و خشک (صفراوی)؛ ۳- سرد و تر (بلغمی)؛ ۴- سرد و خشک (سوداوی).<sup>۱</sup> بر همین اساس، ممکن است یک خوراکی برای فردی محرک باشد و برای دیگری چنین نباشد. و البته با اندکی تأمل و تجربه، هر کسی می‌تواند خودش تشخیص دهد که چه خوراکی‌هایی سبب ترشح بیشتر هورمون‌هایش می‌شود و در صورتی که جوان و مجرد است از مصرف زیاد آنها بپرهیزد.

### پ) پرهیز از پُرخوری

پُرخوری نیز همانند خوراکی‌های تحریک‌زا، در افزایش ترشحات هورمونی مؤثر است و در نتیجه شهوت جنسی را تحریک می‌کند. چنان‌که امام صادق علیه السلام در حدیثی به این موضوع اشاره کرده و فرموده: «پرخوری، تحریک شهوت به‌بار می‌آورد».<sup>۲</sup> بنابراین کسانی که دغدغه عفاف‌گرایی و پاکدامنی دارند باید تا جایی که ممکن است از خوراکی‌های محرک شهوت و پرخوری خودداری کنند؛ به‌ویژه آنان که مجرد و جوان هستند و از طریق مشروع نمی‌توانند نیاز غریزه جنسی خود را برآورند.

### دو نکته تفسیری

قرآن کریم در یک دستورالعمل عام و فراگیر می‌فرماید:

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ﴾<sup>۳</sup>

انسان بایستی به طعام خویش بنگرد.

با توجه به تفسیرهایی که از این آیه شریفه شده، نگرش به طعام، معانی گسترده و عام می‌تواند داشته باشد با مصادیق فراوان؛ که یک مصادیق تحقیق و بررسی در باره حلال و حرام بودن طعام است و همان‌گونه که اشاره شد طعام حرام، ایمان را از انسان دور می‌کند و شکی نیست که وقتی ایمان از دل انسان دور شود ارتکاب هر نوع بی‌عفتی سهل و آسان می‌گردد.<sup>۴</sup> و مصادیق دیگر آن، بررسی در تحریک‌زا بودن یا نبودن طعام می‌باشد که اگر تحریک‌زا باشد برای مجردها آسیب‌زاست. و سومین مصادیقش، نظارت به مقدار غذای مصرفی می‌باشد. تا به پُرخوری نیانجامد و تحریک شهوت به‌بار نیاورد؛ به‌ویژه برای جوان‌ها و مجردها.

۱- لازم به یادآوری است که بحث طبیعت‌های چهارگانه در روایات اسلامی مطرح شده و مورد تأیید امامان معصوم که سلاطین علوم و دانش‌های گوناگون هستند می‌باشد. بنابراین کسانی که به این مطلب ایراد می‌گیرند بهتر است در دانش خود تجدید نظر کنند.

۲- میزان‌الحکمه، ج ۵۸۸. «لَيْسَ شَيْءٌ أَضْرَّ لِقَلْبِ الْمُؤْمِنِ مِنْ كَثْرَةِ الْأَكْلِ وَ هِيَ مُورَثَةٌ لِشَيْئَيْنِ: قَسْوَةُ الْقَلْبِ، وَ هَيْجَانُ الشَّهْوَةِ.» برای قلب و روح مؤمن چیزی زیان‌بارتر از پرخوری نیست و آن دو چیز به‌جای می‌گذارد: قساوت قلب و تحریک شهوت.

۳- عبس (۸۰) آیه ۲۴.

۴- لازم به یادآوری است که انواع غذاها، میوه‌ها و نوشیدنی‌ها، در بدن انسان تبدیل به خون می‌شوند و از این طریق در چگونگی اندیشه و خلق و خوی آدمی اثر می‌گذارند؛ خوراکی‌های سالم، پاکیزه و حلال، اثر مثبت؛ و خوراکی‌های فاسد، ناپاک و حرام، اثر منفی؛ چنان‌که در قرآن کریم به مناسبت داستان اصحاب کهف، به این واقعیت اشاره شده است؛ به این صورت که وقتی اصحاب کهف از خواب سیصدساله برخاستند و احساس گرسنگی شدید کردند، یکی از یاران خود را مأمور نمودند تا به شهر برود و طعامی پاکیزه فراهم آورد. «فَاتَّبَعُوا أَحَدَكُمْ بِوَرْقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ لَهَا آزْكَىٰ طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ...»<sup>۵</sup> «اکنون یک نفرتان را با این سکه خود به شهر بفرستید و [او] باید بنگرد کدام دکان شهر، طعام پاکیزه‌تری دارد و برای شما قوتی از آن [بخرد و] بیاورد».

نکته دیگر اینکه پرخوری و مصرف خوراکی‌های محرک شهوت توسط مجردها، می‌تواند یکی از مصادیق اسراف قلمداد شود که در آیه شریفه «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۱</sup> از آن نهی شده است. چه اینکه به فرموده امیرمؤمنان علیه السلام «پر خوری یکی از مصادیق اسراف است. «قِلَّةُ الْأَكْلِ مِنَ الْعَفَافِ وَ كَثْرَتُهُ مِنَ الْإِسْرَافِ»<sup>۲</sup>.

و بنا به روایتی از رسول گرامی اسلام، یکی دیگر از مصادیق اسراف آن است که آدمی هرچه را که هوس کرد بخورد. «إِنَّ مِنَ الْإِسْرَافِ أَنْ تَأْكَلَ كُلَّ مَا اشْتَهَيْتَ»<sup>۳</sup>.

بنابراین اگر جوانی مجرد، از روی هوس، خوراکی‌های محرک شهوت مصرف کند، اسراف نموده و مشمول نهی در آیه شریفه «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» می‌شود.

مولوی نیز گوید:

پس «كُلُوا» از بهر دام شهوت است بعد از آن «لَا تُسْرِفُوا» آن عفت است؛ یعنی، اینکه خداوند به استفاده از نعمت‌ها فرمان داده، برای فعال‌سازی قوا و نیروهای انسانی است و اینکه بعد از آن به عدم زیاده‌روی توصیه کرده، برای رعایت عفاف است. شایان ذکر است که عدم آموزش تغذیه درست و برخوردار نبودن از رژیم غذایی به‌ویژه در سنین جوانی و دوران مجردی یکی از عوامل جدی تحریک غریزه جنسی می‌باشد که باید کیفیت و کمیت آن در سبک زندگی قرآنی و اسلامی برای اقشار و سنین مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

۱ - اعراف (۷) آیه ۳۱.

۲ - میزان الحکمه، ح ۵۸۳. کم‌خوری از عفاف و پرهیزگاری است و پرخوری از مصادیق اسراف.

۳ - تفسیر راهنما، ج ۵، ص ۵۱۶.

۴ - مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ص ۷۶۳.

## عفت بویایی

بویایی یکی دیگر از گیرنده‌های حسی انسان است که وجود آن برای حیات آدمی بسیار لازم و ضروری می‌باشد. این حس در برابر انواع بوها و از جمله بوی خوش واکنش نشان می‌دهد؛ بدین‌سان که بوی خوش، توجه انسان را به‌سوی کانون خود جلب می‌کند و بدان علاقه‌مند و دلبسته می‌سازد.

البته واکنش افراد در برابر انواع بوها یکسان نیست، چرا که یک بوی خاص، ممکن است برای کسی تحریک‌کننده باشد و برای دیگری چنین نباشد.

با این توضیح، هرگاه که بویی سبب تحریک نامشروع شود، آدمی باید از استشمام آن بپرهیزد و از کانون آن فاصله بگیرد و خود نیز هرگز به انگیزه تحریک نامحرمان از بوی خوش استفاده نکند.

بنابراین بحث در عفت بویایی در دو محور می‌باشد:

الف) پرهیز از استشمام بوهای محرک شهوت

ب) پرهیز از استعمال عطر، به انگیزه تحریک نامحرمان

### الف) پرهیز از استشمام بوهای محرک شهوت

قرآن کریم در آیه شریفه ﴿وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا﴾<sup>۱</sup> امر به عفاف‌پیشگی نموده است و شکی نیست که این امر، زمانی به‌طور کامل تحقق می‌یابد که آدمی از هر عامل تحریک نامشروع بپرهیزد و بی‌گمان بوی خوش نامحرم، یکی از همان عوامل تحریک‌زا است که باید از آن پرهیز شود.

شایان ذکر است تحقیقات دانشمندان حکایت از آن دارد که برخی از بوها در تحریک غریزه جنسی و برخی دیگر در عدم تحریک غریزه تأثیر دارد. به‌عنوان نمونه «نوام سوبل» محقق مؤسسه عصب‌شناسی می‌گوید:

از اشک زنان سیگنال‌هایی در قالب بو به مردان منتقل می‌شود که این سیگنال‌ها تمایل مردان به زنان را کاهش می‌دهد، زیرا به‌طور مستقیم روی هورمون تستوسترون مردان اثر می‌گذارد.<sup>۲</sup>

### ب) پرهیز از استعمال عطر به انگیزه تحریک نامحرمان<sup>۳</sup>

افزون بر اینکه آدمی نباید بوهای محرک شهوت را استشمام کند خود نیز نباید به انگیزه تحریک شهوت دیگران و جلب توجه نامحرمان، بوی خوش استعمال نماید. زیرا که این کار، یعنی اعانت بر گناه، و کمک کردن دیگران به بی‌عفتی و انحرافات

۱ - نور (۲۴) آیه ۳۳.

اگر کسی اشکال کند به اینکه روایت و دلیلی خاص در باره پرهیز از استشمام بوی محرک شهوت نداریم. در پاسخ می‌گوییم دلیل عام که امر به عفاف‌گرایی نموده است داریم و همین شامل هر چیزی که محرک شهوت نامشروع باشد می‌شود و مورد بحث ما را نیز در برمی‌گیرد. و یکی از دلایل عام آیه شریفه ﴿وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا﴾ است.

۲ - هفته نامه غذا و خراسان، ۱۳۸۹/۱۱/۲، ص ۱۳، ش ۸۲.

۳ - این بحث در فصل «عفت در رفتار» نیز قابل طرح است و شاید جایگاه اصلی آن در همان‌جا باشد لیکن به جهت انس ذهنی مخاطبین در اینجا آورده شده است.

اخلاقی؛ و حال اینکه قرآن کریم از آن نهی فرموده است:

﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾<sup>۱</sup>

بر ارتکاب گناه و تجاوز از حدود الهی، کمک کار یکدیگر نباشید.

لازم به یادآوری است که استعمال بوی خوش برای مردان به انگیزه‌های الهی در مجامع عمومی و به‌ویژه در عبادتگاه‌ها و زیارتگاه‌ها بسیار پسندیده است لیکن همین مسئله در باره زنان آنگاه که بوی خوش آنها به مشام مردها برسد مورد پسند دین و شریعت نمی‌باشد. چرا که انگیزه شهوانی در مردان قوی‌تر و پاسخ آنان به تحریک‌کننده‌ها سریع‌تر و توان آنان برای ورود به قلمرو جنس مخالف بیشتر است.

قرآن کریم در یک بیان عام و فراگیر، به زنان سفارش می‌کند زینت‌های خود را جز برای شوهران و محرمان خویش آشکار نسازند. ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ...﴾<sup>۲</sup>

و از آنجا که استعمال عطر یکی از مصادیق زینت است<sup>۳</sup> بنابراین نباید برای نامحرمان مورد استفاده قرار گیرد.

<sup>۱</sup> - مانده (۵) آیه ۲.

<sup>۲</sup> - نور (۲۴) آیه ۳۱. و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [=کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند.

<sup>۳</sup> . یکی از مصادیق زینت، استعمال عطر و بوی خوش به هنگام مسجد رفتن است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده: «امام سجّاد (ع) در شبی سرد در حالی که ردا و عمامه‌ای از خز پوشیده و بوی خوش نیز استعمال کرده بود، به خادم خود برخورد نمود. خادم عرض کرد: فدایت شوم در این ساعت از شب با این هیئت نیکو به کجا می‌رویید؟ امام سجّاد (ع) فرمود: به مسجد جدم پیامبر (ص) به خواستگاری حورالعین از خداوند عزّ و جلّ می‌روم». (کافی، ج ۶ ص ۵۱۷، ح ۵)

این حدیث شریف گویای آن است که استعمال عطر به هنگام وارد شدن به مسجد، مطلوب و زینت محسوب می‌شود. از باب «خذا زینتکم عند کل مسجد».

### عفت بساواپی<sup>۱</sup>

یکی از گیرنده‌های حسی، پوست بدن و حس لامسه است که در تحریک غریزه جنسی، نقش به‌سزایی دارد؛ این گیرنده حسی در اثر مجاورت یا تماس با برخی از محرک‌ها، سبب تحریک غریزه جنسی می‌شود و آدمی را به رفتارهای شهوانی وامی‌دارد.

تماس‌های تحریک کننده به‌لحاظ شدت و ضعف از مراتب گوناگون برخوردارند و از دیدگاه شریعت اسلام، انواع لمس‌ها و تماس‌های مکروه و حرام را شامل می‌شوند.

با این توضیح، مراد ما از عفت بساواپی در این بحث، پرهیز از هر انحراف اخلاقی است که مرتبط با حس لامسه می‌باشد که به جهت گستردگی مباحث فقط فهرست آنها بیان می‌شود:

- (۱) پرهیز از نشستن در کنار نامحرم
- (۲) پرهیز از نشستن در جای گرم نامحرم
- (۳) پرهیز از دست‌دادن به نامحرم
- (۴) پرهیز از خودارضایی
- (۵) پرهیز از مباشرت
- (۶) پرهیز از تقبیل
- (۷) پرهیز از خوابیدن با هم‌جنس در زیر یک روانداز
- (۸) پرهیز از همبستری در ایام عادت ماهانه
- (۹) پرهیز از حیوان‌بازی
- (۱۰) پرهیز از زنا (آمیزش با غیر همجنس)
- (۱۱) پرهیز از لواط (هم‌جنس‌بازی مردان)
- (۱۲) پرهیز از مساحقه (هم‌جنس‌بازی زنان)
- (۱۳) پرهیز از مرده‌بازی
- (۱۴) پرهیز از بچه‌بازی

برای توضیح موارد یادشده می‌توان به کتاب درسنامه عفاف مراجعه کرد.

۱ - پرهیز از محرک‌های نامشروعی که مرتبط با حس لامسه است را عفت بساواپی گویند.



## عفت در پوشش

لباس و پوشاندن بدن یکی از نیازهای انسان است که او را از سرما و گرما محافظت می‌کند و افزون بر این می‌تواند مایهٔ تجمل و زینت نیز باشد و همراه با رنگ و مدل‌های خاص، در تحریک یا عدم تحریک غریزهٔ جنسی خود یا دیگران مؤثر واقع شود و آنگاه که سبب تحریک نامشروع گردد لازم است از آن بپرهیزد.

با این توضیح مراد ما از «عفت در پوشش» به معنای پرهیز از پوشش‌های تحریک‌زاست؛ (پوشش‌هایی که جذابیت‌های جنسیتی زن یا مرد را نمایان و آشکار سازد و برای خود یا دیگران ایجاد تحریک کند).

تحریک‌زا بودن لباس هم در یک تقسیم‌بندی، به ۴ صورت ممکن است انجام پذیرد:

- یا به نوع و مدل لباس است. (مانند لباس‌های کوتاه، تنگ و چسبان)؛<sup>۱</sup>

- یا به جنس لباس است. (مانند لباس‌های نازک و بدن‌نما؛ و یا بسیار نرم یا زبر، در خصوص لباس‌های زیر)؛

- یا به رنگ لباس است. (مثل رنگ‌های برّاق، روشن و جذّاب)؛

- یا به نوع آرم و تصویر و کلمات خاصی که بر روی لباس نقش بسته است.<sup>۲</sup>

چراکه لباس‌های یاد شده می‌تواند به‌گونه‌ای خود انسان یا بینندگان را تحریک کند و به انحرافات اخلاقی بکشاند و به‌عکس، پوشیدن لباس‌های موقر و آراسته، و رعایت حجاب اسلامی، آدمی را از برخی انحرافات باز می‌دارد.

## بررسی کلید واژهٔ حجاب

حجاب، واژهٔ عربی است به معنای منع کردن؛ و از آنجا که به صورت اسم فاعل به‌کار رفته، به‌معنای مانع و منع‌کننده می‌باشد.<sup>۳</sup> به پرده، حجاب می‌گویند، زیرا مانع از دیدن است. و به دربان، حاجب گفته می‌شود، زیرا وی مانع از ورود افراد است.

و به چادر بانوان نیز حجاب گویند چون مانع از دیده شدن نموده‌ها و جاذبه‌های جنسیتی آنان است.

این واژه در قرآن کریم به‌معنای پرده‌ای که مانع از نگاه و اختلاط باشد نیز به‌کار رفته است:

﴿وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾<sup>۴</sup>

و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را از آنان (زنان) درخواست می‌کنید از پشت پرده درخواست کنید؛

این کار برای پاکی دل‌های شما و آنان بهتر است!

<sup>۱</sup> - روان‌شناسان می‌گویند: «گیرنده‌های حسی، بخصوص گیرنده‌های پوست نقش به‌سزایی در تحریک سابق جنسی دارند، لباس‌های تنگ و برخی از تحریکات دیگر موجب به‌کار افتادن مکانیزم تحریک‌کننده سابق جنسی است.» روان‌شناسی عمومی دانشسرا، ص ۹۶. همچنین در بارهٔ کیفیت لباس «زیر» باید دقت شود به‌گونه‌ای که نباید تنگ و چسبان باشد و نیز نباید بسیار نرم یا بسیار زبر. و از مواد کاملاً نفتی هم ساخته نشده باشد. زیرا لباس زیر اگر از جنس مواد نفتی یا پشم و کرک و یا تنگ و چسبان باشد در اثر ایجاد گرما، سبب افزایش جریان خون در آن ناحیه می‌شود و در نتیجه تحریکات جنسی نیز بیشتر می‌گردد و برای مردان نارسایی‌های دیگر همانند عدم باوری هم در پی خواهد داشت.

<sup>۲</sup> . رجوع کنید به گزارش «مانور کلمات مستهجن در خیابان‌ها»: <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=282731>

<sup>۳</sup> - مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۴.

<sup>۴</sup> - احزاب (۳۳) آیهٔ ۵۳.

در روایات اسلامی و در کلام فقهای متقدم نیز در هیچ جا حجاب به معنای پوشش استعمال نشده است. لذا شهید مطهری در کتاب «مسئله حجاب» خاطر نشان می‌کند:

استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «سَتر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصَّلَاة و چه در کتاب النِّکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه سَتر را به کار برده‌اند نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب «پرده» است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.<sup>۱</sup>

در پاسخ به شهید مطهری می‌گوییم اصل واژه حجاب به معنای پرده نیست که اشکالات یاد شده را در پی آورد بلکه به معنای مانع و حایل است. و از آنجا که پوشش کامل، مانع از دیده شدن و نمایان گشتن ویژگی‌ها و جاذبه‌های جنسیتی است به تدریج در عرف اهل شریعت تحت عنوان حجاب مصطلح گشته، و این اصطلاح بسیار به جا می‌باشد چرا که تأمین کننده نظر شریعت است و عفت در پوشش را تحقق می‌بخشد و علاوه بر حجاب بانوان، حجاب آقایان را هم شامل می‌شود. (البته با تفاوت‌هایی که اختصاص به هر جنس دارد).

### رابطه حجاب و عفاف

پیش از این یادآور شدیم که واژه عفاف به معنای خویشتنداری و پرهیز می‌باشد<sup>۲</sup> و پرهیز، پدید آمدن حالتی است برای نفس، که آدمی را از غلبه شهوت باز می‌دارد<sup>۳</sup> و اغلب همراه با ظهور و بروز و نمود بیرونی است.<sup>۴</sup> مثلاً فرد عقیف به محض مواجهه با صحنه تحریک‌زا، بی‌درنگ چشم فرو می‌گیرد و بدین ترتیب عفت دیدگانش را پاس می‌دارد و یا از پوشش تحریک‌زا و اغواگر می‌پرهیزد و بدین گونه در ظاهر، حجاب و عفت در پوشش را رعایت می‌کند. و به عکس فرد بی‌عفت چون در نفس خویش حالت پرهیز ندارد رفتارهای بیرونی‌اش غالباً تحریک‌زا و فسادآور است. چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

فَسَادُ الظَّاهِرِ مِنْ فَسَادِ البَاطِنِ.<sup>۵</sup>

فساد ظاهر، ناشی از فساد باطن است.

البته ممکن است فردی ادعا کند که از روی عادت غلط و یا تحت تأثیر محیط اجتماع و خانواده، ظاهری نامناسب دارد ولی در درون، آدمی عقیف است! در پاسخ می‌گوییم: به فرض درست بودن این ادعا، اولاً از رفتارهای تحریک‌زای او، برخی افراد به بی‌عفتی کشیده می‌شوند و بی‌عفت کردن دیگران امری است ناشایست و غیرعقیفانه. و ثانیاً در دراز مدت، ظاهر در باطن

۱ - مسئله حجاب، ص ۷۳.

۲ - لسان العرب: «العفة: الْكَفُّ عَمَّا لَا يَجِلُّ وَ يَجْمَلُ» عفت یعنی پرهیز و خودداری از آنچه حلال و پسندیده نیست.

۳ - راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «الْعِفَّةُ حُصُولُ حَالَةٍ لِلنَّفْسِ تَمْتَنِعُ بِهَا عَنِ غَلْبَةِ الشَّهْوَةِ» عفت، پدید آمدن حالتی است برای نفس، که آدمی را از غلبه شهوت باز می‌دارد.

۴ - در کلامی از امیرمؤمنان علیه السلام به دو ساحت بیرونی و درونی عفاف اشاره شده است: «عَلَيْكُمْ بِزُومِ الْعِفَّةِ وَ الْأَمَانَةِ فَإِنَّهُمَا أَشْرَفُ مَا أَسْرَزْتُمْ وَ أَحْسَنُ مَا أَعْلَنْتُمْ وَ أَفْضَلُ مَا ادَّخَرْتُمْ» بر شما باد به عفاف پیشگی و امانت‌داری، چه این دو، شریف‌ترین صفتی است که در نهان دارید و نیکوترین رفتاری است که آشکار می‌کنید و برترین فضیلتی است که ذخیره می‌کنید. (آمدی ۲۵۶/۴) پس مفروض کلام امیرمؤمنان علیه السلام این است که عفاف، هم بخش پوشیده و درونی دارد و هم ساحت آشکار و پیدا. و بر هر دو کاربست عفاف درست و رواست. (برای تکمیل این بحث رجوع شود به بخش کلیات عنوان «آیا عفاف امری است صرفاً درونی؟»).

۵ - بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۹۵.

تأثیر می‌گذارد و سرانجام او را به بی‌عفتی در درون می‌کشاند. همچنان که عکس آن نیز صادق است، یعنی فرض کنید فردی در درون، بی‌عفت باشد ولی همواره از پوششی عفیفانه استفاده کند این استفاده از پوشش عفیفانه، به تدریج در باطن فرد بی‌عفت، اثری نیکو می‌گذارد و سرانجام فرد را در باطن نیز عفیف می‌گرداند. بنابراین رابطه حجاب و عفاف، رابطه‌ای دو سویه است و از باب رابطه ظاهر و باطن می‌باشد.

## تأثیر ظاهر بر باطن

این که آیا ظاهر انسان می‌تواند در باطنش تأثیرگذار باشد؟ بحثی است که در علوم تربیتی به آن پرداخته شده و هیچ اندیشمندی ژرف‌نگر منکر آن نمی‌باشد، و حتی برخی از صاحب‌نظران آن را به‌عنوان یک مبنا و اصل پذیرفته‌اند و معتقدند:

ظاهر انسان دست‌اندرکار نقش‌زنی بر باطن اوست؛ هر گاه نقشی بر پیکر انسان نمودار شود، شبّحی با رنگ و بوی خود در باطن خواهد افکند. شگفت‌تر آن است که اگر این نقش با تکلّف و تصنع نیز به خود بسته شود، باز طنینی درونی خواهد داشت. و چنین است که تباکی<sup>۱</sup> به بار<sup>۲</sup> "بکاء" می‌نشیند و تحلّم به بار حلّم. تباکی، "نقش گریه" بازی کردن است و تحلّم، "نقش بردباری" بازی کردن و این هر دو بازی، گاه جدی می‌شود (رُبَّ جِدِّ جَرَّةٍ اللَّعِبُ: بسا جدیت‌ها که در پی بازی می‌آیند). در این باب، رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «مَنْ يَتَصَبَّرْ يَصْبِرْهُ اللَّهُ». هر که خود را به چهره صابران در آورد خداوند او را صبورش می‌کند. امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَن تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ»<sup>۳</sup>. اگر بردبار نیستی پس خود را بردبار جلوه ده؛ چه، کم پیش می‌آید که کسی خود را به گروهی شبیه سازد و جزو آنها نشود. ... نقش‌زنی ظاهر بر باطن، اختصاصی به ظواهر پسندیده ندارد. هرگاه رفتار یا گفتاری مذموم نیز بر جوارح آدمی نمودار شود آهنگی باطنی خواهد انگیخت. از این رو لقمان حکیم به فرزندش توصیه کرد که به هنگام راه رفتن، با تفرعن بر زمین گام مزن. ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمَسْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا...﴾<sup>۴</sup> تفرعن، نقش است؛ اما حاصل آن فرعونی شدن دل است.<sup>۵</sup>

امام خمینی (ره) نیز در کتاب اربعین حدیث در باره تأثیر ظاهر می‌گوید:

انسان شرعی، عبارت از آن است که موافق مطلوبات شرع رفتار کند و ظاهرش، ظاهر رسول اکرم ﷺ باشد و تأسی به آن بزرگوار بکند در جمیع حرکات و سکانات و در تمام افعال و تروک. و این امری است بس ممکن؛ زیرا که ظاهر را مثل آن سرور کردن امری است مقدور هر یک از بندگان خدا. و بدان که هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود مگر آنکه ابتدا کند انسان از ظاهر شریعت. و تا انسان متأدّب به آداب شریعت حقّه نشود، هیچیک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود. و پس از انکشاف حقیقت و بروز انوار معارف در قلب نیز متأدّب به آداب ظاهر خواهد بود. و از این جهت دعوی بعضی باطل است که به ترک ظاهر، علم باطن پیدا شود یا پس از پیدایش آن، به آداب ظاهره احتیاج نباشد. و این از جهل گوینده است به مقامات عبادت و مدارج انسانیت.<sup>۶</sup>

۱ - مستحب است نمازگزار در قنوت وتر، اگر گریستن نمی‌تواند، تباکی کند.

۲ - نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷.

۳ - لقمان (۳۱) آیه ۱۸. و از مردمان [به نخوت] رخ برمتاب، و در زمین به تکبر راه مرو ...

۴ - برگرفته از: نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۹۰، دکتر خسرو باقری.

۵ - چهل حدیث، ص ۸، موسسه نشر آثار امام خمینی، چاپ هجدهم، خرداد ۱۳۷۸.

بنابر آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت و ویژگی ظاهری و بیرونی انسان می‌تواند در دگرگونی باطن و درون، مؤثر باشد، همان‌سان که روح و باطن انسان می‌تواند در ظاهرش تأثیر بگذارد.

پس یکی از راه‌های اصلاح درون آن است که آدمی لباس و پوشش را اصلاح کند. چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيْقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ.<sup>۱</sup>

لباس‌هایی که بدن را به‌خوبی می‌پوشانند، بپوشید؛ چرا که هرکس لباسش نازک و بدن نما شود، عقاید و رفتارهای دینی‌اش نیز ضعیف و سست گردد.<sup>۲</sup>

### شگفت‌آور نبودن تأثیر ظاهر بر باطن

اینکه آراستگی ظاهر، در سلامت باطن و قلب و روح انسان نقش دارد شگفت‌آور نیست؛ چنان‌که همه ما انسان‌ها، خانه‌ای مستحکم و استوار می‌سازیم تا در درون آن به استراحت و آرامش بپردازیم و از سرما و گرما و برف و باران، در امان بمانیم. اینک پوشش مناسب نیز همانند خانه‌ای استوار، می‌تواند به انسان امنیت و آرامش بخشد و او را تا اندازه‌ای، از انحرافات اخلاقی بازدارد. اکنون در علم روان‌شناسی ثابت شده است که رنگ‌ها در روان انسان تأثیر دارند و نیز اسم افراد، در شخصیت درونی آنها مؤثر است، با اینکه رنگ و اسم از امور ظاهری هستند. پس این دو نمونه از تأثیر بیرون بر درون، و ظاهر بر باطن است و چندان شگفت‌آور نیست.

### فلسفه و فایده‌های حجاب

حجاب و یا به تعبیر دیگر «عفت در پوشش» به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که به فرموده قرآن کریم، حتی اگر زنان سالخورده هم، آن را رعایت کنند برایشان بهتر است.

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ...﴾<sup>۱</sup>

بر زنان وانشسته و سالخورده‌ای که امید ازدواج ندارند، گناهی نیست که لباس‌ها [چادر و مقنعه]ی<sup>۲</sup> خود را کنار بگذارند به شرط آنکه خودآرایی نکنند و زینتی را آشکار نسازند و اگر عفت بورزند [و خود را بپوشانند] برای آنان بهتر است.

از این آیه به‌خوبی استفاده می‌شود که پوشش بدن و اندام، و زینت‌های خود را در معرض نگاه نامحرم قرار ندادن، یکی از مصادیق رعایت عفاف و پاکدامنی به‌شمار می‌آید و فایده‌های فراوان دارد، به‌گونه‌ای که قرآن کریم با واژه «خَيْرٌ لَهُنَّ» از آن یاد کرده است؛ و بی‌شک وقتی حجاب برای زنان سالخورده، دارای فایده باشد، برای زنان و دختران جوان سودمندتر است و فایده‌های گوناگون در پی دارد<sup>۳</sup> ما در این جزوه فقط، فهرست فایده‌ها را بیان می‌کنیم که برای توضیح آنها می‌توان به کتاب

۱ - میزان الحکمه، ج ۹، ۱۸۱۰۹.

۲ - استفاده از لباس‌های نازک در غیر از روابط زناشویی یا همسر، اغلب با دینداری و حیا و پاکدامنی سازگاری ندارد.

۱- نور (۲۴) آیه ۶۰.

۲- وسائل‌الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۲.

۳ - نویسنده محترم کتاب «جلوه‌نمایی زنان و نگاه مردان» در صفحه ۱۳ خاطر نشان می‌کند: «بر پایه نظرسنجی و تحقیق هشت ساله نویسنده پیرامون علت کم توجهی دختران و زنان به حجاب، این نتیجه به دست آمد که اساسی‌ترین علت این پدیده ناآگاهی است. از پانصد نفر بانوی کم حجاب، اظهارات هشتاد درصد از آنان نشان می‌داد که بی‌اطلاعی از فواید و آثار پوشیدگی و پیامدهای ناپوشیدگی، اصلی‌ترین عامل کم حجابی ایشان است». نتیجه آنکه لازم است همواره فواید حجاب و آنگاه زیان‌های بدحجابی بیان گردد تا فرهنگ حجاب اسلامی نهادینه شود.

درسنامه عفاف مراجعه کرد و این فواید عبارتند از:

- ۱) حجاب و حفاظت از گوهر عفاف
- ۲) حجاب و پرورش عفاف
- ۳) حجاب و امنیت فردی و اجتماعی
- ۴) حجاب و شخصیت
- ۵) حجاب و آزادی
- ۶) حجاب و پایداری جمال
- ۷) حجاب و آرامش
- ۸) حجاب و سلامت موها
- ۹) حجاب و استحکام خانواده
- ۱۰) حجاب و رشد و پویایی جامعه
- ۱۱) حجاب، نشانه عبودیت و تاج بندگی و مایه افتخار
- ۱۲) حجاب، نماد تمدن اسلامی

### زیان‌ها و آسیب‌های بدحجابی

هر آنچه در باره فلسفه و فایده‌های حجاب اسلامی گفته شد عکس آن در باره بدحجابی صادق است. به این صورت که فرد بدحجاب امنیت فردی خود را به مخاطره می‌افکند؛ اسیر هوای نفس و شیطان شده و طعم آزادی حقیقی که در سایه عبودیت خداوند به دست می‌آید نمی‌چشد؛ در اثر آرایش‌های مکرر، زیبایی و جمالش را از دست می‌دهد؛ از اینکه آیا مورد پسند دیگران است یا نه؟ همواره در استرس و پریشانی و نگرانی به سر می‌برد و هرگز آرامش نمی‌یابد؛ اگر چنانچه متأهل باشد انرژی غریزه جنسی‌اش به هدر می‌رود و در نتیجه پایه‌های زندگی زناشویی‌اش متزلزل و لرزان می‌شود و بستر نزاع و طلاق و جدایی فراهم می‌گردد؛ و از همه مهمتر اینکه شهوت مردان را تحریک می‌کند و به پی‌آمدهای زیانبار می‌انجامد.

### فهرستی مختصر از زیان‌های بدحجابی:

- ۱- تزلزل و سستی بنیاد خانواده خود و دیگران.
- ۲- سختی و تنگی زندگی و عدم آرامش (به جهت ارتکاب گناه).
- ۳- مورد سوء استفاده ابزاری گروهک‌های ضد نظام اسلامی قرار گرفتن و پرچم استعمار گشتن.
- ۴- گرفتاریها و دشواریهای بدحجابی به‌خاطر پیروی از مدها و مدل‌های غربی و آرایش‌های آنچنانی.
- ۵- اسیر شیطان و هوای نفس گشتن و آزادی حقیقی را از دست دادن.
- ۶- بی‌وقاری و سبک‌سری و از دست دادن حیا.
- ۷- مورد آزار و اذیت هوسرانان قرار گرفتن و امنیت فردی و اجتماعی را از دست دادن.
- ۸- سقوط شخصیت به جهت تحریک شهوت.

۹- گرفتار امراض، حوادث و بلاهای طبیعی گشتن (به جهت ارتکاب این گناه).

۱۰- خلل در فعالیت‌های علمی، اقتصادی و خدماتی.

۱۱- گرفتار شدن به عذاب سخت و سوزان آخرت.

### علل و عوامل بدحجابی و راه‌های درمان آن

برای درمان هر بیماری نخست باید علت و سبب آن را یافت و سپس به درمان و مداوای آن پرداخت. کسانی که به بدحجابی روی می‌آورند انگیزه‌های متفاوت دارند، به بیان دیگر، کسی که بدحجاب است دست کم یک علت و یک انگیزه او را بدحجاب کرده است. پس برای درمان بدحجابی، نخست باید علت و انگیزه و یا علت‌ها و انگیزه‌های آن را یافت و سپس به مداوای آن پرداخت.

فهرست برخی از علت‌ها و انگیزه‌های بدحجابی عبارتند از:

- ۱- شیک و زیبا پوشی
- ۲- تنوع طلبی
- ۳- تربیت خانوادگی و پیروی از بزرگان خاندان
- ۴- تأثیرپذیری از محیط و اجتماع
- ۵- تأثیرپذیری از دوستان نابهنجار
- ۶- تقلید و پیروی از مسئولان و خانواده‌های آنان و سلبریتی‌ها
- ۷- اعتراض، مخالفت و لجاجت
- ۸- خودنمایی
- ۹- فخر فروشی، برتری جویی و شهرت طلبی
- ۱۰- غریب‌دگی
- ۱۱- دشواری رعایت حجاب
- ۱۲- محدودیت‌آوری حجاب
- ۱۳- ترس از تمسخر و استهزاء
- ۱۴- خواستگاریابی
- ۱۵- روسپی‌گری و خود فروشی
- ۱۶- لذت جویی جنسی
- ۱۷- عادت
- ۱۸- بهانه قرار دادن رفتارهای غیرعیفانه برخی از حجاب‌داران
- ۱۹- اشکال‌ها و ایرادهای بی‌پاسخ در باره حجاب
- ۲۰- تأثیرپذیری از برخی رسانه‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های داخلی و خارجی و شبکه‌های ماهواره‌ای و حجاب‌هراسی

۲۱- ضعف اعتقاد به خدا و معاد

۲۲- فشار، اجبار و تهدید

برای توضیح موارد یادشده می‌توان به کتاب درسنامه عفاف مراجعه کرد.

## اسلام و حجاب

در دین مبین اسلام تأکید فراوان بر حفظ حجاب شده است هم در آیات قرآن کریم، و هم در روایات امامان معصوم علیهم‌السلام.  
قرآن کریم در آیه ۵۹ احزاب می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ... ﴾<sup>۱</sup>

ای پیامبر به همسرانت و دخترانت و زنان با ایمان بگو: چادرهای خود را، بر خویش فروافکنند این کار، به‌اینکه [به عفت] شناخته شوند و مورد آزار و اذیت واقع نگردند، نزدیک‌تر است.  
و در فرازی از آیه ۳۱ نور فرموده است:

﴿ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ... ﴾<sup>۲</sup>

زنان باید سرپوش‌های خود را بر گریبان‌ها (سینه‌ها) یشان فرو افکنند.  
آری از فرمانی که در این دو آیه شریفه آمده، دانسته می‌شود حجاب برای بانوان واجب است.  
افزون بر این، آیات دیگری نیز وجود دارد که می‌توان وجوب حجاب و پوشش ویژه، برای بانوان را از آنها برداشت کرد؛ همانند فرازی از آیه ۵۳ احزاب که می‌فرماید:

﴿ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ... ﴾

هرگاه از همسران پیامبر متاعی طلب کردید، از پشت‌پرده از آنان طلب کنید که این، برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است.  
از آنجا که در این آیه سفارش شده «برای روبه‌رو نشدن با زنان و ندیدن آنان، از پشت‌پرده درخواستان را بیان کنید» می‌توان برداشت نمود که حجاب برای زنان واجب است. چرا که اگر حجاب واجب نبود، سفارش، به سخن گفتن از پشت‌پرده، بی‌معنا بود.

و در آیه ۶۰ سوره نور فرموده:

﴿ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ... ﴾

بر زنان وانشسته و سالخورده‌ای که امید ازدواج ندارند، گناهی نیست که لباس‌ها [چادر و مقنعه] <sup>۳</sup> خود را کنار بگذارند به شرط آنکه خودآرایی نکنند و زینتی را آشکار نسازند و اگر عفت بورزند [و خود را بپوشانند]

۱- احزاب (۳۳) آیه ۵۹.

۲- نور (۲۴) آیه ۳۱.

۱- احزاب (۳۳) آیه ۵۳.

۲- نور (۲۴) آیه ۶۰.

۳- وسائل‌الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۲، ح ۲.

برای آنان بهتر است.

از این آیه نیز برداشت می‌شود که اگر حجاب و پوشش سر و سینه زنان واجب نبود، لزومی نداشت زنان سالخورده که امیدی به ازواج آنان نیست از آن استثناء شوند.

و به‌ویژه فرازی دیگر از آیه ۳۱ نور که می‌فرماید:

﴿... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...﴾

زنان نباید به‌گونه‌ای راه بروند که زینت‌های پنهان‌شان (مثل صدای خلخال) آشکار شود.

از این فراز نیز به اولویت می‌توان لزوم پوشش را برداشت نمود. زیرا نمی‌توان گفت حجاب برای زن لازم نیست، ولی نباید

به‌گونه‌ای راه برود که زینت‌های پنهان او مثل صدای خلخال<sup>۱</sup> آشکار شود!

در روایات اسلامی نیز در باره وجوب حجاب و کیفیت پوشش مطالب فراوانی بیان گشته که در برخی از عناوین این درس

به آنها اشاره شده است. از باب نمونه رسول گرامی اسلام ﷺ فرموده‌اند:

هریک از شما زنان که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد، زینتش را برای غیرشوهرش آشکار

نمی‌کند و موی سر و مچ [دست] خود را نمایان نمی‌سازد، و هر زنی که این کارها را برای غیرشوهرش انجام

دهد دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین ساخته است.<sup>۲</sup>

## مقدار پوشش بانوان

بدون شک هر اندازه بدن زن پوشیده‌تر باشد، نقش نیرومندتری در دورسازی هرزه‌دلان خواهد داشت. اگر نگاه‌های آلوده

راه همچنان که در روایات آمده است، تیرهای زهرآلود شیطان بدانیم، پوشش زن همانند سپری است که تیر از آن کمانه می‌کند

و منحرف می‌شود و از اصابت و نفوذ در هدف بازمی‌ماند. برعکس هر اندازه بدن زن برهنه‌تر باشد، تیرهای شیطانی را بیشتر

متوجه خود ساخته و از آن آسیب خواهد دید.

قرآن کریم که برنامه هدایت انسانها را برعهده دارد در باره پوشش بانوان می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...﴾

به زنان با ایمان بگو... زینت‌هایشان را نمایان نکنند مگر آنچه از آن آشکار است و باید سرپوش‌هایشان را بر

گریبان‌ها (و سینه‌ها) ایشان فرو افکنند.

اینک این سؤال مطرح می‌شود که مراد از زینت‌هایی که زنان اجازه دارند آنرا آشکار کنند چیست؟

«مَسْعَدَةُ بِنِ زُرَّارَةَ» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که وقتی از حضرت درباره زینتی که زن می‌تواند، آنرا آشکار کند، سؤال

شد، حضرت فرمود: [مراد از زینتی که زن می‌تواند، آنرا آشکار کند] چهره و دوکف دست می‌باشد.

مسعدة بن زراره، قال: سمعتُ جعفرًا - وَ سئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا - قال عليه السلام: الْوَجْهُ وَ الْكَفَّيْنِ.

۱- زیور آلتی که برخی از زنان به پا می‌بندند.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۴: «مَنْ كَانَتْ مِنْكَ تَوْمِينَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ، لَا تَجْعَلْ زِينَتَهَا لِغَيْرِ رَوْجِهَا...»

۳- نور (۲۴) آیه ۳۱.

۴- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۲، ح ۵.



پس معلوم می‌شود مراد از زینت در اینجا، اعضای بدن است. چنان‌که از روایات دیگر نیز این مطلب فهمیده می‌شود.<sup>۱</sup> بر همین اساس برخی از فقیهان و کارشناسان دین مبین اسلام، پوشاندن همه اعضای بدن، به‌جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ را، برای بانوان واجب دانسته‌اند و حتی پوشاندن بیش از این مقدار را در غیر موارد ضروری (مثل شهادت در دادگاه، یا در بعضی از شغل‌ها و کارها) مستحب می‌دانند. چرا که به‌فرموده شهید مطهری: «یک قانون کلی در اسلام وجود دارد و آن اینکه، هر اندازه زن، جانب عفاف و پوشیدگی را بیشتر رعایت کند پسندیده‌تر است».<sup>۲</sup>

شهید مطهری درباره فلسفه استثنای وجه و کفین می‌گوید:

استثنای وجه و کفین (صورت و دست‌ها تا مچ) به منظور رفع حَرَج و امکان دادن به فعالیت زن است و به‌همین ملاک است که اسلام آن‌را واجب نشمرده است.<sup>۳</sup>

۱ - ر.ک: مستمسک العروة، ج ۱۴، ص ۲۷.

۲ - این قانون از آیه ۶۰ نور «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ...» قابل برداشت می‌باشد. ر.ک: «مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۹۶»

۳ - مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۱۱.

## عفت در خلوت

از جمله محرک‌هایی که شهوت جنسی را برمی‌انگیزد و آدمی را تحریک می‌کند محرک‌های محیطی هستند<sup>۱</sup> که یکی از آنها خلوت و تنهایی با نامحرم است. و مراد از «عفت در خلوت» یعنی پرهیز از خلوت با نامحرم و تنها شدن با اوست. قرآن کریم برای پرهیز از چنین اتفاقی، به مسلمان‌ها دستور می‌دهد به‌هنگام ضرورت و درخواست کاری و کالایی از زنان پیامبر، حق ندارند با آنها اختلاط کنند و یا تنها شوند؛ بلکه در چنین شرایطی می‌بایست درخواست خود را از پشت حایل و پرده مطرح کنند تا تلاقی نگاه‌ها و ملاقات متعارف صورت نپذیرد و تعارفات معمول به وقوع نپیوندد. چرا که تلاقی نگاه‌ها و تعارفات معمول، گاهی ممکن است آسیب‌هایی را در پی آورد اگر چه آن آسیب‌ها در حد وسوسه و خطورات ذهنی و تمایلات قلبی باشد.

﴿ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ... ۲ ﴾

هرگاه از همسران پیامبر متاعی طلب کردید، از پشت پرده از آنان طلب کنید که این، برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است.

ممکن است کسی بگوید که این دستور اختصاص به زنان پیامبر دارد و دیگران را شامل نمی‌شود. در پاسخ می‌گوییم: این دستور به دلیل حکمت آن، که همان «پاکی دل‌های مردان و زنان» است اختصاص به همسران پیامبر ﷺ ندارد.<sup>۲</sup> بلکه دیگران را نیز شامل می‌شود. گذشته از این چه بسا رعایت این دستور در باره دیگر زنان و مردان از اهمیت بیشتری نیز برخوردار باشد چرا که اگر اصحاب پیامبر ﷺ و زنان آن حضرت، با جایگاه اجتماعی خاص و عزت و احترامی که داشتند به چنین سفارشی نیاز دارند بی‌شک دیگر زنان و مردان مسلمان، و به‌ویژه دختران و پسران جوان به این سفارش سزاوارترند. بنابراین یکی از محرک‌های محیطی که غریزه جنسی را سخت تحریک می‌کند و ممکن است آدمی را به رفتارهای ناشایست وادارد همان خلوت و تنهایی با نامحرم است که افزون بر قرآن کریم، در روایات اسلامی نیز به شدت از آن نهی شده است. چنان‌که رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ ثَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ.<sup>۳</sup>

به‌راستی هیچ مردی با زنی تنها نمی‌شود مگر اینکه سومین آنها شیطان است.

و در بیانی دیگر می‌فرماید:

إِيَّاكَ وَالْخَلْوَةَ بِالنِّسَاءِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا خَلَا رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا دَخَلَ الشَّيْطَانُ بَيْنَهُمَا... ۴

از خلوت کردن با زنان بپرهیزید، قسم به آن خدایی که جانم در دست اوست، مردی با زنی تنها نمی‌شود

۱ - محرک‌های محیطی عبارتند از: ۱- خلوت و تنهایی با نامحرم ۲- اختلاط و معاشرت و در هم‌آمیختن با نامحرم ۳- برخی از سازه‌ها و ساختمان‌های آبن و مدل غربی که بستر تحریکات را فراهم می‌کند. ۴- گاهی تنها بودن در یک محیط خاص، مثل تنها بودن در اتاقی خاص، حمام، ماشین، و... که بایستی با تغییر شرایط، از تحریکات غریزه جنسی پیشگیری نمود.

۲ - احزاب (۳۳) آیه ۵۲.

۳ - تفسیر راهنما، ج ۱۴، ص ۵۴۳، برداشت ۳۱ و تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۹۰.

۴ - میزان الحکمه، ح ۱۸۶۳.

۵ - بهشت جوانان، ص ۴۶۹، به نقل از مرآت النساء، ص ۱۱۷.

مگر اینکه میان آنها، شیطان وارد می‌شود.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

فِيمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ الْبَيْعَةَ عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَحْتَبِينَ وَلَا يَقْعُدْنَ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ.<sup>۱</sup>

از جمله پیمان‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از زنان امت خود گرفته است، این است که چادرهای خود را در بین ساق پا و پشت خود جمع نکنند و بر بدن نجسباندند و با مردان نامحرم در محل خلوت ننشینند.

حضرت صادق علیه السلام در بیانی دیگر فرمود:

فَإِنَّ الرَّجُلَ وَالْمَرْثَةَ إِذَا خَلِيَا فِي بَيْتٍ كَانَ تَالِثُهُمَا الشَّيْطَانُ.<sup>۲</sup>

اگر زن و مرد در خانه‌ای با هم خلوت کنند، نفر سوم آنها شیطان است.

در حدیثی دیگر آمده که ابلیس به حضرت موسی علیه السلام گفت:

يَا مُوسَى لَا تَخُلْ بِامْرَأَةٍ لَا تَحِلُّ لَكَ، فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ لَا تَحِلُّ لَهُ إِلَّا كُنْتُ صَاحِبَهُ دُونَ أَصْحَابِي.<sup>۳</sup>

ای موسی! با زنی که به تو حلال و محرم نیست خلوت مکن، زیرا هیچ مردی با زنی نامحرم تنها نشود، جز اینکه من خودم - نه یارانم - همراه او شوم.

### برصیصای عابد و سرانجام خلوت با نامحرم

در میان بنی اسرائیل، عابدی پرهیزکار به نام «برصیصا» زندگی می‌کرد که مُستجابُ الدعوة بود یعنی هر دعایی که می‌کرد برآورده می‌شد. گروه زیادی از مردم برای درمان بیماری‌ها به عبادت‌گاه او می‌رفتند و به‌دعای او با دست پُر برمی‌گشتند.

دختر فرمانروای آن سرزمین بیمار شد. پادشاه به برادران او دستور داد خواهرشان را برای درمان نزد برصیصای عابد ببرند. برادران، خواهرشان را آنجا بردند و او را همان‌جا گذاشتند تا بامداد فردا بیایند و او را بازگردانند!

شیطان وسوسه‌های خود را آغاز کرد و سرانجام برصیصا را وا داشت تا کار ناشایست انجام دهد! برصیصا بی‌درنگ متوجه کار زشت خود شد با خود گفت: اگر موضوع را پادشاه و پسران او بفهمند من را زنده نخواهند گذاشت. شیطان دوباره برصیصای بیچاره را وسوسه کرد تا دختر را بکشد و جنازه او را همان‌جا دفن کند! فردا که برادران دختر آمدند برصیصا گفت: دختر خوب شد و رفت.

برادران همه جا را جستجو کردند ولی نشانی از خواهر خود نیافتند و هیچ‌کس او را ندیده بود، در نتیجه دوباره برگشتند و متوجه شدند قسمتی از زمین با بقیه جاها تفاوت دارد و پس از کندن زمین، جنازه خواهر خود را پیدا کردند. برصیصا را دستگیر کرده و به زندان انداختند و پس از محاکمه و اطمینان یافتن از جنایت برصیصا، او را به‌سوی چوبه دار بردند در حالی که مردم به او ناسزا می‌گفتند! همان مردمی که تا دیروز به‌سبب تقوای برصیصا به او احترام می‌گذاشتند.

گویند هنگامی که می‌خواستند طناب دار را به دور گردن او بیندازند شیطان او را وسوسه کرد و گفت: اگر به من سجده کنی تو را نجات خواهم داد! برصیصا در همان حال با اشاره بر شیطان سجده می‌کند و کافر می‌شود، شیطان نیز از وی بیزار می‌گردد و رهایش می‌کند و برصیصا در حالت کفر از دنیا می‌رود!

۱ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۸۵.

۲ - من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۲.

۳ - میزان‌الحکمه، ج ۹۴۲۰.

قرآن کریم در سوره حشر پیرامون وضعیت او در حال مرگ می‌گوید:

﴿كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۱</sup>

[کار منافقین] همانند شیطان است که [پس از به فساد جنسی کشاندن] به انسان [برصیصای عابد] گفت کافر شو [تا مشکلات تو را حل کنم!] اما هنگامی که کافر شد گفت: من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم!

آری متأسفانه برخی از افراد زمانی ارزش این دستورات و احادیث و داستان‌ها را می‌فهمند که گرفتار انحراف جنسی و بدبختی شوند! به‌عنوان نمونه چندی پیش در روزنامه‌ها خواندیم که دختر دانشجویی به‌خاطر تجاوز یک نویسنده و کارگردان سینما و تلویزیون به نام «مهدی - ر» خودکشی کرد. مادر این دختر می‌گوید:

در خردادماه سال (۱۳۸۰) دخترم برای نشان دادن متن یک نمایشنامه به این شخص که نویسنده و کارگردان سینما می‌باشد به منزلش که محل کارش هم بود رفت و هنگامی که دخترم بازگشت با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرد ولی موفق نشد و ما او را نجات دادیم. روز بعد معلوم شد که این آقا به زور به دخترم تجاوز کرده است تا اینکه بار دیگر در اسفند ماه دخترم قرص خورد و جان باخت!<sup>۲</sup>

در گزارشی دیگر آمده است:

دختری که اقدام به گرفتن یک دستگاه اتومبیل سواری در شب نموده بود توسط راننده ربوده شد.<sup>۳</sup> و نیز در روزنامه‌ها نوشتند که یک دندان‌پزشک در محل مطب خود ده‌ها زن و دختر را مورد تجاوز قرار داده و از آن صحنه‌ها فیلمبرداری نیز کرده بود تا آنان برای ترس از آبرو و زندگی‌شان هم که شده از او شکایت نکنند و او را به دادگاه نکشاند!<sup>۴</sup>

و نیز روزنامه قدس در گزارشی تحت عنوان «هشدار به خانواده‌ها» از تجاوز معلم خصوصی به یک دانش‌آموز، خبر داد.<sup>۵</sup> و دهها و صدها از این موارد که همه روزه اتفاق می‌افتد!

نتیجه‌ای که از این گزارش‌ها و خبرها می‌توان گرفت این است که بیشتر این افراد در اثر جهل و نادانی و اطمینان کردن‌های بی‌جا، گرفتار این انحرافات می‌شوند و زیان‌های جبران‌ناپذیری را متوجه خود و خانواده خویش می‌کنند. بی‌شک اگر زنان و مردان، از دستورات دین مقدس اسلام آگاه شوند، از خلوت با نامحرم می‌پرهیزند و در نتیجه از انحراف مصون و محفوظ می‌مانند. و آنگاه که ناچار باشند با نامحرمی ملاقات داشته باشند به همراه یکی از بستگان و مَحْرَمان به نزد او خواهند رفت و خود را گرفتار این‌گونه مصیبت‌ها نخواهند کرد. چنان‌که رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

لَا تَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُسَافِرَ مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ لَيْسَ مَعَهَا حُرْمَةٌ.<sup>۶</sup>

برای زنی که ایمان به خدا و روز آخرت دارد روا نیست، روز یا شب مسافرت نماید در حالی که مرد مَحْرَم (یا شوهرش) همراه او نباشد.

<sup>۱</sup> حشر (۵۹) آیه ۱۶. در این آیه طبق روایات اسلامی، داستان پرهیز نکردن برصیصای عابد از خلوت با نامحرم و گرفتار انحراف جنسی شدن وی و سپس کافر شدنش بیان گشته است. (تفاسیر مجمع‌البیان، قرطبی، روح‌البیان).

<sup>۲</sup> - خراسان، ۸۱/۸/۱۲، ص ۱۳.

<sup>۳</sup> - سیاست‌روز، ش ۴۸۲ (۸۱/۹/۲۸) ص ۱۰.

<sup>۴</sup> - قدس، ش ۴۹۰۷ (۸۳/۱۰/۲۸) ص ۱۵.

<sup>۵</sup> - قدس ۱۳۸۶/۲/۳۰، ش ۵۵۶۴، ص ۱۳.

<sup>۶</sup> - بهشت جوانان، ص ۴۷۰. به نقل از: بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۵.

## عفت در اختلاط و معاشرت

یکی دیگر از محرک‌های محیطی که شهوت جنسی را بر می‌انگیزد و آدمی را تحریک می‌کند اختلاط، معاشرت و درهم‌آمیختن با نامحرمان است و مراد ما از عفت در اختلاط و معاشرت، پرهیز از اختلاط و معاشرت با نامحرمان می‌باشد.<sup>۱</sup> اکنون که در درس هشتم دانستیم باید از خلوت تحریک‌آمیز نامحرمان بپرهیزیم همان‌سان شایسته است از اختلاط، معاشرت و نشست و برخاست با نامحرمان نیز خودداری کنیم. چنان‌که قرآن کریم فرموده است:

﴿...إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...﴾<sup>۲</sup>

هرگاه از همسران پیامبر متاعی طلب کردید، از پشت‌پرده از آنان طلب کنید که این، برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است.

همان‌گونه که اشاره شد این دستور به دلیل حکمت آن، که همان «پاکی دل‌های مردان و زنان» است، اختصاص به همسران پیامبر ﷺ ندارد.<sup>۳</sup> بلکه دیگران را نیز شامل می‌شود.

افزون بر این قرآن کریم از اینکه دختران شعیب رضی الله عنهما از اختلاط و معاشرت با مردان خودداری می‌کردند به‌عنوان یک واقعه مهم یاد کرده و آنرا مورد توجه قرار داده است:

﴿... وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ إِمْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءُ...﴾<sup>۴</sup>

موسی در آن سوی چوپانان، دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیک نمی‌شوند) به آن دو گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟!)) گفتند: «ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند.

ماجرای این قرار بود که شعیب رضی الله عنه پیر و زمین‌گیر شده بود و قدرت و توان چوپانی کردن را نداشت و نه ثروتی که بتواند چوپان دیگری را بکار بگیرد، به همین جهت از روی ناچاری دختران خویش را از پی گله می‌فرستاد.<sup>۵</sup> لیکن به‌فرموده قرآن کریم آنان به هنگام آب دادن به گوسفندان، با مردان اختلاط نمی‌کردند و درهم نمی‌آمیختند بلکه منتظر می‌ماندند تا مردان به چهارپایان خود آب بدهند و بروند، سپس آنان به گوسفندان خود آب می‌دادند.<sup>۶</sup>

آری دختران شعیب رضی الله عنهما با اینکه به هنگام آب دادن گوسفندان نوبت‌شان رعایت نمی‌شد و حقشان ضایع می‌گشت لیکن به‌خاطر حفظ عفاف و پاکدامنی از وقت‌گرانبها و حق مادی خویش می‌گذشتند تا با مردان روبه‌رو نشوند.

گرچه قرآن کریم ظلم به آنان را تأیید نمی‌کند<sup>۷</sup> لیکن عدم اختلاط آنان را می‌ستاید. و چه بسا به‌خاطر همین رعایت

۱ - همان‌گونه که در بحث کلیات و تبیین کلیدواژه عفاف بیان شد عفاف به معنای پرهیز می‌باشد و بنابراین عفت در اختلاط یعنی پرهیز از اختلاط و معاشرت با نامحرمان.

۲ - احزاب (۳۳) آیه ۵۳.

۳ - تفسیر راهنما، ج ۱۴، ص ۵۴۳، برداشت ۳۱ و تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۹۰.

۴ - قصص (۲۸) آیه ۲۳.

۵ - تفسیر کشف‌الاسرار، ج ۷، ص ۲۹۳.

۶ - تفسیر راهنما، ج ۱۳، ص ۴۷۲، برداشتهای ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵.

۷ - تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۵۶.

عفت و پاکدامنی بود که خداوند مقرر نمود تا موسی علیه السلام به زندگی آنان بپیوندد و تأمین معاش آنان را بر عهده گیرد و آنان را از این کار مردانه و دشوار معاف دارد.<sup>۱</sup> چرا که خدای غیور، عفاف و پاکدامنی را دوست می‌دارد و بندگان عقیف خود را یاری می‌کند.

بنابراین آنان که برای تأمین زندگی مادی و افزایش درآمد، مرتکب خلوت و یا معاشرت با نامحرمان می‌شوند و دستورهای عفاف و پاکدامنی را رعایت نمی‌کنند افراد سست ایمانی هستند که رازق بودن خدای متعال را باور ندارند و با فرهنگ قناعت پیشگی بیگانه‌اند و از راه و روش اهل تقوا به‌دورند.

### عفت در اختلاط و معاشرت از دیدگاه روایات

در روایات اسلامی افزون بر رعایت عفت در خلوت و پرهیز از تنها شدن با نامحرم، سفارش به عفت در اختلاط و پرهیز از معاشرت با نامحرمان نیز شده است. به‌عنوان نمونه امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تُغَارُونَ نِسَاؤَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُزَاحِمَنَّ الْعُلُوجَ.<sup>۲</sup>

آیا حیا نمی‌کنید و غیرت نمی‌ورزید که زنانتان به بازارها می‌روند و با مردان اختلاط می‌کنند و گردهم می‌آیند؟!

و در حدیثی دیگر می‌فرماید:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، نُبِئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ.<sup>۳</sup>

ای اهل عراق! با خبر شده‌ام که زنان شما در راه، با مردان [شانه به شانه و در فشار جمعیت] حرکت می‌کنند آیا شرم و حیا نمی‌کنید؟!

لازم به ذکر است، اینکه قرآن کریم خطاب به زنان می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...﴾ بی‌شک مراد زندانی شدن زنان در خانه نیست. بلکه مراد آن است که چون محیط بیرون اغلب آلوده است، برای حفظ عفاف و سلامتی روحی و روانی خود، کمتر از خانه خارج شوند و به‌عبارت دیگر جز برای کارهای ضروری از خانه خارج نشوند. چه اینکه به‌فرموده رسول خدا (ص): «بَدَّتْ جَاهَا زَمِينَ، بَازَارَهَا هَسْتَنْدِ. «سَرُّ بِقَاعِ الْأَرْضِ الْأَسْوَاقُ...»»<sup>۴</sup>.

و نیز برخی از میهمانی‌ها، عروسی‌ها، محیط‌های کاری شیطنانی و... .

آری این فرمان قرآن کریم، شبیه آن است که اداره بهداشت یا هواشناسی اعلام کند چون هوا آلوده می‌باشد بهتر است در خانه‌های خود بمانید و تا جایی که امکان دارد کمتر بیرون آید. و شکی نیست که این بیرون نیامدن از خانه، به‌منزله زندانی شدن نیست بلکه برای حفظ بهداشت و سلامتی می‌باشد.

### سفارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردم و مسئولان

پیامبر گرامی اسلام، که درود خدا بر او و فرزندانش باد، می‌فرماید:

۱ - ر.ک: تفسیر راهنما، ج ۱۳، ص ۴۷۸، برداشت ۱۱.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ب ۱۳۲، ج ۲.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۵، ج ۱.

۴ - احزاب (۳۳) آیه ۳۳.

۵ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۹۳، ب ۶۸، ج ۱.

بَاعِدُوا بَيْنَ أَنْفَاسِ الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَتِ الْمُعَايَنَةُ وَاللِّقَاءُ كَانَ الدَّاءُ الدِّي لَا دَوَاءَ لَهُ.<sup>۱</sup>

میان مردان و زنان فاصله و جدایی بیندازید [تا کمتر با یکدیگر برخورد و تماس داشته باشند] زیرا هنگامی که مردان و زنان یکدیگر را ببینند و با هم برخورد و ملاقات داشته باشند، دردی پدید آید که دارویی برای آن یافت نشود.

و در حدیثی دیگر می‌فرماید:

لَأَنْ يَرْحَمَ رَجُلٌ رَجُلًا مُتَلَطِّخًا بِطِينٍ أَوْ حَمَاءٍ؛ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَرْحَمَ مِنْكِبِهِ مَنْكِبَ امْرَأَةٍ لَا تَحُلُّ لَهُ.<sup>۲</sup>

اگر خوکی آلوده به کثافت و لجن باشد و به انسان زحمت و اذیت برساند بهتر است از آنکه شانه زن بیگانه‌ای با مرد نامحرم برخورد کند!

مشهور است که پیامبر خدا ﷺ دستور دادند برای مسجد دو درب جداگانه نصب کنند تا از یک درب زنان وارد مسجد شوند و از درب دیگر مردان.<sup>۳</sup> که هم اکنون نیز یکی از درب‌های مسجد النبی (ص) به همین نام «باب النساء» می‌باشد. و این نمونه و الگویی است تا در دیگر جاها نیز رعایت شود.

جالب است بدانیم، برخی از کشورها که زیان‌های فراوان اختلاط مرد و زن را تجربه کرده‌اند، در بعضی از بخش‌ها به تفکیک و تک جنسیتی و جداسازی روی آورده‌اند. چنان‌که در ژاپن بعضی از اتوبوس‌های خط واحد را ویژه زنان قرار داده‌اند و در متروی سئول کره جنوبی واگن‌هایی ویژه برای زنان در نظر گرفته‌اند.<sup>۴</sup> همچنین در پاره‌ای از کشورهای غربی، مدارس و کلاس‌های مختلط را تفکیک کرده و نتایج مثبت در رشد تحصیلی دانش‌آموزان به‌دست آورده‌اند.<sup>۵</sup> زیرا وقتی دانش‌آموز، فکرش مشغول ارتباط با جنس مخالف باشد، دیگر مطالب درسی را خوب نمی‌فهمد و همان سبب افت تحصیلی‌اش می‌شود.

آری آن پیامبری که از طریق وحی الهی، بهتر از هر مکتب روان‌شناسی غربی، به ساختار روانی انسان آگاه است وظیفه همه مردم و مسئولان را آشکارا مشخص کرده است که در همه بخش‌ها، به تفکیک و جداسازی میان زنان و مردان روی آورند

۱. بهشت جوانان، ص ۴۶۸. به نقل از مرات النساء، ص ۱۴۰.

۲. همان، ص ۴۶۹، از مرآت النساء، ص ۱۱۷.

۳. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۰۹.

۴. روزنامه قدس، ۸۶/۱۴، ص ۹، ش ۵۶۹۹.

۵. مجله حوراء - بهمن ۱۳۸۵ - شماره ۲۲ در بخشی از مقاله «رویکرد دوباره به فضاهای تک جنسیتی در حوزه آموزش» نوشته است: «پس از ایجاد اتحادیه ملی مدارس دخترانه آمریکا در سال ۱۹۹۱، بیش از ۳۵ مدرسه تک جنسیتی جدید در ایالات متحده تأسیس شده است. ثبت نام در مدارس عضو اتحادیه ملی مدارس دخترانه آمریکا پس از ایجاد آن در سال ۱۹۹۱، ۲۳ درصد افزایش پیدا کرده است. در ایالات متحده بیش از ۴۴۰۰۰ نفر از دختران در مدارس عضو اتحادیه ملی مدارس دخترانه آمریکا تحصیل می‌نمایند. اکنون ۱۲ مدرسه عمومی تک جنسیتی (کاملاً دخترانه و کاملاً پسرانه) در ایالات متحده وجود دارند که پنج مدرسه از اعضای اتحادیه ملی مدارس دخترانه آمریکا هستند؛ آکادمی رهبری جفرسون (لانگ بیچ، کالیفرنیا)، دبیرستان دخترانه فیلادلفیا، دبیرستان وسترن (بالتیمور)، مدرسه رهبری زنان جوان (نیویورک سیتی)، مدرسه چارتر رهبری زنان جوان (شیکاگو). به نظر می‌رسد سند سال ۲۰۰۰ با عنوان «نباید هیچ کودکی از آموزش محروم بماند» بارقه آنچه برخی «انفجار» مدارس عمومی جدید تک جنسیتی در ایالات متحده می‌نامند، را ایجاد نمود. ما هر روزه در کلاس‌های درس مدارس عضو اتحادیه ملی مدارس دخترانه آمریکا (اعم از خصوصی و عمومی) شاهد آن هستیم که محیط‌های یادگیری تک جنسیتی تا چه حد می‌توانند مفید باشند. بنابراین جای شگفتی نیست که هر روز بر علاقه‌مندی به این گزینه آموزشی افزوده می‌شود.»

وبلاگ سیاست نیز طی گزارشی تحت عنوان «جداسازی دختران از پسران در آمریکا» نوشته است: پس از سالها مخالفت کشورهای غربی و خصوصاً آمریکا با برنامه برخی کشورهای مسلمان که براساس تعلیم و مبنای مذهبی خود و نیز منطق خرد جمعی، معتقد به جدا بودن مدارس تحصیلی دختران و پسران هستند به تدریج اقدام به جداسازی مدارس کرده‌اند. تعداد مدارس ویژه دختران یا پسران، از سه عدد در کل کشور در سال ۱۹۹۵ به ۲۴۱ عدد در حال حاضر رسیده و تعداد کل مدارس نیز در آمریکا ۹۳ هزار عدد است. «پیل والاس»، مدیرکل مدارس فیلادلفیا، می‌گوید: «در حال حاضر در فیلادلفیا، چهار مدرسه جداگانه وجود دارد علاقه زیادی نیز برای این‌گونه مدارس به چشم می‌خورد و همچنین از این طرح حمایت می‌شود و در همین زمینه، دو مدرسه دیگر نیز در حال تأسیس است». نیویورک نیز دارای ۹ مدرسه جداگانه است که بیشتر آنها در چهار سال اخیر بازگشایی شده‌اند. این طرح‌ها با حمایت احزاب سیاسی اجرا شده، ولی با مخالفت عده‌ای از گروه‌های حقوق زنان روبه‌رو شده است.

و به عقل و علم اندک خویش بسنده نکنند و بدان فریفته نشوند.<sup>۱</sup>

بنابراین شایسته است در جامعه اسلامی به تفکیک امور بانوان و آقایان در بخش‌هایی که امکان آن وجود دارد، بیشتر اهمیت داده شود. مانند برخی از امور قضایی و دادگستری. و به‌ویژه به طرح «انطباق پزشکی با موازین اسلامی» و جداسازی مراکز درمانی و بیمارستان‌های مردان و زنان.<sup>۲</sup>

---

۱ - همان‌گونه که اشاره شد مسئله جداسازی میان زنان و مردان، از صریح آیه شریفه ۵۳ احزاب ( آیه حجاب ) قابل برداشت می باشد: « إذا سألتهم عن متاعاً فسألوهن من وراء حجاب ذلكم أطهر لقلوبكم وقلوبهن ... » هرگاه از آنان (زنان پیامبر) متاعی درخواست کردید، از پشت پرده در خواست کنید که این برای قلب‌های شما و قلب‌های آنان پاکیزه‌تر است. بنابراین جداسازی میان مردان و زنان تا آنجا که منجر به حرج و فلج نشده و امور مهم واگذاشته نشود مورد پسند دین، و سفارش قرآن کریم است.

۲ - ناگفته نماند که در نخستین بند از وظایف وزارت بهداشت و درمان، در گسترش فرهنگ عفاف - مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی - چنین آمده است: ۱- اجرای کامل قانون انطباق امور پزشکی با موازین شرع مقدس اسلام ... .



## عفت در معماری

معماری فعالیتی است علمی - هنری، برای آفرینش فضا و تغییر و سامان دادن آن. معماری تبلوری است از فرهنگ یک جامعه در گذر زمان؛ و آینه‌ای است روشن از شرایط جامعه در ادوار مختلف. معماری غیر از ساختن یک بنا یا بنایی آن است، بلکه چگونه ساختن آن است... خانه یا شهر را چگونه بسازیم تا نیازهای انسانی و غیرمادی ما را بر طرف سازد.<sup>۱</sup> بی‌شک یکی از نیازهای انسانی و غیرمادی، مسئله عفاف و پاکدامنی می‌باشد که در فطرت آدمی سرشته شده است. و مراد از عفت در معماری، پرهیز از معماری باز و آپن\* است تا آدمی از چشم‌دوانی، خلوت، اختلاط و ارتباط با نامحرمان و... در امان بماند. چرا که از جمله محرک‌هایی که شهوت جنسی را برمی‌انگیزد و آدمی را تحریک می‌کند محرک‌های محیطی هستند<sup>۲</sup> و یکی از محرک‌های محیطی، سازه‌ها و ساختمان‌های باز و آپن و مدل غربی می‌باشد که بستر این تحریکات را فراهم می‌آورد.

فرهنگ و معماری<sup>۳</sup>

بناهای تاریخی هر کشور، در حکم بخشی از شناسنامه فرهنگی آن است. رابطه متقابل فرهنگ و معماری به‌عنوان یک اصل مهم پذیرفته شده و واقعیت این است که معماری، بسیاری از رفتارهای ما را جهت‌دهی می‌کند. تا پیش از آن که بنایی ساخته شود، بنا، اسیر انسان است و پس از ساخت، انسان، اسیر بناست، زیرا تا پیش از ساخت، می‌توان به بنا گفت که چگونه باشد، اما پس از ساخت، این بناست که به ما می‌گوید چگونه باید باشیم. پیش از ساخت، ما به آن شکل می‌دهیم و پس از ساخت، بنا، رفتار ما را شکل و جهت می‌دهد به‌عنوان مثال در طول تاریخ، حکومت‌ها بر اساس تفکر و نیاز خود، از معماری به‌عنوان ابزاری برای جهت‌دهی به فرهنگ استفاده می‌کردند. مثلاً، هیتلر برای آن که بتواند روحیه آزادیخواهی مردم را از بین ببرد، با الهام از معماری رُم باستان، بناهای شهری را به گونه‌ای احداث کرد تا مردم با عبور از کوچه‌ها و خیابان‌ها، به تدریج، زبونی و خواری خود را در برابر حکومت بپذیرند!

«مبین و ندره» نیز گفته است: «من خانه‌ای می‌سازم که در آن، دو فرد که بسیار به هم علاقه دارند، بعد از مدتی از

۱ - بر گرفته از مجله «حدیث زندگی»، ش ۱۱، ص ۲۱.

\* مراد از معماری آپن تنها آشپزخانه آپن نیست بلکه فراتر از آن است مثل آپارتمان‌هایی که درب و پنجره آنها رو در روی یکدیگر باز می‌گردد و یا خانه‌هایی که دیوارهای جدایی محرم و نامحرم برداشته شده، و نیز قرار گرفتن درب توالی در حال و پذیرایی که آمد و شد افراد به آن مکان، در دید مستقیم میهمانان و غیره است. و یا پنجره‌ها به‌گونه‌ای قرار داده شده که درون خانه‌ها نمایان است. و مجتمع‌های مسکونی نما شیشه، که با روشن شدن چراغ، تمام فضای خانه از بیرون قابل مشاهده است. و آسانسورهای مختلط و مشترک و نیز کوتاه گرفتن دیوارها و یا مشبک کردن آنها به‌طوری که سبب می‌شود تا افراد رهگذر به راحتی تمامی فضای خانه را ببینند. چنین شرایطی به تدریج روابط میان نامحرمان را عادی‌سازی می‌کند و حساسیت‌ها از بین می‌برد، ساکنان چنین خانه‌هایی به راحتی با پوشش نامناسب در برابر دیگران ظاهر می‌شوند و در برخی از مجتمع‌های مسکونی به قدری وقاحت و بی‌شرمی حاکم است که انسان از گفتن موارد آن شرم می‌کند!

۲ - محرک‌های محیطی عبارتند از: ۱- خلوت و تنهایی با نامحرم ۲- اختلاط و معاشرت و در هم آمیختن با نامحرمان ۳- برخی از سازه‌های شهری مثل بعضی از پارک‌ها و تفریحگاه‌ها و یا ساختمان‌های آپن و مدل غربی که به هنگام حضور نامحرم، بستر تحریکات جنسی فراهم می‌شود. ۴- گاهی تنها بودن در یک محیط خاص، مثل تنها بودن در اطاقی خاص، حمام، ماشین و... که بایستی با تغییر شرایط، از تحریکات غریزه جنسی پیشگیری نمود.

۳- برگرفته از پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۲۶۹.

به همین جهت، اگر در مرحله طراحی، بر اساس فرهنگ خودی و بومی نقشه‌ای را طراحی کنیم، میان فرهنگ ما و فرهنگی که ساختمان بر ما تحمیل می‌کند، تناقضی پیش نخواهد آمد، اما اگر بنا بر اساس فرهنگ بیگانه و غیرخودی ساخته شود، میان فرهنگ فرد و فرهنگ ساختمان، تناقض پیش خواهد آمد. این تناقض، شاید در آغاز، مشکل‌ساز باشد و رنگ و بوی ستیز دهد، اما به مرور زمان، از فرهنگ فرد، حساسیت‌زدایی شده، فرهنگ ساختمان چیره می‌گردد این تغییرات، آنقدر آرام و خزنده‌اند که شاید هیچ توجهی را برنینگیزند، اما پس از گذشت زمان، با مقایسه این دو دوره می‌توان تغییرات را درک کرد. این تغییر، نخست در حوزه رفتار صورت می‌گیرد و سپس موجب تغییر فرهنگ می‌شود.

اینک از آنجا که حیاء و عفاف یکی از بارزترین شاخصه‌های فرهنگ اسلامی می‌باشد لازم است معماری اسلامی نیز با این شاخصه هماهنگی داشته باشد. چرا که قرآن کریم سفارش نموده هرگاه خواستید از زنان متاع و کالایی درخواست کنید از پشت پرده مطالبه نمایید که این، برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است.

﴿ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ... ﴾<sup>۲</sup>

به‌راستی اگر این آیه شریفه بخواند کاربردی و راهبردی شود، نقش آن در سازه‌ها و معماری بدین‌صورت می‌شود که سازه و خانه، می‌بایست به‌گونه‌ای طرح‌ریزی و بنا شود که حتی الامکان اختلاط و مواجهه با نامحرمان را در پی نداشته باشد. ولی متأسفانه هم اکنون درب برخی از خانه‌های آپارتمانی مدل غربی به‌گونه‌ای نصب شده که با باز شدن درب خانه، تمامی فضای داخلی در دید دیگران قرار می‌گیرد و یا در مدل‌های غربی دیگر، با کوتاه گرفتن دیوارها و یا مشبک کردن آنها این امکان را فراهم می‌سازد تا افراد رهگذر به راحتی تمامی فضای خانه را ببینند.

اساساً در فرهنگ قرآن، از خانه به‌عنوان ستر و پوشش یاد شده است. در داستان ذوالقرنین آمده است که وقتی او به مشرق زمین رسید، با مردمی روبه‌رو شد که هیچ پوششی در برابر آفتاب نداشتند:

﴿ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ﴾<sup>۳</sup>

تا به خاستگاه خورشید رسید؛ [در آن جا] دید خورشید بر جمعیتی طلوع می‌کند که در برابر [تابش] آفتاب، پوششی برای آنها قرار نداده بودیم (و هیچ‌گونه سایبانی نداشتند).  
به‌فرموده امام باقر<sup>علیه السلام</sup> آنان از صنعت ساخت و ساز و دانش خانه‌سازی بهره‌ای نبرده بودند.<sup>۴</sup> و به همین جهت، هیچ سازه‌ای در آن سرزمین یافت نمی‌شد. ستر و پوشندگی از تابش آفتاب، بارش باران و وزش باد، یکی از کارکردهای خانه است؛ اما کارکرد مهم‌تر آن، پنهان‌سازی قلمرو شخصی و خصوصی افراد از نگاه و معاشرت نامحرمان است.

به‌عبارت دیگر «ستر» در آیه شریفه می‌تواند معنای عام و گسترده داشته باشد با مصادیق گوناگون، که یک مصداقش پوشندگی و ویژگی‌های جنسیتی افراد است تا مانع از نگاه و اختلاط و صحبت بی‌مورد با نامحرمان شود.  
امام صادق<sup>علیه السلام</sup> در حدیثی به پوشندگی و پنهان‌داری خانه، اشاره می‌فرماید:

۱ - همان، برای آشنایی بیشتر با این‌گونه دیدگاه‌ها رک: روان‌شناسی محیط، شهناز مرتضوی، بُعد پنهان، حال ادوارد تویبجل.

۲ - احزاب (۳۳) آیه ۵۳. هرگاه از همسران پیامبر متاعی طلب کردید، از پشت‌پرده از آنان طلب کنید که این، برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است.

۳ - کهف (۱۸) آیه ۹۰.

۴ - امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه یاد شده می‌فرماید: صنعت خانه‌سازی را نمی‌دانستند. «لم یعلموا صنعه البیوت». (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۵۰).

ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِنَّ رَاحَةٌ دَاوْرٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ سُوءَ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ...<sup>۱</sup>

آسایش انسان در سه چیز است: [یکی از آنها] خانه وسیعی است که نادیدنی‌ها و ناموس او را بپوشاند و اسرار خانوادگی او را از مردم پنهان دارد.

اگر بخواهیم دقیق‌تر سخن بگوییم، خانه، پوششی است که قلمرو خصوصی خانواده را از قلمرو عمومی جامعه جدا می‌کند و این زمانی محقق می‌گردد که معماری خانه‌ها، معماری عقیفانه و مطابق با سبک زندگی قرآنی و اسلامی باشد.

---

<sup>۱</sup> - الخصال صدوق، ج ۱، ص ۱۶۰.

### عفت در رفتار

برخی از رفتارها و حرکات و سکنات انسان، و حتی نحوه راه رفتن، نشست و برخاست، و آمد و شد او نیز ممکن است در تحریک جنسی خود یا دیگری مؤثر باشد و از همین رو در آموزه‌های دینی از این موارد پرهیز داده شده است که اکنون به این موارد اشاره می‌شود و سپس توضیح مورد الف تقدیم می‌گردد:

الف) پرهیز از راه رفتن تحریک‌زا.

ب) پرهیز از آمد و شد در مسیرهای تحریک‌زا.

پ) پرهیز از نشست و برخاست تحریک‌زا.

ت) پرهیز از خوابیدن تحریک‌زا.

ث) پرهیز از دیده شدن در حالات خاص.

ج) پرهیز از گذاردن اشیاء اختصاصی در محل کار یا سکونت نامحرمان.

چ) پرهیز از تشابه به جنس مخالف.

ح) پرهیز از زدودن موهای زاید بدن به‌طور پیوسته (ویژه افراد بی‌همسر).

خ) پرهیز از واسطه‌گری روابط نامشروع.

### الف) پرهیز از راه رفتن تحریک‌زا

دین مبین اسلام، دینی است کامل و جامع که از موی سر گرفته تا ناخن پا و از گهواره تا گور، و در همه امور فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، و خلاصه چگونگی سبک زندگی، دارای برنامه و دستورالعمل است و از جمله در باره نحوه راه رفتن و چگونه گام نهادن نیز دستوراتی داده است که یکی از این دستورات، راه رفتن از روی حیا و عفت است. قرآن کریم در این باره فرموده:

﴿... لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ...﴾

(ای پیامبر به زنان با ایمان بگو) پاهای خود را [به‌گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینت [باطنی]شان نهفته است آشکار گردد و جلوه نماید.

توضیح مطلب اینکه در گذشته برخی از زنان، خلخال (که نوعی پابند زینتی است) به پا می‌کردند و با کوبیدن پا بر زمین، صدای آن را به گوش دیگران می‌رساندند و همین سبب جلوه‌نمایی و توجه نامحرمان می‌شد، بنابراین آیه قرآن نازل گشت و آنان را از این کار نهی کرد؛ و شکی نیست که آیه اختصاص به خلخال تنها ندارد و هر کاری را که مشابه آن باشد نیز شامل می‌شود.

آری هم‌اکنون نیز با کمال آسف برخی از حجاب‌داران (هر چند اندک) با اینکه حجاب برتر دارند لیکن نحوه رفتارشان و

گام نهادنشان، گونه‌ای از بی‌عفتی است و چه بسا تحریک کننده‌تر نیز باشد و توجه و نگاه نامحرمان را به خود جلب کند. پس این دسته از حجاب‌داران باید متوجه بیماری خویش گردند و به مداوای آن بپردازند. زیرا چنین رفتاری با فلسفه حجاب که ستر و پوشش و انگشت‌نما نشدن و تحریک‌نکردن است، منافات دارد و زینده زن مسلمان نمی‌باشد.

بنابراین زن باحجاب باید توجه داشته باشد که حُجَب و حیا حتی بر نحوه راه رفتن، و نوع کفش و پاشنه‌اش، و صدای آن نیز می‌بایست حاکم باشد؛ همانند راه رفتن دختر حضرت شعیب (ع) که در نهایت حجب و حیا بود.

### دختر شعیب رضی الله عنه و نحوه راه رفتن با حیا و عقیفانه‌اش

قرآن کریم در وصف راه رفتن، و آمد و شدِ دختر شعیب رضی الله عنه می‌فرماید:

﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ...﴾<sup>۱</sup>

یکی از آن دو (دختر) در حالی که با شرم و حیا راه می‌رفت نزد موسی رضی الله عنه آمد.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل این آیه می‌گوید:

منظور از اینکه در حال حیا راه می‌رفت، این است که عفت از راه رفتنش آشکار بود.

ماجرا از این قرار بود که وقتی حضرت موسی رضی الله عنه از چنگ فرعونیان گریخت و بر سر چاه‌های آب «مَدَّيْن» رسید گروهی را دید که از چاه آب می‌کشیدند و به گوسفندان خود آب می‌دادند. و کمی آن طرف‌تر نیز دو دخترِ چوپانِ با حُجَب و حیایی را دید که به زحمت جلوی گوسفندانشان گرفته بودند و برای آب دادن در انتظار بودند و با مردان اختلاط نمی‌کردند. موسی رضی الله عنه دلش به رحم آمد و به نزد آنان رفت و از شأن و جایگاه و علت کناره‌گیری‌شان پرس‌وجو کرد. آنها گفتند: «پدرمان پیر و زمین‌گیر شده و ما را از ناچاری به چَرا فرستاده؛ ما نیز همه روزه برای سیراب کردن دام‌ها، منتظر می‌مانیم تا سایر چوپان‌ها آب بدهند و بروند، سپس ما دام‌هایمان را آب می‌دهیم».

موسی رضی الله عنه از باب یاری مظلوم، به پیش رفت و با قدرت از چاه آب کشید و گوسفندان آنها را سیراب کرد و آنها زودتر از همیشه به خانه برگشتند.

پدر آنان که شعیب رضی الله عنه بود علت زود آمدنشان را جویا شد که آنها ماجرا را باز گفتند.

او به یکی از دخترانش امر فرمود که به آن مکان بازگردد و آن جوان فداکار را به خانه دعوت کند تا مزد او را بپردازد. دختر شعیب (ع) نیز در حالی که عفت از راه رفتنش آشکار بود. نزد آن جوان آمد و از جانب پدر، او را به خانه دعوت کرد. ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ...﴾<sup>۲</sup>

با اینکه دأب قرآن پرداختن به ریزه‌کاری‌ها نیست ولی معلوم می‌شود رفتارهای عقیفانه و آمد و شدهای از روی شرم و عفاف، یک مسئله مهمی است که قرآن کریم به آن پرداخته و آن را مطرح کرده است تا همگان از دختر شعیب رضی الله عنه الگو بگیرند و رفتارهای خود را مطابق با این الگو چک کنند و کنترل نمایند. و چه بسا از باب ذکر نمونه یکی از رفتارهای ظریف عقیفانه بیان گشته، تا حساب سایر رفتارها مشخص گردد!

۱- قصص (۲۸) آیه ۲۵.

۲- قصص (۲۸) آیه ۲۵.

## عفت در اندیشه و خیال

از جمله محرک‌هایی که سبب تحریک غریزه جنسی می‌شوند، محرک‌های تخیلی هستند. تخیل یعنی حاضر کردن صورت‌های ذهنی که آدمی در گذشته آنها را ادراک کرده است. به عبارت دیگر تصویرهایی که از راه حواس - بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه - ادراک می‌شوند در حافظه نگه‌داری می‌گردند؛ وقتی شما درختی را می‌بینید تصویر این درخت مانند یک عکس در حافظه شما بایگانی می‌شود و شما می‌توانید هرگاه که بخواهید این عکس را از حافظه خود بیرون آورید و به تماشای آن پردازید. و البته گاهی نیز این تصویرها به اندک مناسبت و بدون اختیار ممکن است به ذهن بیایند و تداعی شوند. این کارها همگی در ذهن انجام می‌گیرد؛ به این کار ذهن «یعنی حاضر کردن صورت‌هایی که در گذشته ادراک کرده» تخیل می‌گویند که از دیدگاه روان‌شناسان، مهمترین عامل تحریک غریزه جنسی، همان محرک‌های محیطی و تخیلات فردی است.<sup>۱</sup>

بدین صورت که فرض کنید، شخصی تصویر یک چهره یا یک صحنه یا یک حالت شهوانی و تحریک‌کننده را که پیش از این دیده و آن را ادراک کرده است در ذهن خود حاضر می‌کند و مشغول «تخیل» آنها می‌شود؛ این تخیل‌ها به‌طور طبیعی زمینه تفکر در امور شهوانی را فراهم می‌سازند و در نتیجه شخص را تحریک می‌کنند.

بنابراین یکی دیگر از روش‌های عفاف‌گرایی و پاکدامنی و کنترل غریزه جنسی، پرهیز از تخیلات و اندیشه‌های شهوانی است؛ چرا که تخیلات شهوانی و فکر کردن در باره آنها، زمینه تحریکات جنسی را فراهم می‌کند و سرانجام آدمی را به گناه و انحراف می‌کشاند.

آری اینکه قرآن کریم فرموده: به زنا نزدیک نشوید ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْنَىٰ...﴾<sup>۲</sup> مقصود آنست که مقدمات زنا را انجام ندهید.<sup>۳</sup> و بی‌شک یکی از مقدمات و زمینه‌های زنا، همان اندیشیدن در امور شهوانی است که باید از آن به‌شدت پرهیز شود. و نیز اینکه فرموده: از گام‌های شیطان پیروی نکنید ﴿لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ... فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ...﴾<sup>۴</sup> می‌خواهد بفهماند که فریب انسان توسط شیطان، تدریجی و گام به گام است.<sup>۵</sup> و بی‌گمان یکی از گام‌های خطرناک شیطان، همان اندیشیدن در امور شهوانی و صورت‌گیری‌های جنسی است که در قوه خیال انسان اتفاق می‌افتد و شیطان آنها را به شکل زیبا و جذاب زینت می‌دهد. چرا که شیطان در این باره گفته:

﴿... لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾<sup>۶</sup>

من زشتکاری‌ها و گناهان بندگان را در نظرشان زیبا جلوه می‌دهم و همه را گمراه می‌کنم.

۱ - روان‌شناسی عمومی، دانشسرا، ص ۹۶.

۲ - اسراء (۱۷) آیه ۳۳.

۳ - رک: تفسیر راهنما، ج ۱۰، ص ۸۸، ب ۳ و ۴.

۴ - نور (۲۴) آیه ۲۱. از گام‌های شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد!

۵ - رک: تفسیر راهنما، ج ۱۲، ص ۲۱۸، ب ۴.

۶ - حجر (۱۵) آیه ۳۹.

رسول خدا ﷺ می فرماید:

لَا تُجَامِعُ امْرَأَتَكَ بِشَهْوَةِ امْرَأَةٍ غَيْرِكَ، فَإِنِّي أَحْشِي أَنْ قَضِي بَيْنَكُمَا وَلَدٌ أَنْ يَكُونَ مُحَنَّثًا مُخْبِلًا...<sup>۱</sup>  
در حالی که به زنی دیگر میل داری [و تصویر ذهنی محرک او در خاطرت مجسم است] با همسرت آمیزش  
مکن؛ زیرا اگر فرزندی میان شما تقدیر شود بیهم دارم زن نما گردد، یا در عقل و اعضایش نقص و کاستی  
پدید آید [معلول ذهنی و یا معلول جسمی گردد].

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا.<sup>۲</sup>  
کسی که درباره گناهان زیاد بیاندیشد گناهان او را به سوی خود بکشانند.

نیز فرموده است:

صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْإِثَامِ، أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ عَنِ الطَّعَامِ.<sup>۳</sup>  
روزه دل از اندیشیدن به گناهان، برتر از روزه معده از طعام است.

حضرت عیسی علیه السلام نیز به یاران خویش فرمود:

إِنَّ مُوسَى أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تَزْنُوا، وَأَنَا أَمَرُكُمْ أَنْ لَا تُحَدِّثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالزَّانَا...<sup>۴</sup>  
موسی (ع) به شما فرمان داد که زنا نکنید، لیکن من فرمان می دهم که «فکر زنا» را هم نکنید.

۱ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۵۲، ح ۱.

۲ - میزان الحکمه، ح ۱۶۲۲۸.

۳ - همان، ح ۱۰۹۴۸.

۴ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۱۸، باب ۵، ح ۱.

## عفت در عشق و دوستی و ارتباط

تمایل آگاهانه به جنس مخالف یکی از نشانه‌های بلوغ جنسی می‌باشد که به‌طور طبیعی در نفس آدمی شکل می‌گیرد ولی لازم است تا قبل از ازدواج و به غیر از همسر، از تشدید این تمایل پیشگیری کند و از ابراز آن خودداری ورزد. بنابراین مراد ما از عفت در عشق و دوستی و ارتباط در این درس، به‌معنای پرهیز از عشق به نامحرمان و اظهار تمایل و رابطه با آنان است. زیرا چنین دوستی‌ها و ارتباط‌ها، عواقب بسیار ناگوار در پی دارد.

### بررسی دوستی و ارتباط با نامحرمان از دیدگاه شریعت

از دیدگاه شریعت، حرام و مردود بودن این‌گونه از عشق‌ها و تمایلات عاطفی، بسیار روشن است. چراکه وقتی نگاه به نامحرم، و سلام کردن و گفتگوی بی‌مورد، و شنیدن صدای محرک‌ش، و استشمام عطر او، و خلوت با او اشکال داشته باشد بی‌شک عشق به او و اظهار تمایل و ارتباط با او، اشکالش بیشتر است و جز گرفتاری به‌بار نخواهد آورد. قرآن کریم خاطر نشان کرده که یکی از ویژگی‌های مهم زنان و مردان با ایمان و پاکدامن اینست که پنهانی با نامحرمان دوست نمی‌شوند و لذا شایستگی ازدواج را ندارند. در خصوص مردان عقیف فرموده:

﴿... مَحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَعْدَانٍ ...﴾<sup>۱</sup>

و هنگامی که پاکدامن باشید؛ نه زناکار، و نه دوست دختر پنهانی و نامشروع گیرید.

و در آیه‌ای دیگر، به مردان سفارش می‌کند با دختران عقیفی که دوستی مخفیانه با نامحرمان ندارند، ازدواج کنند:

﴿فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أَجُوزَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَعْدَانٍ ...﴾<sup>۲</sup>

آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه به‌طور آشکار مرتکب زنا شوند، و نه دوست پسر پنهانی بگیرند.<sup>۳</sup>

از اینجا معلوم می‌شود که دوستی با نامحرمان، منافات با عفاف و پاکدامنی دارد. بنابراین کسانی که با جنس مخالف در فضای حقیقی و یا در فضای مجازی<sup>۴</sup> دوست می‌شوند همگی مرتکب بی‌عفتی گشته و مشمول نهی قرآن کریم هستند! در روایات اسلامی نیز به عفت در عشق (که به معنای پرهیز از عشق به نامحرمان و اظهار تمایل و رابطه با آنان است) سفارش شده است. به عنوان نمونه رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

<sup>۱</sup> - مائده (۵) آیه ۵.

<sup>۲</sup> - نساء (۴) آیه ۲۵.

<sup>۳</sup> - تفسیر نمونه در این باره می‌گوید: «اعدان» جمع «اعدان» در اصل به معنی دوست و رفیق است اما معمولاً به افرادی گفته می‌شود که با جنس مخالف خود ارتباط نامشروع و پنهانی برقرار می‌سازند. و نیز باید توجه داشت که «خدن» هم بر مرد و هم بر زن در قرآن مجید اطلاق شده است. (نمونه، ج ۳، ص ۳۴۹) نکته دیگر اینکه چرا قرآن کریم، این گروه را پس از زناکاران قرار داده و در کنار و هم‌ردیف با آنان آورده است؟ در پاسخ می‌گوییم: ممکن است به این دلیل باشد که یکی از عوامل مهم در مبتلا شدن به زنا، رفاقت‌های پنهانی با نامحرم است! و البته این‌گونه رفاقت‌ها نیز غالباً از نگاه کردن و گفتگو و خلوت و اختلاط و مراودات و رفت و آمد با نامحرم سرچشمه می‌گیرد.

<sup>۴</sup> - تحت عناوین دوست اجتماعی (در شبکه‌های اجتماعی).



مَنْ عَشِقَ فَكْتَمَ وَعَفَّ فَمَاتَ فَهُوَ شَهِيدٌ.<sup>۱</sup>

هر که [به هر دلیل و علتی] گرفتار عشق و دوستی شد، اگر عشق خود را پنهان سازد و پاکدامنی ورزد او آن را ابراز نکند و به ارتباط نامشروع آلوده نگردد] و در همان حال بمیرد، شهید است.  
و در بیانی دیگر می‌فرماید:

مَنْ عَشِقَ وَ كَتَمَ وَ صَبَرَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ.<sup>۲</sup>

هر که عاشق شود و عشق خویش را ابراز نکند و پاکدامنی ورزد و صبوری نماید، خداوند او را بیامرزد و داخل در بهشت کند.  
حضرت داود علیه السلام نیز به فرزندش سفارش کرد:

يَا بُنَيَّ إِمْسِ خَلْفَ الْأَسَدِ وَ لَا تَمْسِ خَلْفَ الْمَرْثَةِ.<sup>۳</sup>

ای فرزند عزیزم! به دنبال شیر [درنده خطرناک] راه برو، ولی در پی زن [نامحرم] مباش.  
آری عشق‌بازی و شهوترانی و ارتباط با جنس مخالف، خطر و فسادش از همراهی با شیر درنده بیشتر و زیان‌بارتر است؛ چراکه شیر درنده حداکثر به جسم و دنیای محدود انسان آسیب می‌رساند، ولی عشق‌بازی و شهوترانی هم به جسم، و هم به روح و آخرت نامحدود انسان آسیب می‌زند. چنان‌که مروری گذرا بر زندگی عشاق، نمایان‌گر این واقعیت است.

## خاتمه

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که سبک زندگی قرآنی، سبک زندگی عقیفانه است و از طریق رعایت عفاف در حوزه‌های بینایی، شنوایی، گویایی، خلوت، اختلاط، پوشش و ... قابل تحقق می‌باشد. زیست عقیفانه، آدمی را از آسیب‌های شیطان و نفس اماره در امان نگه می‌دارد و او را همچون یوسف علیه السلام در دنیا و آخرت خوشبخت و سعادت‌مند می‌گرداند و به‌عکس کسانی که همانند برصیصای عابد (با دسیسه شیطان)، عفاف را در خلوت و اختلاط و پوشش و یا در سایر حوزه‌های بینایی و گویایی و شنوایی و ... رعایت نکنند، به فساد جنسی گرفتار شده و از سعادت در دنیا و آخرت باز می‌مانند.

## توجه

عمده مطالب این جزوه برگرفته از کتاب درسنامه عفاف می‌باشد که در ۶۴۰ صفحه تألیف گشته است. برای

موفق باشید

توضیح بیشتر مطالب یاد شده می‌توان به این کتاب مراجعه کرد.



۱. میزان الحکمه، ج ۱۳۱۵.

۲. میزان الحکمه، ج ۱۳۱۵.

۳. مهجۀ البیضاء، ج ۵، ص ۱۸۰.